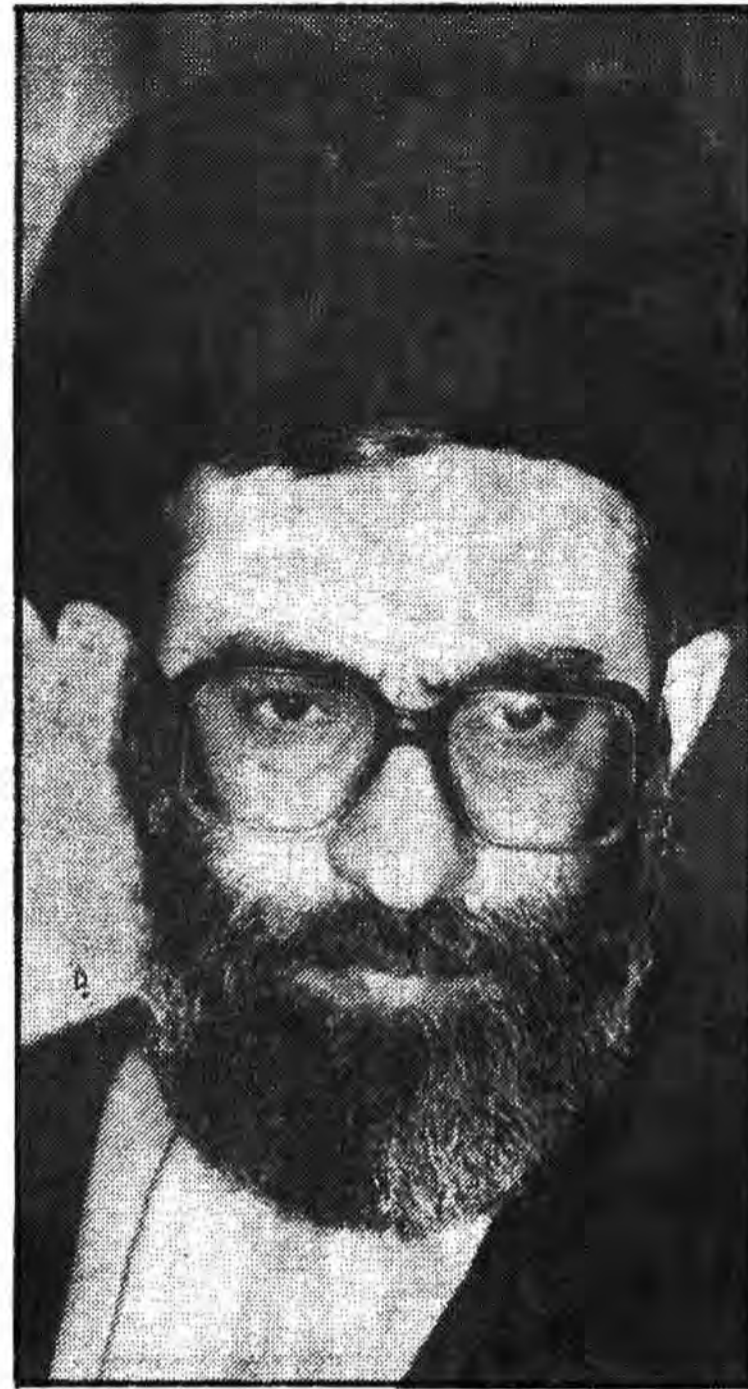
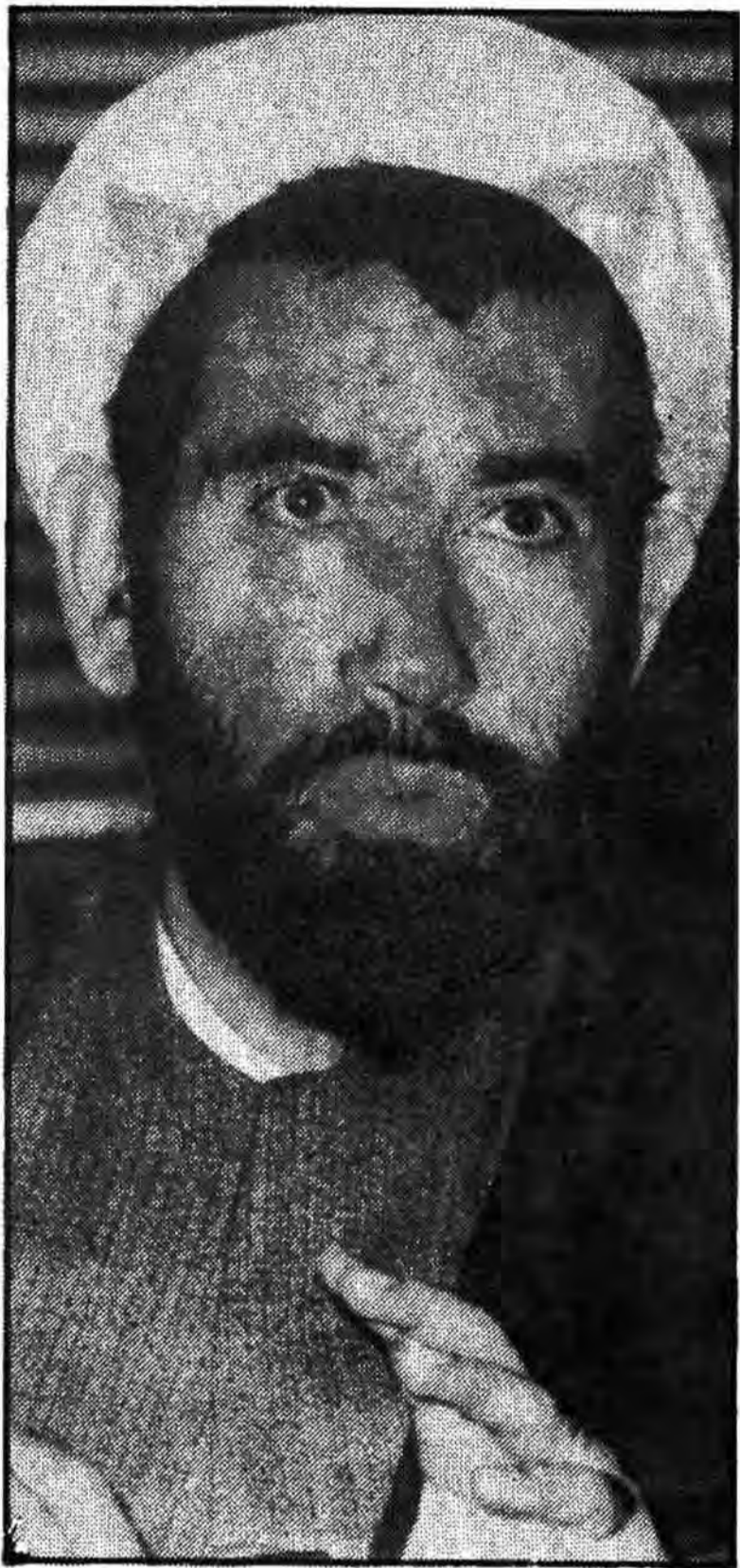




**باید متشکل باشید، تشکلی قوی و نیرومند،
زیرا دشمن از متشکل شدن شما می ترسد**

شهید مظلوم آیت الله بهشتی



تشکل الگو

جهانخوازان خدمت کنند. تاپیش از پیروزی انقلاب اسلامی در هر نقطه از کشورهای اسلامی از جمله ایران هر گاه جمعی خداجو در صدد ایجاد یک تشکل صدرصد اسلامی برآمدند، همین اصل شوم به یاری جهانخوازان شتافت و جهانخوازان توانستند به کمک همین اصل نامیمون کاری کنند که آن خداجویان تنها بماندند و در کار تشکل مسلمین توفیقی نیابند.

یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جمعی از یاران صادق ولایت و وفادار اصنام که چهره‌های شناخته‌شده و دوران طولانی مبارزه علیه طاغوت بودند و همواره با جمع همفکران دردآشنای خود تلاش سازنده‌ای برای ایجاد یک تشکل صدرصد اسلامی داشتند، در ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۷ موجودیت حزب جمهوری اسلامی را اعلام کردند. گرچه از آن جمع باصفا، دوستانه تقوا و اخلاص و تعهد و صداقت و صلابت به دیدار خداشتافتانند، ولی حزب جمهوری اسلامی همچنان به راه خود که پاسداری از انقلاب شکوهمند اسلامی است ادامه میدهد.

عملکرد صحیح و دقیق حزب جمهوری اسلامی در چهار سال گذشته توانسته است پوچی این اصل انحرافی را که هیچ تشکلی نمیتواند جز تأمین اهداف گروهی خود کاری صورت دهد عملاً به اثبات رساند و افق جدیدی را در برابر چشمان ملت های مسلمان کشور و به آنها فہماند که میتوانند با حفظ معیارهای اسلامی از تشکل وانسجامی برخوردار باشند که همچون سنگری خواهد بود برای دفاع از یکپارچگی امت اسلامی. حزب جمهوری اسلامی در عمل نشان داد که میتوان بی‌اعتنا به خواسته‌های گروهی در یک تشکل اسلامی گرد هم جمع شد و مردم را به ایثار و فداکاری دعوت نمود. خون پاک شهدای عزیزی که در سنگر این حزب و برای پاسداری از اسلام عزیز جان دادند گواه صادقی است بر این مدعا.

بدین ترتیب، حزب جمهوری اسلامی توانسته است بعنوان یک «تشکل الگو» این واقعیت را به اثبات برساند که بدبینی به ضرورت تشکل، اصلی است انحرافی که در خدمت دشمنان اسلام قرار دارد و مسلمانان باید در سایه تشکل وانسجام به پاسداری از حریم اسلام عزیز بپردازند. از خدای متعال میخواهیم این توفیق را عنایت فرماید که حزب جمهوری اسلامی برای همیشه بعنوان یک «تشکل الگو» باقی بماند.

استعماری به اذهان ملت‌های عقب نگه‌داشته شده راه پیدا کرده بود، این بود که هر تشکلی باید در پی تأمین خواسته‌های شخصی اعضاء همان تشکل باشد و یا اصولاً هیچ تشکلی نمیتواند جز تأمین اهداف گروهی خود کار دیگری صورت دهد. این طرز فکر را عملکرد احزاب و گروههای سیاسی غرب و شرق و حتی در کشورهای اسلامی تأیید میکرد. تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، بسیار نادر بودند تشکل‌هایی که توانسته باشند فراتر از خواسته‌های گروهی خود اندیشیده و عمل کرده باشند. به همین دلیل، اصل بدبینی نسبت به هر تشکل سیاسی توانسته بود جای خود را در ذهن‌های ملت‌ها باز کند و این اصل نیز پایه و ستونی شود برای استواری و برقراری امپراطوری جهانخوازان. شیوه استفاده و بهره‌برداری جهانخوازان از این اصل در میان مسلمانان این بود که بخاطر بدبینی عمومی نسبت به تشکل هرگز مسلمانان بفکر انسجام نمی‌افتادند و در مقابل، عمال و ایادی جهانخوازان همواره از طریق کارهای تشکیلاتی به مقاصد شوم خود دست می‌یافتند و به نخبه‌بانی از امپراطوری جهانخوازان می‌پرداختند.

این واقعیت که احزاب و سازمانها و جمعیت‌های سیاسی عملکرد خوبی ندارند و همواره خیانت را بر خدمت ترجیح داده‌اند، قابل انکار نیست. اما مهم اینست که دشمنان اسلام توانسته‌اند با استفاده از همین سوء سابقه به پیکار اندیشه ضرورت تشکیلات بروند و به مسلمانان چنین تلقین کنند که شما هرگز به تشکیلات نیازی ندارید. این اصل انحرافی و خطرناک توانست در طول سالیان دراز به مسلمانان خیانت و به

بسم الله الرحمن الرحيم
در دنیای سیاه و ظلمانی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، چند اصل مهم و پر نقش در فرهنگ جامعه‌های انسانی بخصوص جامعه‌های عقب نگه‌داشته شده یا مستضعف جای خود را باز کرده بودند که در واقع ستونهای امپراطوری بزرگ جهانخوازگی و استکبار در سراسر جهان بحساب می‌آمدند. یکی از این اصول، این بود که به مردم تلقین کرده بودند که هیچ ملتی نمیتواند بدون تکیه بر یکی از دو قدرت شیطانی شرق یا غرب روی پای خود بایستد. میگفتند هر ملتی که نخواهد متکی به غرب باشد، ناچار باید به شرق تکیه کند و هر ملتی که نخواهد به شرق تکیه کند ناچار باید به قبله غرب سجده نماید. هر وقت، هر جا انقلابی میشد میگفتند حتما دست یکی از دو قدرت جهانی پشت پرده کار میکند. اینکه در بسیاری از این انقلابها گرایشهای شرقی یا غربی وجود داشته و دست یکی از دو جهانخواز مشغول کار بوده است، چیزی نیست که قابل انکار باشد، اما آنچه مهم است اینست که از همین نکته یک اصل ساخته بودند و به مغز ملت‌ها فرو کرده بودند که هرگز امکان ندارد انقلابی بشود و متکی به یکی از دو قدرت جهانی نباشد. نتیجه چنین طرز تفکر خطرناکی این بود که ملت‌ها نسبت به هر حرکتی برای رهایی دچار تردید و درنگ میشدند. نمیدانستند آیا قیامشان و انقلابشان میتواند بدون تکیه و گرایش به شرق یا غرب سالم بماند یا خیر نمیدانستند که آیا پس از رهایی از چنگال این شیطان به چنگال آن شیطان خواهند افتاد یا نه و چه بسا انقلابها که بدلیل همین تردید ناشی از آن القانات خطرناک اصولاً شروع نشد و یا نیمه کاره ماند.

انقلاب اسلامی، که بدون ذره‌ای تکیه بر شرق یا غرب پیروز شده و راه خود را تاکنون بلطف خدا با پیاده کردن عملی شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» ادامه داده است، در عمل پوچی این اصل خطرناک را که یکی از مهمترین ستونهای امپراطوری جهانخوازان بود به اثبات رساند و به ملت‌ها فہماند که با تکیه بر خدا و نیروی ایمان و اراده میتوان بر قدرتهای مادی شرق و غرب پیروز شد. و بدون تردید، این یکی از خدمات بزرگ انقلاب اسلامی به ملت‌های تحت استضعاف بشمار می‌آید.

یکی دیگر از اصولی که در نتیجه سيطرة فرهنگ

سخنرانی شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی پیرامون:

نقش تشکیلات در پیروزی و پیشبرد انقلاب اسلامی

چنانکه بارها از یاران و دوستان و هم‌زمان شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی شنیدیم ایشان به نظم و انضباط علاقه خاصی داشتند و سعی میکردند تا آخرین درجه توان طبق برنامه عمل کنند و بدلیل داشتن چنین خصوصیتی به تشکیلات و متشکل عمل کردن بسیار اهمیت میدادند و به همین مناسبت سخنرانیهای متعددی در زمینه تشکیلات و تحریک داشتند متن زیر سخنرانی شهید مظلوم پیرامون نقش تشکیلات در پیروزی و پیشبرد انقلاب اسلامی است که در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۱۰ در مسجد جامع نارمک ایراد شده است.

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على جميع انبيائه ورسوله وعلى سيدنا و مولانا خاتم النبيين ابى القاسم محمد (ص) و على بن عمه و وصيه من بعده مولانا على اميرالمؤمنين و على الائمة الهداة من اهل بيته و الصحيرة مس الاله و صحبه و السلام عليا و على عبادالله الصالحين.

در جامعه انسانهای با استعداد فراوان هستند، در قشرهای مختلف، در سبهای مختلف، در مناطق مختلف، صاحبان استعدادها و نیروها و توانهای ارزنده در هر جامعه‌ای کم و بیش پیدا میشود و در ایران ما و جامعه ما خیلی زیاد پیدا میشود که بر حسب مقایسه‌ای که در دیدارها و مطالعات عینی و مشاهدات در جامعه‌های مختلف داشتم، مردم ایران را دارای سطح خوبی از استعداد یافتن جوانهای ما از نظر استعدادها و توانها، نسبت به بسیاری از جامعه‌های دیگر رسیده‌تر و آماده‌تر است. زمینه‌هاشان برای شکفته شدن خیلی آماده‌تر است، چه از نظر استعداد و چه از نظر عمل‌پروراند و پر استعداد اما این استعدادها را چگونه باید شناخت و بعد از شناخت چگونه باید پرورش داد؟

● شناخت استعدادها و پرورش آن

این مسئله اساسی و مهم هر جامعه است. در جامعه‌ای که انسانها به هدر بیروند، در جامعه‌ای که استعدادها، بجای آنکه راه باز و شکوفائی را پیدا کنند، همواره به سد و مانع شکفتگی برخورد کنند، در جامعه‌ای که صاحبان ارزشها و استعدادها بجای اینکه تشویق شوند، همواره عقب رانده شوند، در جامعه‌ای که انسان بجای آنکه در خط انسان‌تر شدن و رشد کردن، ترقی و پیشرفت خودش را و جامعه‌اش را تامین کند، بسوی خطوط انحرافی، تملق چاپلوسی و مراع گوئی، جلب نظر افراد یا گروههای معین، یا تحریک کشانده شوند در این جامعه‌ها چگونه میتوان امیدوار بود که استعدادها بارور شود. اول باید استعدادها شناخته شود، باید معلوم بشود که در هر پسر و دختر، در هر مرد و زن، در هر بیرو جوان، چه نیرویی، چه استعدادهای آماده‌ای وجود دارد.

شناخت استعدادها، کشف استعدادها این راهی دارد در دنیا و بعد از کشف و شناخت، میدان شکفتگی دادن، آنهم راهی دارد در دنیا. راهی که بشریت در طول تاریخ تجربه کرده اما از نظر شناخت ممکن است ما استعدادها، را در یک وجبی دو وجبی، دو متری، پنج متریمان بشناسیم، اما پنجاه متر آن طرفتر خبر نداشته باشیم که چی هست، در حالیکه ما از نظر شناخت استعدادها، همه حداکثر در یک مدار محدود و میدان محدود اطلاعات داریم، چگونه میتوانیم برای پرورش استعدادها و بکار گرفتن آنها، برنامه‌ریزی کنیم. عین امروز، همین حالا، در همین مقطع انقلاب اسلامی ما به افراد گوناگون نیاز هست، همین حالا، معلم لایق با ایمان خیلی مورد نیاز است. همین حالا قاضی با ایمان لایق کاردان خیلی مورد نیاز است. همین حالا سخنران مخلص با ایمان که از اعماق وجدان و قلبش حرف برند و بخواهد برآستی پیامی که به آن معتقد است به جامعه منتقل کند، خیلی مورد نیاز هست. همین حالا قلم بدستانی که بتواند در خدمت آرمان اسلام و آرمان انسانیت این مردم قلمزنی کنند و چیز بنویسد، خیلی مورد نیاز هست. همین حالا، صاحبان هوش و هوشمندی که بتوانند هنر را در خدمت آرمان اسلامی و انسانی بشریت قرار دهند، فراوان مورد نیازند. همین حالا کسانی که بتوانند از عهده مدیریت سالم صنایع در جهت قطع وابستگی های اقتصادی ما به بیگانگان، کار کنند و پیشرفت کنند، خیلی مورد نیازند، همین حالا، به کسانی که بتوانند به سمتهای اداری جامعه مثل بخشدار یا شهردار، فرماندار، استاندار مسئول فلان اداره با آرمناهای اسلامی و بیاتمه‌دات اسلامی و انسانی عمل کنند، فراوان مورد نیازند.

آیا اینها توی جامعه ما فقط هستند، نیستند؟ هستند. لایق نمی‌توانیم بگوئیم نیستند، شاید حتی بیش از یارمان هم باشند پس عیب در کجاست؟ میشناسیم آنها را، مادرشمارده ماهه در این رمیه یک مقدار عمل کردیم و یکمقدار، جوانها و افرادی که قبلاً...
سلمان بودن در میدان عمل راهشان نمیدادند و عقیشان میزدند، به جرم درست بودن کنارشان میزدند زیرا آدمهایی را میخواستند، بی‌ایمان، بلکه قربان‌گو، زیر بار هر چیز برو، دردوشریک درد اینهایی را که کنار میزدند، توانستیم، شناسائی کنیم، دعوتشان کنیم و آنها را به میدان کار به شما بگویم، بسیاری از آنها

* خصلت انقلاب این است که جوانهای نومی طلبد که با فرهنگ جدید انقلاب می‌توانند کار بکنند.

* ما نیازمند به یک تشکیلات هماهنگ خلاق منسجم هستیم که در آن استعدادها محل شناسائی متقابل استعدادها باشند.

* امروز اگر شما توده مسلمان با ایمان در خط اسلام راستین متشکل نباشید، دیگرانی هستند که سالهاست در خط تشکیلات افتاده‌اند، فقط در اقلیت هستند و این اقلیت سازمان یافته در کمین نشسته تا در اولین فرصت، شما توده بپا خاسته را طعمه خود قرار دهد.

* ما در زمینه تشکیلات و گروه‌گره شدن در اسلام و در قرآن یک تطبیق زیبا داریم و آن اینکه راه اسلام مسابقه در خیرات است، گروه‌گره باشید اما در یک مسابقه مثبت، نه در یک مسابقه تخریبی منفی، رمز کار اینجاست و این را باید درست کرد.

* برای مواقع حساس یک فرماندهی مشترک ضرورت دارد و این فرماندهی مشترک امروز به برکت نعمت وجود امام هست و حضور دارد.

در تجربه عملی این ۱۶-۱۷ ماهه نشان دادند که آدمهایی بصیر، مومن، مخلص، جدی و لایق هستند. ما الان استاندارهایی داریم ۲۷-۲۸ ساله که وقتی اینها را میخواستند برای استانداری دعوت کنند، دوستان میگفتند که ای بابا، این جوانهای خام را نیاورید سرکار یک استان را میخواهید بدهید به یک جوانی که تادیروز یک معلم بوده، یک مهندس بوده در یک کارگاه، جواب این بود که انقلاب خصلتش این است. خصلتش این است که انسانهای نومیطلبند، انسانهایی میطلبند که با فرهنگ جدید انقلاب میتوانند کار بکنند. باینکه آنهاست که به بارسوبات فرهنگ پیش از انقلاب شکل گرفتند، به زحمت میتوانند خودشان را منطبق کنند، باینهاها دوره پیروزی انقلاب اینها آمدند کار کردند، یک نفر از آنها در یک استان حساس مرزی، در طول سه چهار پنج ماه کار کردن، اینجائی که همیشه نگران ناامنی و برخورد و انفجار بودیم، تبدیل کرده است به استانی که از اکثر استانها آرامتر است، یک جوان ۲۷-۲۸ ساله.

استعداد هست باید شناخت، لیاقت و کارائی هست باید شناخت. چگونه بشناسیم؟ آیا این شناختها موضعی کافی است؟!

● کیفیت شناسائی استعدادها

چه بسا شما در همین منطقه نارمک، در همین منطقه کسانی را شناسید با لیاقت کافی، ولی ماصلاً حیرت‌شویم دوستان ما خبر نشوند، چه باید کرد که افق دید و شناسائی استعدادها گسترده شود؟ این یک سؤال است، باید به این سؤال جواب داد. ما احتمالاً در دوره مبارزه برای سرنگونی رژیم، در آن راهپیمائیهای میلیونی و چند میلیونی یک دورنمای جالب را دیدیم، ما دیدیم، خیلی اوقات چیزهایی را که به عقل بزرگترها



مسئولیت خاص را عهده گیرد؟
آنجا همه ما باید راه می‌افتادیم. نرس می‌باید متشاق اینک شهید بشویم حرکت کنیم از پیروانی تا اعمال بیگانه ترسیم. وحشت نکنیم شعارها از یک سرگر می‌آید از سرگردانها، دلها در شعارها هماهنگ شده بود و شعورها در یافتن شعارها با هم هماهنگی هم اندیشی و هم فکری داشتند. اینها، سهل بود، آسان بود، پر عظمت بود، پر معنا بود و چندان هم آسان بدست نیامده بود، اما پس از بدست آمدن تحقق یافتنش آسان بود. اما برای ساختن روستاها هم میتوانیم اینکار را بکنیم برای تبدیل تهران آلوده مضطرب درهم و برهم ۴-۵ میلیونی به یک شهر دو میلیونی که اضافه جمعیتش برونند به جاهائی که طبیعت آماده‌اش در انتظار آنهاست، میشود گفت: آی دو میلیون سه میلیون مردم حرکت کنید به سوی جائی که در انتظار شما هست! میشود یک همچنین چیزی را گفت عملی است، کار ساز است؟ بی‌شک برای دوران سازندگی نیازهای جدید است، باید استعدادها شناسائی شود، گروه بندی شود، معلوم شود هر کس و هر گروهی، در کجا میتواند قرار بگیرد که بیشک باید اینکارها انجام بگیرد.
خوب، حالا استعدادها را شناختیم، چگونه میشود به این استعدادها میدان شکفتگی داد، چه کسانی میتوانند به این استعدادها، میدان باز برای شکفتگی بدهند. اگر در مملکت یک مدیریت هماهنگ همفکر منسجم، با شاخه‌های فراوان و رشته‌های فراوان به سوی مراکز تصمیم گیری و اجرا نداشته باشیم چه میشود؟ بی‌شک در این دوره از مملکت ما، جامعه ما نیاز دارد به تصمیم گیری و اجرای هر چه هماهنگتر و منسجم‌تر. خوب کسانی که امروز و دیروز و پریروز هم‌مدیر را



نقش تشکیلات

یافته باشد هر کدام هم مشغول کار خود و اندیشه خود و سرر کبر خود. آیا آنها به آسانی میتوانند با هم یک مجموعه هماهنگ مسجّم بوجود آورند؟ دشوار است از چه راه ما میتوانیم؟ قبلا یک دوره آمادگی برای همفکری و هم کاری و همسانی و هم ارزی یکدیگر را درست ارزیابی کرده باشیم بوجود آوریم؟ این سؤال این مرحله از جامعه ما است پاسخ ما به این سؤال این است که هر دو از راه تشکیلات و تشکل. ما نیازمند هستیم به یک تشکیلات نیرومند هماهنگ خلاق مسجّم که در آن استعدادها همدیگر را بیابند، محل تلاقی استعدادها، محل ساساتی متقابل استعدادها باشند. و در آنجا استعدادها زمینه شوکوفائی پیدا کنند و محیطی مناسب برای همکاری هماهنگ پیدا کنند. یک چسب تشکیلات وسیع موثر مسجّم میتواند، هر دو مطلب را تا حدود زیادی تأمین کند، استعدادها را در سطح گسترده تر بشناسد. چقدر ما افراد آماده برای اشتغال داریم. چقدر افراد نزدیک به مرحله اشتغال داریم. در هر شاخه چه کسانی را داریم ساخته شده و چه کسانی را داریم آماده برای ساخته شدن و اینکه اینها چگونه میتوانند هماهنگ کار بکنند. این هر یک تشکیلات است. جامعه ما در مرحله‌ای که الان هست و میخواهد انقلابش را جلو ببرد، سخت نیازمند است به تشکل. من تعجب میکنم، ایروورها، در این یکی دو ماه اخیر مخصوصاً یک زمره پرخطر، در مقالات نوشته‌ها و سخنرانیها به گوش و به چشم میخورد که ای بابا که تعزب و تشکل و تشکیل احزاب و گروهها جامعه ما را به تفرق و جدائی تهدید میکند! این یک مسئله جدی است باید مردم ما با این مسئله جدی، جدی برخورد کنند.

● ضرورت تشکل

از یک طرف مسئله گروه گروه شدن، حزب و دسته دسته شدن، برآستی میتواند خطر آفرین باشد، ملت ما را که در یک مسیر مشترک و یگانه با یک رهبری مشترک و یگانه حرکت میکرد، تبدیل میکرد به گروهها، دستهها، یا رهبریهای گوناگون و مسیرهای گوناگون، خطر است. این درست است، این خطر است. از سوی دیگر اگر قرار باشد که مردم ما متشکل نشود، این نیروی مردمی توده‌ای که بار انقلاب بدوش اینها بود، نیروی انقلاب بدوش اینها بود، اگر اینها متشکل نباشند، سازماندهی نداشته باشند، هدایت شبکه‌ای شکل یافته نداشته باشند، چطور میشود آنها را بکار گرفت، چطور میتوان هر کسی واقعا آن راه مناسب با حرکت خودش را، راحت و خوب و آگاهانه با اطمینان پیدا کند؟ برعکس باید مدتی سرگردان باشد، این در بزند آن در بزند، با این باشد، با آن باشد، به این حرف گوش بکند، به آن حرف گوش بکند مدتها رحمت بکشد، برای جمع بندی، آیا چیزی گیرش بیاید، آیا گیرش نیاید. حالا این هم یک خطر است. حالا اگر ما در یک جامعه‌ای بودیم که خودمان بودیم و خودمان اگر قرار بود متشکل باشیم، هممان متشکل نبودیم، باز یک چیزی. اما امروز واقعیت عیبی در جامعه ما چیز دیگری است.

امروز اگر شما توده مسلمان با ایمان در خط اسلام راستین متشکل نباشید، دیگرانی هستند که بخواهید یا نخواهید، سالهاست در خط تشکل افتاداند و تجربه سازماندهی و سازمانیایی دیرینه دارند، فقط در اقلیت هستند. این اقلیت سازمان یافته در کمین نشسته تا اولین فرصت، شما توده بیخاسته را طعمه خود قرار دهد. پس مسئله این نیست که اگر ما با این حرفها دل خودمان را خوش کردیم و گفتیم متشکل نمی‌شویم هیچ تشکلی در جامعه نباشد، تشکلهای دیگر هست، همه متشکل میشوند جز ما مسلمانهای در خط اسلام این درست است؟ این خطر تفرقه را برطرف میکند، این وحدت جامعه را از خطر تعزب و گروه گروه شدن می‌رهاند؟ از این گذشته، اگر در جامعه‌ای حزب و تشکیلات هم نباشد، تشکیلات رسمی نباشد، آن وقت در جامعه گروه گروه پیدا نمیشود، دور و بر هر آقایی،

دور و بر هر شخصینی دور و سرر صاحب نمودی ۵۰ نفر جمع میشود، این یک باند، آن یک باند بجای آنکه در یک مملکت احزاب و سازمانهای متشکل باشند، باندهای خطرناک فاقد تشکل و مسئولیت و انضباط تشکیلاتی، آن وحدت را چندین درجه بدتر به خطر خواهد انداخت.

● باندبازی در صورت عدم تشکل

اگر شما، شما بچه‌ها، شما نوجوانها، تجربه باندبازی را در این کشور ندیده‌اید، ما دیدهایم. در آن ایامی که احزاب نیرومند سیاسی و اجتماعی، مخصوص در خط اسلام در جامعه ما یا نبود یا بسیار ضعیف و کم بود، میدان جامعه، میدان تاخت و تاز باندها بود. فکر می‌کنم، دوستانی که در این ادارات و وزارتخانه‌ها و اینها، تجربه دارند، شاید آنجا تجربه باندهای حاکم و محکوم را، کاملاً دیده باشند و لمس کرده باشند. آنجا

● در مواقع خطر حضور امام وحدت است.
● مردم ایران، کمترین بی‌اعتنائی به قانون اساسی خود را تحمل نکنید و نسبت به حفظ قانون اساسی از هرگونه تخلف و تجاوز حساس باشید.

● در مورد صرف سهم امام برای حزب جمهوری اسلامی امام عین اینرا فرمودند: مادامیکه شما لازم میدانید به هر مقدار، به هر مبلغ که از سهم امام برای فعالیتها سودمند حزب مصرف شود، اجازه دهید، مورد قبول من نیز هست.



حزب نیست، آنجا تشکیلات نیست، اما میبینید، در یک وزارتخانه در یک سازمان، هفت و هشت تا، شش تا، یا پنج تا، پانزده چهره پیدا میشود، آنها قدرت جذب افراد را دارند، هرکدامشان، پیرامونشان یک باند دارند و دائماً میانشان بر سر قدرت و در آن سازمان یا وزارتخانه کشمکش است و اسمش هم هست که حزبی نیست که وحدت جامعه را به خطر انداخته باشد. عکس مسئله است. احزاب هر چند هم که متعدد و مخالف باشند، به مراتب از باندها بهتر و قابل محاسبه‌تر هستند. برای

اینکه رو هستند. حداقل معلوم است که اعضاء آنها کیست، مسئولان کیست، کارگردانشان کیست. اگر حزب، حزب باشد باید مواضعش را مشخصا بیان کند. در برابر هر رویدادی اظهار نظر بکند. ولی باندها مجبور نیستند. باندها مصداق کامل فرصت طلبان هستند.

هر جا طعمهای بود رو می‌آیند، هر جا خطری بود، زیر میروند. دیدید بعضی از این سررغا، بعضی از این ماهیها بعضی از این حیوانات آبزی را؟ اینها هر وقت طعمه باشد وهوا مساعد باشد، روی آب هستند، باندها اینجوری هستند اینها. دیگر نه مسئولیت احزاب را و نه مسئولیت انضباط احزاب را و نه خط مشخص احزاب را دارند، کسانی هستند در کمین فرصتها و قدرتها و طعمه‌ها، در محیط اجتماعی نشستند و با چشمهای تیزبین مثل کرکس از دور نگاه میکنند که یا لاشهای کجاست، یا

مثل عقاب نگاه میکنند که شکاری کجاست، والسلام، اینها خطرشان بیشتر است برای جامعه یا احزاب و دسته‌های منظم که دارای تشکیلات و مواضع خطوط و مسئولان و مسئولیتهای مشخصی هستند؟ پس معلوم شد که تشکیلات لازم است. معلوم شد تشکیلات از بی‌تشکیلاتی خطرش هم برای وحدت کمتر است، اما دغدغه ما ازین نرفت. بالاخره اگر قرار باشد که بساط حرب بازی، در جامعه ما پهن بشود، اگر قرار باشد بساط گروه گرایی و انحصار طلبیهای گروهی در جامعه ما گسترده شود وحدت در خطر است، این واقعیت است، چه باید کرد؟ ما در اسلام و در قرآن در این زمینه یک تعلیم زیبا داریم و آن تعلیم زیبا این است که ای افراد! ای مؤمنان! ای تک تک مردان و زنان با ایمان! ای مجموعه‌ها! ای مجموعه‌های بوجود آمده از مردان و زنان با ایمان!، راه اسلام راه مسابقه در خیرات است. مسابقه بگذارید در خودساختن و محیط ساختن و الگوی مطلوبتر و اسلامیت شدن. گروه گروه باشید اما در یک مسابقه مثبت، نه در یک مسابقه تخریبی منفی. رمز کار اینجاست این را باید درست کرد. گروهها بنا را بر این چند چیزی که میگویم بگذارند وحدت به خطر نخواهد افتاد.

● حفظ وحدت

۱- بنا بگذارند، بر صداقت، راست بگویند، هر اندیشهای که دارند صاف و صریح با مردم در میان بگذارند به مردم دروغ نگویند. نفاق

نداشته باشند. منافق و دورو و دوچهره و چند چهره نباشند و مواضع عقیدتی، مواضع سیاسی، مواضع اقتصادی، مواضع اجتماعی، مواضع شان را در برابر نهادهای حاکم با صراحت بیان کنند. اگر اسلام را قبول دارند.

بگویند اسلام دین ماست. اگر اسلام را قبول ندارند بگویند ما ضد اسلامیم. اما رک بگویند اگر استقلال را قبول دارند بگویند ما به راستی خواهان تحقق یافتن شعار نه شرقی و نه غربی هستیم نه این که زیر پوشش مبارزه با آمریکا، واقعا در خط مبارزه با آمریکا جدی باشد اما با شوروی لاس سیاسی بزنند پس در خط مبارزه با شوروی جدی و قاطع باشند اما با آمریکا یا اروپای غربی لاس سیاسی بزنند نه، صریح بگویند ما خطمان این خط است که میخواهیم ایرانی و جامعه اسلامی ما روی پای خودش بایستد به هیچکس متکی نباشد صریح باشد. اگر در برابر و درباره زندگی زن در جامعه نکته نظرهایی دارند پوست کنده بگویند اگر قرار است زن جامعه اسلامی و جمهوری اسلامی زنی باشد با فضیلت، با کرامت و حتی لباس و پوشش او هم لباس و پوشش کرامت باشد این را صریح بگویند و اگر هم فکر می‌کند آقا لباس شکل است بروید سراغ محتوا این را صریح بگویند، بگویند زن باید نجیب باشد، عزیز باشد، عقیف باشد درسخوانده باشد، شجاع باشد، با تقوا باشد حالا لباسش هر چه می‌خواهد باشد سرش باز است باز باشد، دستش تا شانه باز است باز باشد، پاهایش باز



اسلامی و سیاسی و با ترتیب نظامی هستند. اینها هم طرف این هستند که باید مثل آن مسئله بسیج که در آن شرکت فعال داشتند، باید همه ملت آمادگی نظامی بیسند. من در رابطه با این دو گروه با یکدیگر، در طول این مدت، خیلی از آن رانظر بودم. می بینم آنها قدر دان یکدیگرند هیچگاه هووی یکدیگر نیستند. هیچوقت حسود یکدیگر نیستند. حتی در مسائل

یک قدری هم جامعه امکان صداقت را بدهد. متأسفانه در جامعه ما یک مقدار جو فشار برای افراد صریح‌اللهجه بوجود می‌آید، این خطرناک است. چرا شما وحشت دارید که افراد و گروهها، مواضع خودشان را صادقانه بیان کنند؟ چه عیبی دارد کجا ضرر میکند از صداقت؟ ترسید، بگذارید موصفا، مشخص و صریح و بی‌پرده و صاف گفته شود، تا هر کسی، هر گروهی، راه خود را و

است باز باشد. لباسش تنگ است تنگ باشد، آرایش کرده، کرده باشد، با تقوای باشد، با عفت باشد، پاک باشد، اینها دیگر ارزشی ندارد بروسراغ محتوا، شکل را بگذار کنار. این را صریحاً بگوید وقتی صریح گفت، مردم میفهمند که این گروه، این سازمان، موضعش این است. یا موضعش را قبول ندارند، سمتش می‌آیند، یا موضعش را قبول ندارند، از او روگردان میشوند، صداقت، صراحت راست، بگوید. جمهوری اسلامی را قبول دارد، صادقانه بگوید قبول دارم، این قانون اساسی را قبول دارد، به آن ایمان دارد، بگوید ایمان دارم. ایمان ندارد بگوید آقا من اصل جمهوری اسلامی را قبول دارم اما این قانون اساسی، قانون اساسی اصلها است، مترقی و پیشرفته نیست، برای اینکه در آن نوشته، ولایت فقیه. آخر ولایت فقیه هم مال قرن بیستم است؟ آن مال آن قرون اولیه بود، خوب اینها را بگوید، صاف بگوید. بگوید آخر در این قانون اساسی گفتید باید بساط سرمایه‌داری و تبعیض اقتصادی در جامعه اسلامی برچیده شود. ما یک قانون اساسی میخواهیم که به من امکان هرگونه فعالیت استثمارگرانه بدهد. شما آمدید در این بند ۲ از اصل ۴ قانون اساسی گفتید جمهوری اسلامی موظف است به هر انسانی که نیروی کار دارد، سرمایه و ابزار کار بدهد، تا برای خودش کار کند، یا یکی یا گروههای کوچک یا تعاونیهای بزرگ دو هزار نفری، سه هزار نفری یا امکاناتی که جامعه در اختیارشان میگذارد. خودشان کار کنند که استثمارگر نشود. بگوید: اگر شما میخواهید اینکار را بکنید پس من چگونه میتوانم یک سرمایه‌دار استثمارگر باشم. من دیگر بدردم نمیخورد این قانون اساسی بگوید شما در اصل ۹ قانون اساسی گفتید، در اسرع وقت دادگاههای صالح به تروتهای اشخاصی که از راه فروش زمینهای بایر، از راه تصرفهای شخصی در منابع طبیعی عمومی، از راه رباخواری و رباذدهی، از راه رشوه دادن و رشوه گرفتن، و از راه مقاطعه کاریها یا درآمدهای سرسام‌آور پیر از تعدی و تجاوز بیت‌المال و حقوق جامعه، ثروت مند شوند، باید به حساب آنها رسید و هرچه از راههای نامشروع بدست



زیادی، هر وقت مسئله‌ای پیش می‌آید، اینها میخواهند با یکدیگر فکر کنند. می‌نشینند به مشورت، توانستند کار را مشترک بکنند، توانستند، خیلی صاف، برادران می‌گوید، اینجا با هم نقطه نظرها یکی نیست، اما حالا در مقابل یکدیگر بایستند، صف آرایی کنند، یکدیگر را تخریب و تخطئه کنند، یک همچین چیزی من سراغ ندارم، انتقاد هم ممکن است به یکدیگر بکنند اما انتقاد روشنگر و سازنده، انجمن‌های اسلامی دانشجویان، کانون‌های اسلامی دانش‌آموزان پشوراهای اسلامی کارگران، آنها هم رابطه‌شان با این گروهها و در میان خودشان به مقدار زیادی در همین خط است. ببینید تشکیلات مختلف است. واقعا از نظر سازمانی و تشکیلاتی چند دست هستند. اما آیا این ضد وحدت است.

در اینها با کمک به وحدت است، ما می‌بینیم در انتخاباتها، در راهپیماییهای پرشکوه بزرگ، در تظاهرات و در فعالیتهای دیگر اینها سعی میکنند، ستاد هماهنگ مشترک تشکیل بدهند، با همدیگر کار بکنند. و وحدت اینها به مراتب آسانتر است تا وحدت افراد پراکنده و پاندها، برای اینکه اینها مسولان مشخص‌اند و مسولهای مشخص سریع میتوانند با همدیگر تماس بگیرند و خط مشی و برنامه مشترک را تنظیم و اجرا کنند. و از این واحدها متعددند. چرا؟ برای اینکه اینها، مسابقه‌شان مسابقه مثبت است. می‌گوید هر گروهی می‌کوشد تا راه نیکو بودن و نیکو شدن و محیط نیکو ساختن را بهتر بشناسند و قاطعانه‌تر و توان‌تر بسپارند این راه را.

در این راه افراد با هم دعواشان نمیشود، گروهها دعواشان نمیشود، گروهها با هم میتوانند در یک خط قرار بگیرند. متشکل‌تر بشوند، نیروهایی هستند متشکل و مکمل یکدیگر، تکمیل‌کننده یکدیگر و این هم اصل دوم و در اینحالت دیگر هیچیک از گروهها، انحصارطلب نیستند. می‌گوید: آنچه در جامعه هست زمینه کار و عمل باید بصورت یک میدان باز مسابقه،

بقیه در صفحه ۶

*** تشکیلات ضرورت اینمقطع از انقلاب اجتماعی و اسلامی ماست و عامل پیش برنده انقلاب با سرعت و توان هر چه بیشتر است.**

*** تبلیغات ضدتشکل و ضد حزب، حتی اگر از زبان و قلم چهره‌های مطلوب و محبوب اسلامی دیده و شنیده شود، عملاً در خط منافع کسانی است که میخواهند خود متشکل باشند و ما متفرق.**

*** نگوئید که احزاب و تحزبها با منطق قرآن سازگار نیست تمام دستورات قرآنی تشکیلاتی است.**

جهت خود را بشناسد. این خیلی بهتر است. پس یک شرطش صداقت است. راحت بگوید گروهها اگر راست بگویند مردم وضعیتشان روشن است میدانند با هر گروهی چه نوع رابطه‌ای داشته باشند، رابطه تولی و یا تبری یا احیاناً تصادفی. هرچند که آن نمی‌یابیم که مسلمان در برابر فرد یا گروهی بی تفاوت باشد. یا تولی و یا تبری، منتهی درجات فرق می‌کند.

● احترام متقابل و همکاری و همفکری

۲- این که گروههایی که به اصل اسلام معتقد هستند و خطوط اساسی اسلام را پذیرفته‌اند بهمدیگر احترام بگذارند. نه اینکه یکدیگر را با سرخورد تخریبی و منفی‌مورد هتک احترام قرار دهند. من مثلاً را بیان می‌کنم، میخواهم یک مقدار مثالهای عینی هم بزنم. ما در این سالهای بعد از انقلاب لااقل در رابطه بین چند واحد این حالت را دیدیم هست. این برادرها و خواهرهای مجاهدین انقلاب اسلامی، یک سازمان سیاسی- نظامی- تشکیلاتی هستند. برادرها و خواهرهای حزب جمهوری اسلامی هم یک سازمان



آوردند، از آنها گرفت و به آنهائی که از آنان ربودند داد یا به بیت‌المال داد بگوید، نه این نشد، این جمهوری اسلامی مزاحم من است من بدردم نمی‌خورده این قانون اساسی را من نمی‌خواهم، ولی رک بگوید. صداقت، صراحت، جامعه بدون صداقت نمیتواند در خط سعادت به جلو برود. رک باشید، صریح باشید،



بقیه از صفحه ۵
برای همه ما در اید گروهها تنگ نظر، انحصار طلب نفی کننده یکدیگر و مخرب نیستند. سازنده است، جلب کننده است و تکمیل کننده یکدیگر هستند.

۳- گروهها باید با تمام توانشان بکوشند، یک نقطه عالی هدایت کننده برای مجموعه آنها، در یک جبهه اسلامی واقعی بوجود آورند. برای اینکه، توافقی موقتی برای کارهای ضربتی غالباً کارائی لازم را ندارد. دوستان! ما در یک مقطع بسیار حساس از انقلابمان قرار داریم. ما الان در مقطعی قرار داریم که این بجهای دوازده ساله، چهارده ساله، میتوانند، طعمه هر نوع تفکرات انحرافی قرار گیرند و خدای ناکرده منحرف شوند. نمیشود آنها را گفت تک تک جدا بمانید، اینها حتماً باید مجموعه باشند.

جوانهای ما همینطور، مردم عادی ما همینطور، کارکنان موسسات شکل یافته و سازمان یافته ما همینطور، ما الان در شرایطی هستیم که نیروهایمان باید متشکل شود. این متشکل ها، میتوانند در سازمانهای متعدد اسلامی که در خط اصیل اسلام باشد، بوجود آید. اما برای مواقع حساس یک فرماندهی مشترک ضرورت دارد و این فرماندهی مشترک امروز به برکت نعمت وجود امام هست و حضور دارد.

حضور امام حضور وحدت است ولی فقط این کافی نیست، بلکه باید با یک نوع تشکل گسترده تر و تشکل جبهه اسلامی از گروههای مسلمان متعدد در خط امام، یک مرکزیت وسیع و بالا و هدایت کننده و با ظرفیت قوی و عالی بوجود آید. و مردم حضور فعال خود را در صحنه اداره و سیاست جامعه، آدا شده خود حفظ کنند.

قانون وحدت و حرکت

۴- همه کسانی که قانون اساسی را داده اند، باید ملتزم باشند که این قانون اساسی را بعنوان مبنای هرگونه حرکت و وحدت بشناسند و مورد احترام و عمل قرار دهند. مردم عزیز ایران کمترین بی اعتنائی به قانون اساسی خود را تحمل نکنید. در جامعه ای که به قانون اساسی مصوبه آن ملت بی اعتنائی شود، این خطر وجود دارد که مجدداً استبدادها و دیکتاتورهای در شکلهای جدید و با ظاهرهای زیبای فریبده در افق ایران آزاد شده رخ بینمایند و آزادی استقلال و مردمی بودن این نظام را به خطر افکند، نسبت به حفظ قانون اساسی از هرگونه تخلف و تجاوز حساس باشید. ما بر اساس این چهار اصل تشکیلات خواهیم داشت، ممکن است این تشکیلات گوناگون باشد ولی عامل تفرقه نیست.

بنابراین، چنین جمع بندی می کنیم. خطر بزرگ برای شما مسلمانهای عزیزیکه با ایمان به رهبری و ایمان به اسلام فقاقت و ایمان به خط فقاقت و عدالت، حرکت کردید و رنج بردید و انقلابی را به پیروی بر نظام حاکم رساندید، در متشکل نشدن شماست. تشکیلات ضرورت این مقطع از انقلاب اجتماعی و اسلامی ماست و عامل پیش برنده انقلاب با سرعت و توان هر چه بیشتر است. تبلیغات ضد تشکل و ضد تحزب و ضد سازمان یافتگی، حتی اگر از زبان و قلم چهرهای مطلوب و محبوب اسلامی دیده و شنیده شود، عملاً در خط بهر مند شدن و مافع کسانی است که می خواهند خود متشکل باشند و ما متفرق!

قرآن و تشکل

برادران و خواهران دل آگاه، بدون تشکیلات حرکت کردن را نپسندید که در چنین صورتی، روز پشیمانی در برابرمان قرار خواهد گرفت، روزی که به اشتباه خود پی ببریم. میدانید یک گروه ۵۰ نفری متشکل می تواند یک جمعیت ۵۰۰ نفری بی تشکل را از پا در آورد؟! و این روشن است. و نیز نگوئید که احزاب و تحزبها با منطبق قرآن سازگار نیست. کدام منطبق قرآن؟! تمام دستورات قرآنی تشکیلاتی است. همین نماز جماعتی که ما مسلمانها می خوانیم، تمرین یک نوع تشکل است.

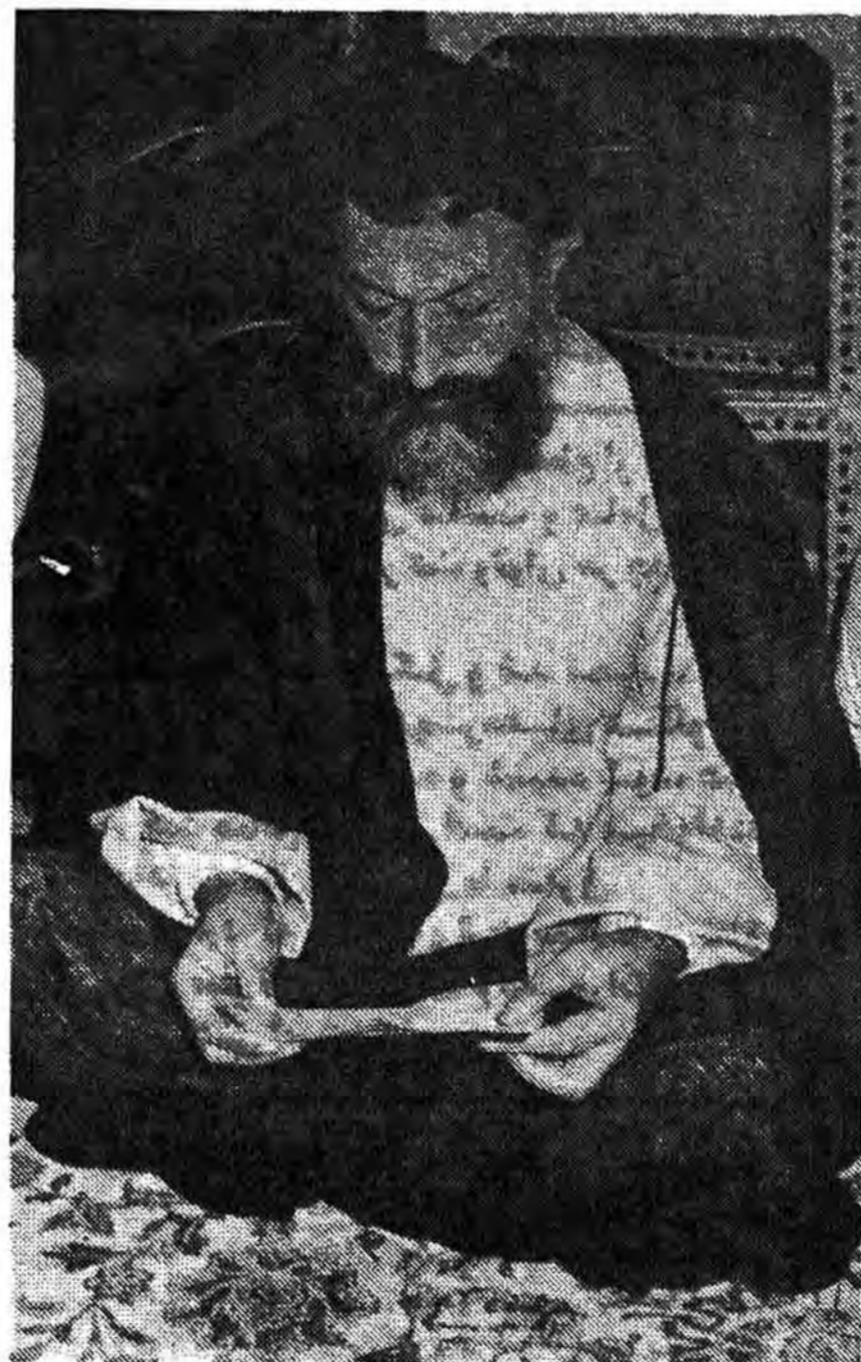
مگر امام جماعت مساجد متعدد نیست، هر کدام با یک عده نماز جماعت می خوانند. آیا این نماز جماعتها در مساجد گوناگون در ایام هفته کمک به تشکل است یا ضد تشکل؟ مسلماً کمک به تشکل است. ما حرکت های میلیونی خود را از همین مساجد و جماعتها

و علاقهها و اعتمادهایی که در مساجد بوجود آمده بود، توانستیم براه بیندازیم. و برای این مقدار تشکل، مساجد و روحانیت متعدد و آگاه و رهبری فقیه متشکل کافیت؟ اگر فقط تا اینجا بود، واقعا کافی بود. دیگر احتیاجی به تشکیلات نداشتیم. اما فرض بر این است که مسئولیتهای ما بعد از این بر مراتب بیشتر خواهد بود. در رابطه با این وحدت هماهنگ که یاد شد، مسئله شناسائی حساب شده استعدادها و جمع آوری استعدادها و شکوفا کردن آنها در مساجد عملی نیست. برای این مسئله راهی جز تشکل نیست بشرط اینکه چهار اصل فوق رعایت شود.

۱- تشکیلات ما باید بر اساس صداقت باشد و نه ریا و تظاهر و مردم فریبی که از بدترین اقتهای اجتماعی است.

۲- مسابقه گروههای متعدد ما باید در راه خیرات و نیکیها و سازندگیها باشد و نه مسابقه طرد و تخریب.

۳- این گروهها وقتی دیدند خطوط اصلی مشترکی دارند باید هر چه سریعتر در یک جبهه گسترده تر یا رهبری مورد قبول گرد هم آیند تا توانی بزرگتر بوجود آورند.



۴- گروهها باید قانون اساسی ایران را زمینه اصلی حرکت و همکاری و هماهنگی خود قرار دهند. پروردگارا به ذات مقدست سوگند دل های ما را به نور ایمان گرم و روشن ساز. ایمان ما را انگیزه عمل صالح قرار ده.

ایمان و عمل صالح را شعار جهان گیر جامعه اسلامی بمانیم. خدایا ما می خواهیم تو امام زمان (عج) رهبر و امام حرکت اسلامی مان، جامعه و خلق با ایمان مان، از مواضع و کارما راضی باشید. بالاله ما را در خطی از عمل قرار ده که همه این رضایتها را در پی داشته باشد. پروردگارا، همانطور که در قرآن فرموده ای ایمان

و عمل صالح، عامل الفت واقعی و پیوسته واقعی دلها هستند دل های ما را در پرتو ایمان و عمل صالح، روز بروز بهم نزدیکتر و یکی تر کن.

نعمت پیراج امام و رهبر عزیزمان را برای ادامه خط پرخطر انقلاب، برای جامعه ما مستدام بدار. دشمنان کینه توز درون مرزی و بیرون مرزی انقلاب و اسلام و جامعه عزیز ما را سرکوب و سرنگون ساز.

پاسخ به سوالات

سوال - آیا درست است که امام حزب جمهوری اسلامی را تأیید کرده اند و آیا درست است که امام فرموده اند برای تقویت این حزب جایز است از سهم امام مصرف شود.

جواب - مادر موقع تاسیس این حزب وظیفه خود می دانستیم که با رهبر مشورت کنیم. و چون این تصمیمات به مدتها قبل از پیروزی مربوط بود (موقعی که امام نجف بودند) قرار شد که یکی از برادران به آنجا برود و نظرایشان را بپرسد و جریان را کاملاً برای امام شرح دهد. مستأسفانه این برادر آن موقع نتوانست وارد خاک عراق شود و امام را زیارت کند. تا یکی دو روز به حرکت امام از نجف مانده بود که ایشان را زیارت کردند. بعد با ایشان مشورت شد. خود من در فرانسه که در خدمتشان بودم در این مورد مشورت کردم، فرمودند خوب است، بشرطیکه از مسائل جاری روزمره انقلاب باز نمانید، همینطور هم بود. وظایف روزانه انقلاب بعدها بما فرصت نداد دست بکار شویم پس از پیروزی انقلاب امام احساس کردند که در دوره سازندگی به نیروهای متشکل ساخته شده احتیاج هست، وقتی مجدداً مشورت کردیم تأیید کردند که کار را شروع کنیم. ایشان مکرر فرمودند: من آنچه میدانم اعتماد به شما پنج نفر از آقایان موسس حزب است. چون شما را از دیرگاه می شناسم. و تأییدی که از حزب می کنم به اعتبار تأیید و اعتمادی است که نسبت به شما آقایان دارم. (تکبیر).

در مورد صرف سهم امام هم، عین اینرا فرموده اند: مادامی که شما لازم می دانید به هر مقدار، به هر مبلغ که از سهم امام برای فعالیت های سودمند حزب مصرف شود، اجازه دهید، مورد قبول من نیز هست. (تکبیر)
سئوال: بنا به گفته شما سازمانها باید متشکل شوند و اگر این باشد سازمانی که مترقی تر است، اکثر افراد جامعه را به خود جذب کند و چنانچه این اکثریت بجائی برسد که همه را شامل شود، آیا همان موضوع تک حزبی پیش نمی آید که در قانون اساسی پذیرفته نشده است؟

جواب: یک وقت است که در قانون اساسی می گویند احزاب متعدد ممنوع است. یعنی ممنوعیت احزاب در قانون اساسی می آید، جز یک حزب که به چنین سیستمی تک حزبی میگویند، یک وقت است که نه قانون اساسی راه را باز می گذارد و میگوید صد حزب هم می تواند باشد. اما یک مجموعه یا یک حزب می تواند اکثریت یا همه را جذب کند و به این سیستم سیستم تک حزبی نمی گویند. چون هر لحظه ممکن است در برابر آن حزب دیگری بوجود آید. یعنی همیشه در خط مسابقه قرار دارد، هیچوقت بی رقیب تنها نیست.

بنابر این خطر تک حزبی حتی در این حالت نیز وجود ندارد. از این گذشته معمولاً چنین وضعی واقع نشده است. ممکن است حزب اکثریت جامعه را جذب کند و حزب حاکم شود و مقدرات مملکت را در دست بگیرد، باید هم اینطور باشد، وقتی حزبی واقعاً مورد اعتماد اکثریت بود باید هم اینکار را بکند. وظیفه اش این است که اینکار را بکند. اما تک حزبی نمی شود، احزاب دیگر موجودیت دارند.

سیستم تک حزبی به سیستمی میگویند که در قانون اساسی تعدد احزاب ممنوع باشد نه به یک سیستمی که قانون اساسی می گوید هر چند حزب میخواهد باشد باشد اما عملاً یک حزب توانسته است بیشتر مورد اعتماد مردم قرار بگیرد.

ابعاد لازم حزب

از: شهید حجة الاسلام والمسلمین باهنر
دومین دبیر کل حزب جمهوری اسلامی



شهید بزرگوار حجة الاسلام والمسلمین آقای محمدجواد باهنر دومین دبیر کل حزب جمهوری اسلامی طی نطقی بطور اختصار به تشریح ابعاد گوناگون حزب پرداخته‌اند که به لحاظ اهمیت سخنرانی مذکور مبادرت به درج آن می‌نماییم:

بسم الله الرحمن الرحيم
ما حزب را بمنوان یک واحد سیاسی، عقیدتی، اجتماعی معرفی می‌کنیم. پس حزب واحدی سه بعدی است:

جنبه سیاسی دارد چون اهداف حزب برتر و وسیع‌تر از اهداف انجمن‌ها، کانون‌ها، اتحادیه‌ها و جامعه‌ها و امثال آن است. چون انجمن یک گروه بهم پیوسته‌ای است که معمولاً دارای یک هدف است: مثلاً هدف تبلیغی یا آموزشی یا امدادی یا اجتماعی را دنبال میکند

مانند انجمن مددکاران، انجمن تبلیغات اسلامی، کانون فرهنگی و غیره هدف این انجمنها چیست؟

کانون نویسندگان برای اهداف مربوط به گروه خودشان و برای بارور کردن مسأله نویسندگان و پیشرفت دادن به نویسندگی تشکیل می‌شود

کانون هنرمندان برای اینستکه روی مسئله هنر و دفاع از حقوقشان و اشاعه هنر و گسترش آن کار کنند، حتی می‌توانند این کانونها و انجمنها هیچ هدف و جهت سیاسی و یا مذهبی نداشته باشند.

یا اتحادیه‌هایی که تشکیل می‌شود که غالباً هدف صنفی دارد، مثلاً اتحادیه صنف کفاش تشکیل میشود تا جمع شوند و پیشنهادهایی برای دفاع از حقوقشان بدهند یا برای اینکه تولید بالا برود، یا

برنامه توزیعشان چگونه تنظیم شود؟ یا رابطه آنها با دیگر اصناف چگونه تنظیم شود.

گرچه گاهی اتحادیه‌های صنفی به مسائل سیاسی و اجتماعی کشانده می‌شود، اما حزب:

حرب عمیقاً این سه جنبه را داراست و گرنه حزب نیست
۱- هدف سیاسی:

یعنی مدیریت جامعه و تنظیم رابطه جامعه با خارج و تنظیم روابط افراد و قشرهای اجتماعی بایکدیگر و مخصوصاً طرح‌هایی در مدیریت اجتماعی و اداره حاکمیت و سیاست کلی جامعه.

نقش سیاسی حزب در دولت کاملاً لمس می‌شود. حکومت برای اداره جامعه تشکیل می‌شود روابط اقتصادی، روابط حقوقی، روابط اداری و اجتماعی آن

جامعه را تنظیم می‌کند- در رابطه جامعه و ملت بنا سایر جوامع و دولتها دخالت می‌کند و در مجموع این جامعه را اداره می‌کند.

و حزب وقتی تشکیل می‌شود می‌خواهد در اداره جامعه دخالت کند، یعنی در تشکیل حکومتها.

دولت باید تکلیفش را راجع به کشاورزی و مسابح طبیعی، و امور بازرگانی، معلوم کرده و یک شیوه‌ها و

طرح‌های کلی برای اجرای آنها داشته باشد. وقتی یک حزب قوی شد میتواند عملاً قدرت سیاست را در یک کشور بدست بگیرد و اگر چند حزب در یک مملکت بود درصد (%) نفوذشان در حکومتها درصد موجودیت قدرشان میباشد. در مجلس که ۳۰۰ نماینده دارد، اگر حزبی

بتواند ۱۲۰ نفر نماینده در آن مجلس داشته باشد بمعی ایست که ۴۰٪ قدرت دولت را در دست گرفته و دیده شده که گاهی در مملکت دو حزب سربوشت را در دست گرفته‌اند.

بوع فعالیتهای حزب
۱- برای رسیدن کردن افرادش کوشش می‌کند.
۲- سعی میکند ارگانها و

موجودیت کرد بمعنای ایست که مس یکمرد آگاه و مبارزه‌هستم که درشئون مملکت دخالت میکنم.

از روزیکه ما از اسلام آموختیم که اگر بخواهیم اسلامی باشیم باید سیاسی باشیم و درشئون اجتماعی دخالت کنیم به ایس فکر افتادیم که حزبی داشته باشیم که متکی بقدرت ملت باشد تا بتواند ایجاد یک قدرت برای دخالت در امور مملکتی و حکومتی نماید. پس مداخله حزب در امور سیاسی و اجتماعی مملکت امری مسلم است.

۲- جنبه ایدئولوژیک: یک فرد حزبی باید جهان بینی و طرح‌هایی برای نظارت اجتماعی مبتنی بر همان جهان‌بینی داشته باشد که مجموع زیربنا و روینای ایدئولوژی حزب را تشکیل میدهد.

و بر اساس ایدئولوژی خاص خود طرح‌های اقتصادی و حکومتی و سیستم اجتماعی

۳- جنبه های اجتماعی حزب:

حرب بایستی دقیقاً در مسائل اجتماعی و موسسات و نهادهای اجتماعی دخالت کند و موسسات فرهنگی انقلابی ایجاد کند کانونهای جوانان و کانونهای مربوط بمسائل اجرائی داشته باشد که از یک بعدش ممکن است بمسائل سیاسی برگردد.

معمولاً احزاب و مذهبیکه میخواهد نقش حزب را بازی کند و فعالیت سیاسی داشته باشد در موارد متعدد دیده شده که از راه فعالیت‌های اجتماعی وارد شده‌اند مثلاً گروه‌های مسیحی یا صهیونیستها که برای اهداف سیاسی خود از طریق ایجاد مدرسه یا واحدهای فرهنگی و فیلم و مسائل هری داخل شده و بهدف خود رسیده‌اند برای موفقیت در ۳ جهت مذکور به همستگی و تحزب و افرادی که ایدئولوژی واحد داشته و در مبارزه سیاسی و عمل انقلابی آماده هستند و حاضر بعمل گروهی هستند احتیاج داریم. مخفی نماند که اگر عده‌ای یا افرادی از جهت مطالب سه گانه فوق کار باشند حق تشریک را ندارند بدیجهت در اساسامه حزب این مطلب آمده است که:

«هر مسلمان متعهد مؤمن به انقلاب اسلامی و مبارز که حاضر باشد عمل دسته جمعی انجام بدهد میتواند به عصویت حزب درآید»
چنین افرادی حتماً باید متحد شوند تا قدرتی عظیم تشکیل دهند هم از سیاسی و هم اجتماعی وقتی قدرتها در یکجا متمرکز شد توان حفظ انقلاب را خواهد داشت. مخصوصاً در ابتدای انقلاب که به ارتش و دولت نمی‌توان اطمینان کامل داشت زیرا ارتش هنوز تمام معاً مسجّم نگردیده و دولت هم دولت

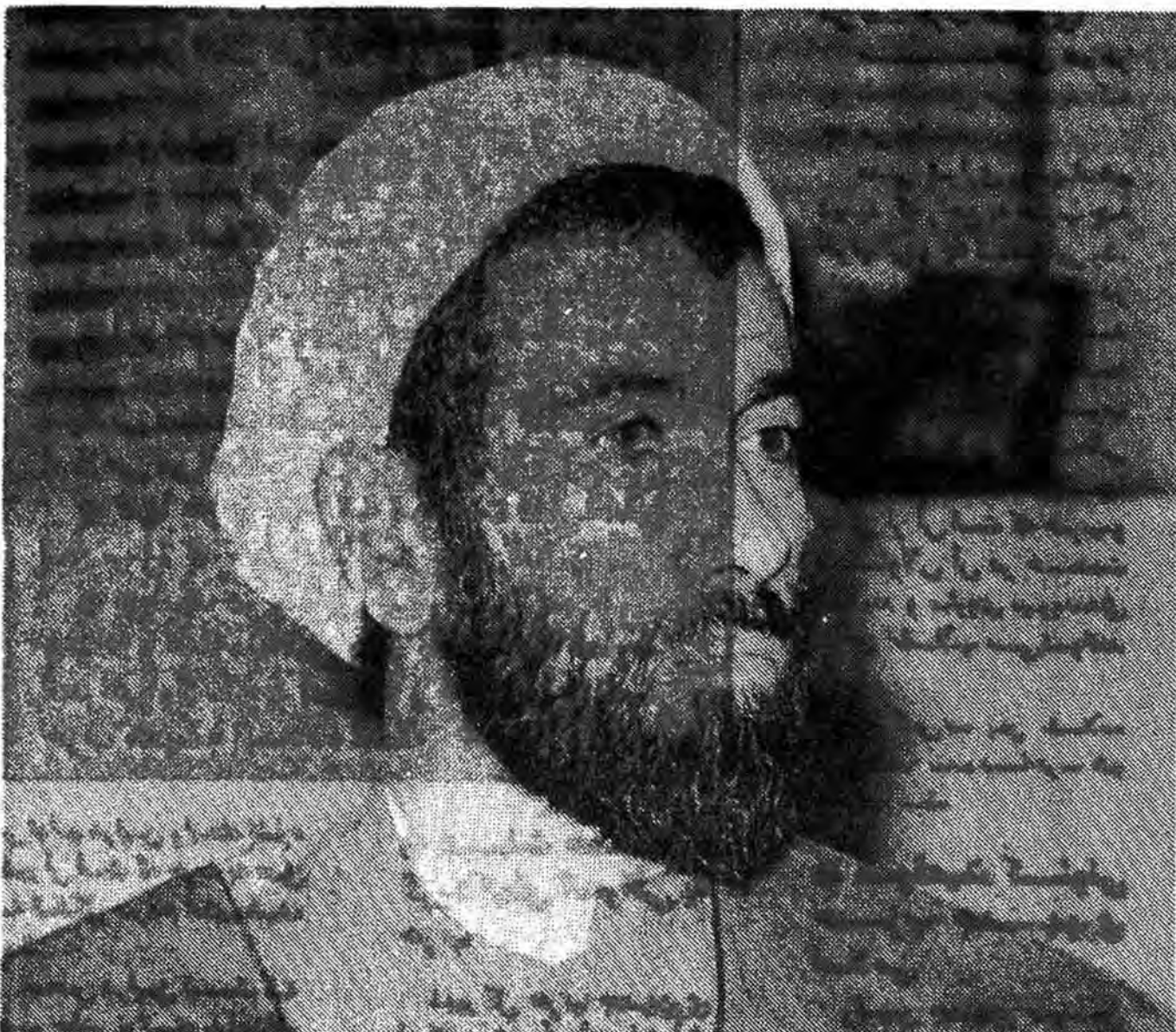
موقت است و بدان صورت قدرت ندارد که در مقابل ضد انقلاب پایدار باشد. آنچه فعلاً بعد از خدا حافظ انقلاب است ۲ قدرت میباشد:

۱- قدرت رهبری
۲- قدرت مردم
بطوریکه وقتی رهبر مطلبی را اعلام می‌فرماید، مردم با آغوش باز استقبال می‌نمایند و غیر از این ملت حافظی دیگر برای انقلاب بچشم نمی‌خورد طبعاً این مردم اگر مسجّم باشند قوی‌تر میشوند به این وظیفه عمل کنند. لذا تشکل و جمع قوی زیر پوشش حزب مطلبی لازم و مفید می‌باشد.

اگر یک حزب در دست سازماندهی و استخوانبندی عمیق در سراسر شهرها و افراد با نفوذ باشد این نیروهای تازه و جوان رو بکاهش نهاده و کم‌کم از درون بسردی می‌گراید. و این پیکر مسجّم شده روبه تفرقه و تشتت میرود.

ولی وقتی این نیروها را سازمان دادیم و اسکلتی تشکیل شد، همچون پیکری می‌شود که با مختصر صریحه به یک عضو تمامی اعضا بکمک آن شتافته و اعصاب یک پیکر ضربه را به مغز رسانده و از مرکز دستور لازم صادر می‌گردد.

لذا لازم است به این امر توجه شود که اگر انقلاب بخواهد بتمام ابعادش پیش برود احتیاج به بسیج شدن نیروهای صالح و مفید دارد. مخصوصاً که این انقلاب عمیقاً مبارزه برای ایجاد نظام اسلامی بوده و این فرصت بدست آمده و نباید آنرا از دست بدهیم. و همچنین زمانیست که دنیا متوجه انقلاب ماست تا ببیند اسلام چگونه حکومتی دارد و از این درس بگیرد.



را ارائه میدهد زیرا اگر دارای طرح‌های مملکتی باشد حزب نیست.

حرب اگر بخواهد در جامعه فعالیت داشته باشد نمی‌تواند ریر بای ایدئولوژی و فلسفی و تحلیلهای تاریخی و نظری قاطع پیرامون آزادی اجتماعی نداشته باشد، نمی‌تواند طرح‌های اقتصادی نداشته باشد.

بهادهای قدرت را در جامعه بدست گیرد از قبیل وسائل تبلیغاتی مسابح قدرت اقتصادی و ارگانهای فرهنگی
۳- در انتخابات شرکت میکند.

۴- در وزارتخانهها نفوذ می‌کند
تایواند به اهداف خودش در جامعه دست پیدا کند
۵- با برابری وقتی حزبی اعلان

در استیضاح حکومتها، در نظارت بر حکومتها،

مؤاحده حکومتها و اقدام برای عزل و سقوط حکومتها، و باز در رابطه با جامعه، یک ملت، یک امت با دیگر حرکت‌های آزادی‌بخش دنیا با ابرقدرتها و با دول هم‌جوار با احزاب مهم دخالت می‌کند.

نقش حزب جمهوری اسلامی در تحکیم انقلاب

گفتگویی اختصاصی با حجت‌الاسلام والمسلمین خامنه‌ای دبیر کل حزب جمهوری اسلامی

- از لحاظ سیاسی، حزب جمهوری اسلامی در داخل جامعه انقلابی ایران یک نهاد کاملاً غیر قابل انفکاک از نظام جمهوری اسلامی تلقی شده است.
- همه خصوصیات که برای نظام جمهوری اسلامی تصور می‌شود برای حزب نیز متصور است.
- شهید بهشتی روی معیار اخلاص بسیار تأکید داشتند، از ناخالصی بسیار بدشان می‌آمد و خود بسیار خالص بود.
- یک تشکیلات منظم و قوی برای انقلاب و اسلام بسیار لازم است.
- اگر سطح آموزش تنزل پیدا کند حزب نیز تنزل پیدا خواهد کرد و اگر سطح اخلاق تنزل پیدا کند حزب نابود خواهد شد.



این هم می‌تواند در بین مردم اطمینان و علاقه و اعتماد به خودش را بوجود بیاورد. از لحاظ سیاسی، حزب تدریجاً در داخل جامعه انقلابی ایران یک رنگ ثابت و یک نهاد کاملاً غیر قابل انفکاک از نظام جمهوری اسلامی تلقی شده است. همه خصوصیات که برای نظام جمهوری اسلامی تصور می‌شود برای حزب نیز متصور است. خیلی‌ها هم با آن مخالفت می‌کنند اما این مخالفتها غالباً رقابت‌آمیز است. من قاطعاً ادعا می‌کنم بیشتر کسانی که با حزب مخالفت می‌کنند اینها بعموان یک رقیب، ساحر مخالفت می‌کنند. اگر امکان داشته باشد یک حزب مشابهی تشکیل خواهد داد. اگر می‌توانستند همین حزب را در صورتیکه متعلق به آنان باشد ترویج می‌دادند منتها حریاناتی وجود دارد که حزب را برای خود ممانع می‌بندد لذا با حزب مخالفت می‌کنند. بهر حال حزب در مجموع موقعیت حسنی است و از وجهه مردمی خوبی برخوردار است و حرکتش در یک مرحله تکمیل و تصحیح است و نه بواقص و عیوب خود آگاه شده و امیدواریم که نتواند با این آگاهی بواقص خود را بر طرف کند.

سیاسی و آماج حملات خود قرار داد. یعنی این حزب را تا آنجا که توانست بمباران سیاسی نمود و هر کس را هم که می‌خواست بدنام و محکوم کند. ادعا می‌کرد که وی مربوط به حزب جمهوری اسلامی است. و از بس عناد و بعص نسبت به این حزب داشت، پسوند اسلام آنرا می‌انداخت. هیچ وقت نمی‌گفت حزب جمهوری اسلامی، همیشه می‌گفت حزب جمهوری! روزنامه‌هایشان می‌دیدید که چه می‌نوشتند. مدعی فراری روسیاه هم دیدید که راجع به حزب چه حرفهایی و چه تهمت‌هایی رد. راجع به مسئولان حزب و در رأس آنها شخص شهید بهشتی شما دیدید که همه گروههای مخالف حزب جمهوری اسلامی چه جنجالی برآه انداختند. همه اینها حاکی از آن است که حزب و مسئولان آن در خدمت انقلاب و باروی بیرومندی برای انقلاب می‌توانند باشند. لد هر کس ب پس مخالف سب ساحر هم مخالف است.

● موقعیت کنونی حزب جمهوری اسلامی

رئیس جمهور سوسی بعنوان دبیر کل حزب جمهوری اسلامی موقعیت کنونی حزب را چنین بیان داشت:

حزب از لحاظ حرکت نسبت تصحیح و تکمیل وارد مرحله مبارکی شده است، در میان مردم، حزب از آبرو و حیثیت زیادی برخوردار است، لاکس اعتقاد ما این است که نامکاناتی که حزب داشته و دارد حتی پیش از

و آن حزب جمهوری اسلامی است. می‌خواهد ببیند که حزب چه می‌گوید و نه آن عمل کند. حزب مردم را به سازماندهی و تشکل معتقد کرده است. و این یکی از هنرها و خدماتی است که حزب جمهوری اسلامی به انقلاب کرده است.

● حزب جمهوری اسلامی یگانه تشکیلات اسلامی و انقلابی جوشیده از بطن انقلاب بود که بصورت تشکیلاتی در مقابله بنا آن گروههای انحرافی کلاشهای لازم را انجام داد.

● در اولین ماههای پیروزی انقلاب هیچ حرکت و نظهراتی نبود مگر اینکه حزب جمهوری اسلامی مستر و بسزیا دارنده آن بود.

● اگر حزب جمهوری اسلامی نبود یقیناً ابتکار بسیاری از کارها بدست نیروهای سیاسی مخالف انقلاب و نظام جمهوری اسلامی می‌افتاد.

● تنها حزب بود که توانست فلش اصلی انقلاب را که خط امام بود حفظ کند.

● بی‌شک در مقابل خط لیبرالها، خط چپها و خط منافقین و در مقابل همه خطوط انحرافی وابسته به آمریکا و شوروی روزنامه حزب همیشه ایستاده است.

● علت حملات گروهکهای انحرافی به حزب

دبیر کل حزب جمهوری اسلامی در رابطه با علت حملات شدید گروههای انحرافی به حزب جمهوری اسلامی و تشکل خط امام اظهار داشتند:

بدیهی است هنگامی که حزب در خدمت انقلاب است همه گروههای مخالف انقلاب به همان اندازه با آن مخالف باشند. شما دیدید که بنی‌صدر با این حزب چه کرد. این حزب را سبیل

همه خطوط انحرافی و بسته به آمریکا و شوروی روزنامه حزب همیشه ایستاده است، همیشه مقاومت کرده و همیشه به سمت یک خط و محور صحیحی فلش نشان داد، و آن خط درست را ترسیم کرده است. سومین نکته‌ای که

برپا دارنده و یا یکی از اجزای اصلی تشکیل دهنده آن بود. حزب تشکیلاتی بود که یک سری افراد آماده برای کار دور هم می‌نشستند و هم فکری می‌کردند و طبیعی است که راههای صحیحی را برای برهمنای پس از انقلاب پیدا و اقدام می‌نمودند. اگر این حزب نبود یقیناً ابتکار بسیاری از کارها بدست نیروهای سیاسی مخالف انقلاب و نظام جمهوری اسلامی می‌افتاد و آنها به مع خودشان از همه این فرصتها استفاده می‌کردند از جمله اجتماعات روز رن، روز کار گر، روز جمهوری اسلامی و...

در همه این قصایا حزب جمهوری اسلامی بود که ابتکار عمل را بدست می‌گرفت و ما غیر از حزب تشکیلاتی داشتیم تا اداره کننده چنین اجتماعات حساسی باشد.

نکته دوم اینکه در طول چند سالی که از انقلاب می‌گذرد و بخصوص در آن دو سال اول که خطوط انحرافی به جان انقلاب افتاده بود و حتی بعضی از این خطوط انحرافی تا بالاترین سطح حاکمیت کشور هم پیش رفته بود تنها حزب بود که توانست فلش اصلی انقلاب را که خط امام بود حفظ کند و سوبزه روزنامه جمهوری اسلامی و سایر فرآورده‌های حزب چه سحرآمیز و چه بشریه و اعلامیه و امثال اینها خط صحیح انقلاب را در مقابل تهاجم مخالفان محفوظ نگاهدارد.

یک نگاه به روزنامه حزب این حقیقت را بر همه آشکار می‌کند بی‌شک در مقابل خط لیبرالها، خط چپها و خط منافقین، در مقابل خط بودی‌ها ملی‌گرا و در مقابل

در آستانه پشیمین سال تأسیس حزب جمهوری اسلامی، حجت‌الاسلام والمسلمین سید علی خامنه‌ای دبیر کل حزب جمهوری اسلامی طی یک مصاحبه اختصاصی با خبرنگار ما به سوالات وی پیرامون نقش حزب در تحکیم انقلاب، علل مخالفت گروهکها با این تشکیلات موقعیت کنونی حزب و خاطراتشان از حزب پاسخ گفتند، همچنین در پایان این مصاحبه دبیر کل حزب جمهوری اسلامی پیامی خطاب به برادران و خواهران حزبی دادند.

● نقش حزب در تحکیم انقلاب

حجت‌الاسلام والمسلمین خامنه‌ای ابتدا در رابطه با نقش حزب جمهوری اسلامی در تحکیم انقلاب اسلامی ایران اظهار داشتند:

بسم الله الرحمن الرحیم - در این باره باید به چند نکته اشاره کنم. اول اینکه در آغاز پیروزی انقلاب و تشکیل دولت موقت که همه مردم با وجود داشتن انگیزه‌های انقلابی، در صحنه حرکت سیاسی در بهایت بی‌تحرکی بودند و از طرفی گروههای سیاسی نا سابقه‌ای که داشتند از بی‌تحرکی مردم و حالی بودن میدان حداکثر استفاده را می‌کردند، حزب جمهوری اسلامی یگانه تشکیلات اسلامی و انقلابی و جوشیده از بطن انقلاب بود که بصورت تشکیلاتی در مقابله با آن گروهها تلاشهای لازم را انجام داد می‌توانیم اشاره کنیم به اینکه در اولین ماههای پیروزی انقلاب هیچ حرکتی، تطهرتی و جماعی نبود مگر اینکه حزب جمهوری اسلامی مستر و

فراموش نشدنی من یکی آغاز تصمیم بر وجود آوردن چنین تشکیلاتی در سال ۵۶ است که آنجا با آقای بهشتی و باهنر و بعضی دیگر از برادران در این زمینه جلساتی داشتیم، و خاطره دیگر من مربوط است به آن هنگامی که آقای هاشمی از زندان آزاد شده بودند. ابتدای تشکیل حزب آقای هاشمی در زندان بودند. که البته ما آن موقع جای ایشان را در تشکیلات خالی گذاشتیم تا زمانی که ایشان آزاد بشوند و در تشکیلات حضور داشته باشند. و زمانی که آزاد شدند، به ایشان گفتیم که جزء تشکیلات هستند. آن دیدارهای اولیه برای من خیلی خاطره انگیز است. از جمله خاطرات خیلی جالب برای من خاطره آن روزی است که در دوران اختناق محرم سال ۵۷ در جلسهای نشسته بودیم و برای اعلان حزب برنامه ریزی می کردیم که در این هنگام اعلامیه امام رسید. در آن اعلامیه آمده بود «ماهی که خون بر شمشیر پیروز است». تمام برنامه های ما را بهم ریخت چون ما دیدیم فعلاً مساله اصلی تشکیل حزب نیست و با این پیام امام باید در تدارک تشکیل مجامع سخنرانی و افشگری باشیم.

یکی از خاطرات شیرین من آن روزهایی است که آخرین کارهای روی اساسنامه را با شهید باهنر در منزل شهید انجام می دادیم. روزهایی بود که تازه انقلاب پیروز شده بود و دوستان هر کدام به کاری مشغول بودند. ما همه جزء شورای انقلاب بودیم و به مسایل فوق العاده متراکم و جاری می پرداختیم.

در زمانی که هر دقیقه یک حادثه رخ می داد. در این جو شلوغ قرار شد که اساسنامه را تمام کنیم و حزب را اعلام نمائیم. به من آقای باهنر و آقای حجتی کرمانی ماموریت داده شد که سه نفری برویم و آخرین کارهای اساسنامه را انجام دهیم. محل ما در مدرسه رفاه بود. ولی ما منزل شهید اسلامی را که در همان اطراف بود انتخاب کردیم و رفتیم آنجا. آنوقت زمستان بود و در اطاق کرسی وجود داشت و شهید اسلامی هم به خانوادهاش سپرده بود که غذا و چایی ما را تهیه کنند و ما مشغول کار و مطالعه در زمینه اساسنامه شویم.

مرحوم شهید باهنر ۲۴ ساعت از آن اطاق بیرون نیامد. من البته برای انجام بعضی کارها هر چند گاهی بیرون می آمدم ولی ایشان در آن اطاق همینجور ماند و من همان موقع تعجب می کردم از استقامت و خستگی ناپذیری شهید باهنر. همانجا نشسته بود و مواد اساسنامه و برنامه ها را مورد بررسی قرار می داد. بعد از آن اساسنامه را در اختیار دیگر دوستان

گذاشتیم و همچنین یک جلسه ۵ نفری در کانون توحید تشکیل دادیم و اساسنامه را برای بار آخر پیراستیم و یک اعلامیه ای را میر تهیه کردیم و بعد اساسنامه را من خدمت امام بردم و امام هم نظر موافق داشتند سپس اعلامیه و اساسنامه را در اول اسفند انتشار دادیم. بهر حال آن ساعات مستولی

پیش نیاید. روزی آقای هاشمی و احمد آقا آمدند بالای سر من (البته بعداً فهمیدم با تدبیر اطباء آمده بودند) و من رادیو خواستم ولی بمن رادیو نمی دادند. حتی علت را می پرسیدم می گفتند دستگاههای نفسی و دیگر دستگاههای پیچیده نسبت به صدای رادیو حساس هستند و خراب می شوند!

نقش حزب جمهوری اسلامی در تحکیم انقلاب

- حزب توانسته اعتقاد به تشکل و سازماندهی و پیوند تشکیلاتی را همواره در ذهن مردم زنده نگاهدارد.
- بدیهی است هنگامی که حزب در خدمت انقلاب است همه گروههای مخالف انقلاب همان اندازه با آن مخالف باشند.
- حزب جمهوری اسلامی بازوی نیرومند انقلاب است.



آخرین کارهای اساسنامه جزء خاطرات فراموش نشدنی من در حزب است.

چگونگی اطلاع رئیس جمهور از شهادت آیت الله بهشتی

آنگاه حجت الاسلام والمسلمین خامنه ای درباره خاطره خود از شهادت آیت الله بهشتی اظهار داشت: من آن موقع در بیمارستان بودم و نگران بودم که نکند برای آقای بهشتی حادثه ای رخ دهد چون برای خود حادثه رخ داده بود نگران آقای بهشتی بودم. آقای منافی و آقای زرگر و دیگر دکترها که کنارم بودند به من سفارش می کردند که به آقای رجایی و دیگران بگویند که حفاظت خود را قوی کنند تا حادثه ای

می گفتم پس روزنامه بمن بدهید. می گفتند خیلی خوب، صبح بجهت های پاسدار را می فرستادم دنبال روزنامه ولی تاظهر نمی آمدند ظهر که می آمدند می دیدم روزنامه نخریده اند. مهم با عصیانیت می گفتم پس روزنامه چه شد؟ آنها هم می گفتند روزنامه نبود، بعداً می خریدیم! بهر حال بمن روزنامه نمی دادند. یکی از دکترها رو کرد به آقای هاشمی و گفت شما صلاح می دانید به ایشان رادیو بدهیم؟ آقای هاشمی هم می گفت نخیر، به ایشان رادیو ندهید. من گفتم چرا بمن رادیو ندهند؟ آقای هاشمی گفت: چه لزومی دارد که رادیو گوش کنید، مگر خبرهای خوبی در بیرون هست که شما رادیو می خواهید؟ بیرون درگیری

هست، انفجار هست... آقای هاشمی با این حرفها مرا کم کم به اصل قضیه بردید می کرد. من گفتم در بیرون چه اتفاقی افتاده؟ آقای هاشمی گفت مثلاً حزب را مفرح کرده اند و آقای بهشتی محروح شده است. من از محروح شدن آقای بهشتی خیلی ناراحت شدم، گفتم چطور محروح شدند. آقای هاشمی گفت: بهر حال محروح شده اند من پرسیدم کجای آقای بهشتی محروح شده؟ گفت پاهایش گفتم حالا کجاست؟ گفت بیمارستان. من همان موقع گفتم: تمام امکانات پزشکی کشور را بسیج کنید برای نجات آقای بهشتی، مبادا برای ایشان مسأله ای پیش بیاید. باز دلم آرام نگرفت پرسیدم حال من بدتر است یا آقای بهشتی؟ گفتند همه یک جور هستید، من ناراحت شدم، چون حال خودم خوب بود. بالاخره آنها رفتند. وقتی آنها رفتند من در فکر فرو رفتم، و یواش یواش ریور ریور پاسدارها را کشیدم، آنها فکر می کردند من قضیه را می دانم گفتند: بله آقای بهشتی و دیگران همه شهید شده اند. این بود ماجرای مطلع شدن من از حادثه هفتم تیر.

پیام دبیر کل حزب جمهوری اسلامی

دبیر کل حزب جمهوری اسلامی در پایان طی پیامی به خواهران و برادران حزبی اظهار داشتند: توصیه من به برادران و خواهران حزبی این است که سعی کنید حزب را یک حزب خدایی به تمام معنی کنید. معیارهای اسلامی یعنی تقوا، ایمان و جهاد را بر هر چیزی دیگری مقدم دارند. بخصوص معیار اخلاص را در نظر داشته باشند که مرحوم شهید بهشتی روی آن بسیار تاکید داشتند و از ناخالصی چقدر بدشان می آمد و خودش چقدر خالص بود حزب را وسیله ای برای خدمت به انقلاب قرار دهند. وسیله ای برای قدرت طلبی و نردبانی برای رسیدن به امیال و آرزوهای دنیایی قرار ندهند. برای حزب کار کنند، یک تشکیلات منظم و قوی برای انقلاب و اسلام بسیار لازم است. حزب را نگهدارند چرا که بجز از تلاش و کوشش و کار باقی نمی ماند. حزب یک سنگی نیست که بگذارند یک جایی باقی بماند. حزب یک زندگی است یک پویایی است که بدون تلاش و همت و اراده تحقق نمی پذیرد. همانطور که امام فرمودند در دعوت به حزب روح دعوت باید دعوت بخدا باشد، نه دعوت به خود. سعی کنند آموزش را در حزب بالا ببرند. اگر سطوح آموزش تنزل پیدا کند حزب نیز تنزل پیدا خواهد کرد. و بالاتر از آموزش، سطح اخلاق را در حزب بالا ببرند. اگر سطح اخلاق تنزل پیدا کند حزب نابود خواهد شد.

نقش تشکیلات در پیروزی و پیشبرد انقلاب



بقیه از صفحه ۶

سوال - آیا استعدادها بعد از شناخته شدن چگونه می توانند با خواسته های موجود در رابطه باشند؟

جواب - همانطور که عرض کردم یکی از خواص تشکیلات که هم اکنون نتیجه اش را می بینیم این است

که یک مقدار کار هست و این استعدادها در میدان این کارهای آزاد تشکیلاتی شناخته می شوند، کسی که می تواند یک حوزه یا یک منطقه حزبی را اداره کند و از خود مدیریت نشان دهد، معلوم می شود که در این فرد ویژگیهای مدیریت هست و رشد می کند و مدیریت را تجربه می کند. بعداً اگر مدیر کارگامی شد، با مقداری تجربه قبلی سرکار می رود، معمولاً در فعالیت های حزبی و زمینه های هنری، علمی، نویسندگی، گویندگی، عملی و همه آنها وجود دارد. بنابراین یک مقدار زمینه برای باروری استعدادها وجود دارد. و این باروری در رابطه با خواسته های موجود است. برای اینکه اگر کسی استعدادی دارد، اما در جهت جدا از نیاز و خواست محیط، قرار دارد، این در یک تشکیلات هم نمی تواند بشکند و شکوفا شود، پیدا است که حتماً در رابطه با خواسته های موجود است که شکوفا می شود. علاوه بر این یک حزب عملی می کند این استعدادها را زودتر به میدانهای عمل اجتماعی هدایت کند. یعنی غیر از کارهای تشکیلاتی حزب، عمل های اجتماعی حزب که میدانند در کجا نیاز به چه کسی است، فوراً او را هدایت می کنند، تا زودتر به میدان عمل سازنده برسد.

سوال - آیا استعدادها افراد فقط بر حسب نیازهای جامعه استعداد نامیده می شود، یا به تنهایی شکفتگی و باروری یک فکر نهفته با بازدهی مثبت است؟

پیش از این من این است: جامعه ما وقتی در خط اسلام قرار دارد که به انسانها امکان شکوفائی آزاد بدهد، آزاد در خط مثبت، بشرط اینکه آزادی با بی بندوباری عوض نشود در جامعه اسلامی، آزادی بله، بی بندوباری نه، آزادی یعنی زمینه های مساعد برای شکوفائی استعدادها در جهتی که خود بدان روی دارند این از لوازم یک نظام اسلامی است.

سوال - برای شکوفا شدن استعدادها، چه طرحی را دارید؟ آیا فقط باید نیروها را شناخت یا اول باید شناخت و بعد تشویق کرد؟

جواب - بله اصولاً اگر شناسائی استعدادها با ایجاد زمینه برای شکوفائی آنها همراه نباشد، همان علم آکادمیک می شود علمی که اثر علمی ندارد. شناخت همیشه باید زمینه عمل باشد و بدنبال شناخت باید یک عمل متناسب بیاید. بنظر ما در یک رابطه سازمان و تشکیلاتی الهی که از غرض ها و مرض ها و مقام پرستی ها و انحصار طلبی ها میرا است استعدادها خود بخود زمینه عملی را در اختیار خواهند گرفت. حتی اگر به آنها داده نشود، خود خواهند گرفت. اصولاً سیستم جیره بندی امکانات شکوفائی استعدادها چیز بدیست. استعدادها باید طوری در نظام قرار گیرند که بتواند امکانات شکوفائی را از نظام دریافت کنند.

خدایار و نگهدار همه شما باد



حزب جمهوری اسلامی با تأیید امام از همان روزهای اول بهترین نقطه اتکاء و اعتماد مردم شد

گفتگوی اختصاصی
حجة الاسلام
والمسلمین هاشمی
رفسنجانی با
جمهوری اسلامی:

و گروههای دیگر تشکیلات کوچکی داشتند افرادی رامیشاخنند آنها کابینه تشکیل دادند اولین کابینه جمهوری اسلامی ترکیبی از بهشت آزادی، جبهه ملی و گروههای کوچک بود. خیلی مطلب روشن شد که همان جمعیت کوچک دوران گذشته این امکان را داشتند که بنواد در آن موقعی که سرعت عمل لازم بود و شناسائی نیروها به آسانی مقدور نبود این مسئولیت را بعهده بگیرند این یک تجربه و نتیجه گیری خیلی روشنی بود من خودم خدمت امام رسیدم و همین مطلب را مطرح کردم و عرض کردم که اگر چند ماه قبل این حزب را تشکیل داده بودیم الان برای تشکیل کابینه و انتخاب مسئولان اجرائی کشور دچار مشکل نبودیم و وضع هم به این صورت نبود و ایشان هم تأیید کردند. چند روز از پیروزی انقلاب گذشته بود که امام بجا اجازه تشکیل تشکیل کابینه و انتخاب مسئولان اجرائی کشور دچار مشکل نبودیم و وضع هم به این صورت نبود و ایشان هم تأیید کردند. چند روز از پیروزی انقلاب گذشته بود که امام بجا اجازه تشکیل تشکیل کابینه و انتخاب مسئولان اجرائی کشور دچار مشکل نبودیم و وضع هم به این صورت نبود و ایشان هم تأیید کردند.

- هدف از تشکیل حزب جمهوری اسلامی تشکل و هماهنگی نیروهای فعال در یک سازمان سیاسی، مذهبی بوده است تا به اهداف انقلاب اسلامی برسیم.
- با شروع مبارزات جدید از سال ۴۱ برهبری امام احساس کردیم که خلاء تشکیلاتی یکی از کمبودهای مهم انقلاب است.
- اولین کابینه جمهوری اسلامی ترکیبی از بهشت آزادی، جبهه ملی و گروههای کوچک بود و این امر به این جهت صورت گرفت که آنها تشکیلات کوچکی داشتند و توانستند در آن موقع که سرعت عمل لازم بود و شناسائی نیروها به آسانی مقدور نبود افراد شاخه شده خودشانرا در کابینه دولت جای دهند.
- چند روز از پیروزی انقلاب گذشته بود که امام بجا اجازه تشکیل حزب را دادند.
- قبل از پیروزی انقلاب افرادی را بعنوان شورای مرکزی در نظر گرفته بودیم و اساسنامه و مرامنامه نیز قبلاً تهیه شده بود.

موقع که امام عراق بودند در اردان من اطلاع دادم که از خدمت امام کسب اجازه برای تأسیس حزب کرده و مقدمات را فراهم کرده بودند وقتی که از اردان بیرون آمدم همراه شهید بهشتی، شهید ساهر آقایی خاسامهای و دوستان دیگر به قم رفتیم (شاید آقای موسوی اردبیلی هم بودند) و در قم در جلسه مدرسین نما مأموریت داده شد که این کار را در تهران انجام بدهیم یعنی ما چند نفر مأمور شدیم که مقدمات تشکیل حزب را پیش از پیروزی انقلاب تهیه کنیم فکر میکنم آن جلسه در منزل آقای مؤمن عضو شورایی قضائی بود و ما سا جمعیت که در قم در آن موقع بموان جمعیت مادر حساب میشد مقدمات را فراهم کردیم. در همین موقع بود

شدند یا نتوانستند کاری انجام دهند. ماقبل از پیروزی انقلاب در فکر تشکیلات بودیم آنروزها همه چیز را برای اعلام حزب جمهوری اسلامی (السته اسمی نداشت) تهیه کرده بودیم که بعد از پیروزی انقلاب موفق شدیم که اعلام کنیم و به موقع هم بود. همان احساس حلاء بیشتر در موقعی که ما نیاز به تشکیلات و هماهنگی در کار اداره مملکت داشتیم خودش یک عامل بود برای احساس یک ضرورت بیشتر و ملموس شدن ضرورت برای خیلیها که موفق شدیم این کار را انجام بدهیم.

• چرا مؤسسين حزب جمهوری اسلامی پنج نفر بودهاند و علت پیوستن شما به حزب چه بود؟

با حضرت حجة الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی به گفتگو می نشینیم و از ایشان در رابطه با مسائل مختلفی پیرامون حزب جمهوری اسلامی از قبیل: هدف از تشکیل حزب، نقش حزب در زمینه تبلیغات کشور و انتخابات انجام شده پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سمپاشی های استکبار جهانی علیه حزب، نقش شهید مظلوم در تحکیم اهداف حزب، ضرورت وجود تشکیلات مکتبی در انقلاب اسلامی و... می پرسیم و آقای هاشمی رفسنجانی پاسخ می گویند:

• هدف از تشکیل حزب جمهوری اسلامی چه بود؟
- بسم الله الرحمن الرحیم-
هدف این بود که نیروهای فعال جمهوری اسلامی متشکل بشوند و از هماهنگی نیروها در یک سازمان سیاسی مذهبی بتوانیم به اهداف انقلاب اسلامی برسیم یعنی همه اهدافی را که از انقلاب داریم ما بخواهیم از حزب به عنوان یک ابزار و یک وسیله بسیار متنق سیاسی، اجتماعی استفاده بکنیم این چیزی است که در تاریخ حرکتان به آن نیاز داشتیم.

• کمبود مهم انقلاب
ما از سال ۴۱ که مبارزات جدید راه رهبری امام شروع کردیم در همان روزهای اول احساس کردیم که خلاء تشکیلاتی یکی از کمبودهای مهم انقلاب است و در تمام این دوره بیست ساله گذشته ما همیشه به فکر یک تشکیلات بودیم منتهمی در شرایط خفقان نتوانستیم تشکیلات مطلوبی را درست بکنیم بارها اقدام کردیم ولی بعد از مدتی که تشکیلات کارش را شروع کرده بود، کشف و سرکوب شد یا در آغاز شروع کشف شد و نتوانستیم موفق باشیم و تشکیلات دیگری هم گاهی به عنوان مسلمانها درست شد آنها هم یا به انحراف کشیده

• با ثبت نام وسیع مردم در سراسر کشور که چندین میلیون نفر در ظرف مدت کوتاهی داوطلب عضویت در حزب شدند حزب جمهوری اسلامی ابهتی پیدا کرد.

• حزب جمهوری اسلامی و روزنامه جمهوری اسلامی برای مقابله با دخالت خارجیها در کشور، یک مرکز بود.

• وقتی سفارت آمریکا را دانشجویان ما شغال کردند و نقشی که روزنامه جمهوری اسلامی و حزب جمهوری اسلامی در تأیید این عمل از خود نشان دادند بنی صدر و دیگران می گفتند این توطئه حزب جمهوری اسلامی است و پیش خودشان فکر می کردند ما بودیم که این برنامه را بوجود آورده ایم در صورتیکه وقعا این طور نبود

• شاید بزرگترین رقم اعزام مبلغ در یکی دو سال اول انقلاب را حزب جمهوری اسلامی انجام داده است.



مرامنامه از قبل تهیه شده بود افرادی که در نظر گرفته بودیم در طول یکی، دو ماه اول روی بعضیها علامت سؤال پیش آمده بود ضمناً افراد جدیدی هم کشف شده بودند اگر میخواستیم به آن ۳۰ نفری که قبلاً در نظر گرفته شده بود کار را شروع بکنیم علامت سؤال زیادی پیش میآمد و این خودش زاینده مشکلی بود فکر کردیم که روش جدیدی انتخاب کنیم البته در همان موقع یک پیشنهاداتی بود که همه شخصیتهای روحانی سراسر کشور را دعوت کنیم و در آن جلسه گروهی انتخاب بشوند این کار هم با آن گرفتاریهایی که در آن موقع وجود داشت یعنی هر کسی در محیط خودش گرفتار کارهای جاری بود تشکیل چنان مجمعی امکان نداشت و پیشنهادهای دیگری هم بود

معاونین، استانداران، مدیر کل ها، بطور کلی شخصیتهای درجه اول اجرائی و اعضای شورای انقلاب به مشکلی برخورد کردیم بعضی از پیش چنین شناسائی نشده بودند همانموقع بدلیل اینکه بعضی از گروههای سیاسی گذشته نظیر نهضت آزادی، جبهه ملی

مادست نگهداشتیم تا با امام در این جهت گفتگویی بیشتر داشته باشیم.

تشکیل اولین کابینه.
امام در همانروزها به ایران تشریف آوردند در اوایل پیروزی که میخواستیم اولین کابینه را تشکیل بدهیم در شناسائی افراد کابینه

که شهید مطهری از پاریس برگشتند و اطلاع دادند که امام در این مقطع صلاح نمیدانند که حزب تشکیل شود ممکن است با تشکیل حزب در داخل کشور تفرقه بوجود بیاید و روحانیت از حالت پدري انقلاب به عنوان رقیب در نظر بعضیها جلوه کند.

من یکی از افرادی بودم که در اوایل شروع مبارزه ضرورت تشکیلات را تشخیص داده بودم و انتخاب و علت پنج نفر بعنوان مؤسس حزب این بود. که قبل از پیروزی جمهوری اسلامی یعنی اواخر زندانی بودیم که رفقای ما با اطلاع من در بیرون در فکر تشکیلات بودند و در آن

آنها هم عملی نشد ما دیدیم نه فرصت اینرا داریم که صبر کنیم چنین چیزهایی تحقق پیدا بکند آن ۳۰ نفری که قبلاً انتخاب کرده بودیم کافی بود.

اعلام موجودیت حزب

با مشورتی که کردیم به این نتیجه رسیدیم که مصلحت در این است که ما خودمان پنج نفر که مورد اتفاق نظر بین دوستان گذشته بودیم و فکر میکردیم که کسی اعتراض به حضور این پنج نفر نمیکند به عنوان مؤسس، موجودیت حزب را اعلام کردیم و امتیازی هم بعنوان مؤسس حزب نگرفتیم.

در طول این دوره هم به همین صورت بود ما بدلیل اینکه اعلام کردیم هیچ امتیازی برای خود قائل نبودیم و یکی از اعضای شورای مرکزی در این مدت حساب میشدیم و چون ما پنج نفر را مردم میشناختند میتوانست یک نقطه آغاز خوب مورد اعتمادی باشد افراد دیگری اگر در آن موقع اعلام میشدند ممکن بود که

سئوالاتی پیش بیاید در آن موقع بخاطر شورای انقلاب و کارهای جاری کشور معمولاً روزها و شبها اکثراً با هم بودیم این بود که میتوانستیم در کارها هماهنگی لازم را ایجاد کنیم.

در مورد انتخاب ما پنج نفر مشکل اینکه بگویند چرا فلان شخص جزو کادر ما هستند یا نیستند نبود این را برای بعدها گذاشتیم که در اولین فرصت کنگره تشکیل بشود و کنگره حزب ارگان حزب را انتخاب بکند البته به کنگره نرسیدیم.

نقش حزب در مقابل انحرافات، توطئهها توسط جناحهای داخلی و خارجی چگونه بوده آیا در این کارها موفق بوده است؟

اینکه ادعا کنیم ما از هر جهت موفق بودیم فکر میکنم ادعای بزرگیست مشکل است آدم بتواند چنین ادعایی بکند اما اگر توفیق نسبی را بخواهیم مطرح بکنیم تا حدودی در اهدافی که از تشکیل حزب داشتیم موفق بودیم اما خیلی بهتر از این هم ممکن بود پیش بیاید اما نقش حزب بعد از تشکیل در مقابل انحرافات باید بگویم مضافاً خیلی خوب نبود. ثبثنام وسیع مردم در سراسر کشور که چندین میلیون نفر در ظرف مدت کوتاهی داوطلب عضویت در حزب شدند تقریباً همه مساجد کشور و روحانیون قابل اعتماد و مبارز پیشگام شدند برای اینکه دفتری جهت همراهی با حزب باز کنند با این وضع حزب ابهتی پیدا کرد و بعنوان

تشکیلات عظیمی البته خیلی خام برای اینکه تشکیلات با افراد مجرب و آموزش یافته اهمیتش بدست میآید.

استقبال عظیم مردم

این تشکیلات فقط با موج نیروهای مسلمان که هیچ دوره سیاسی و آموزشی، سیاسی-تشکیلاتی ندیده بودند پیدا بود که آنهمه جمعیت در یک خاصیت در اولین روزهای تاسیس خاصیت حرکاتی جدی را نمیتوانست داشته باشد ولی نفس حضور آن همه جمعیت در این تشکیلات و استقبال عظیم مردم بصورتی بود که مردم برایشان خود جمهوری اسلامی با حزب جمهوری اسلامی تقریباً یکی شده بود بعضی این دور را از هم جدا نمیدیدند و این را راه انقلاب شخصی داده بودند، حضور یک چنین تشکیلاتی

وحشی در دل مسخره‌خیزان و مخالفین ایجاد کرد و پشتوانه دلگرمی برای مردم شد.

آنروزها اولین نقشی که این حزب در جهت توقف انحرافات داشت این بود که اگر چنین حزبی بوجود نیامده بود شاید دهها گروه و حزب کوچک با نیت‌های گوناگون و با ایدئولوژیها و سلیقه‌های مختلف در کشور بوجود می‌آمد اگر چنین چیزی میشد چه در گریهائی ما داشتیم، گروهی که قبل از پیروزی وجود داشت باعث جذب مردم میشدند مثل منافقین، وبقیه گروهها که نمیخواهم اسمی از آنها ببرم البته بعد از انقلاب نظیرشانرا دیدید که نشریه و برنامه داشتند و چون مسئول نبودند نمیتوانستند شعارهای بی‌ربط بدهند،

با این برنامه نمیتوانستند مردم مخصوصاً جوانها را جذب بکنند.

خدا می‌داند اگر این جمعیت بوجود نیامده بود و این محور درست نشده بود از ناحیه گروههای فراوانی که ادعای سیاست درست میکردند چه بلایی بر سر این انقلاب می‌آمد و چه گرفتاریها و چه تفرقه‌هایی ایجاد میکرد این حزب سراسری متکی به این چند چهره شناخته شده و حمایت روحانیت در سراسر کشور و مخصوصاً امام که در همان روزهای اول حزب را تأکید کردند و بهترین نقطه اتکاء و اعتماد مردم شد و در همان موقع حزب دیگری شبیه حزب جمهوری اسلامی بنام حزب جمهوری خلق مسلمان بوجود آمد که در در آذربایجان قتمای درست کرد و نزدیک بود آذربایجان را بسه شورش عظیم

و ادا و از جمهوری اسلامی جدا بکند که هنوز هم آثارش را کم و بیش می‌بینیم این خودش یک نمونه بود مخصوصاً آنها نیروی بیکار (حزب خلق مسلمان) دور و بر آن آقا بودند و بعضی از آنها سابقه تشکیلاتی هم داشتند از خارج و گروهکهای دیگر که بعد مشخص شده آنها همکارند، ارتزاق می‌کردند با مال خطر عظیمی برای جمهوری

اسلامی شدند، تنها حزب جمهوری اسلامی بود که توانست وضع آنها را در روزهای اول روشن کند و مسائل دیگر هم از آنها رو شد و بحمدالله مسائل حل شد.

افشاگری روزنامه جمهوری اسلامی

دوم اینکه با تشکیل این حزب و اعلام مواضع و اساسنامه و در آمدن یک روزنامه متکی به این حزب که این روزنامه سخنگوی این حزب بود موفق شدیم که گروهکهای دیگر را افشاء کنیم این کار هم خیلی با ارزش بود. سرمقاله‌های روزنامه جمهوری اسلامی در افشای سایر گروهکها و راه و خبط نشان دادن‌ها و حرکتهای سیاسی که در جامعه منحرف بود بزرگترین نقش را داشت که خیلی مهم بود.

مسئله دیگر کارهایی که حزب در آن موقع توانست

بررسی می‌کردیم و از قبل جهت انجام کارها آماده می‌شدیم ما بخاطر سوابقی که در مبارزه داشتیم اکثر گروهکها و شخصیت‌هایشان و افکار و جهاتشان را می‌شناختیم و خوب می‌توانستیم مردم را هوشیار کنیم.

از طرفی حضور حزب جمهوری اسلامی که بسیاری از اعضای در شورای انقلاب هم بودند تأیید بسیار خوب و پشتوانه بسیار محکمی برای افرادی بود که در آنجا بودند تا بتوانند جلوی انحرافات احتمالی را در دولت موقت بگیرند.

ما می‌دانیم اگر این پشتوانه برای ماها که در شورای انقلاب بودیم نبود و کمک سیاسی که از اینها می‌گرفتیم و همکاری که

ما واقعا احساس می‌کنیم که جای شهید مظلوم بهشتی خالی است.

ما کار انقلاب و حزب جمهوری اسلامی را یکی میدانیم

اسم و خون و شهادت و آثار و علاقه مردم به مظلوم بهشتی مقداری از خلاء وجودی ایشان را پر می‌کند

آن ساعت اولی که موجودیت حزب را در کانون توحید اعلام کرده بودیم اول فکر میکردیم که تعداد کمی از مردم استقبال می‌کنند و بهمین خاطر قید کرده بودیم که اعضا به سید نفیر که رسید کنگره را تشکیل بدهیم اما در همان ساعت اولیه موج جمعیت آنچنان زیاد بود که صفی طولانی تشکیل شد. و این برخورد برای ما جالب و تکان دهنده بود.

از بدترین خاطره‌های زندگیم انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی است.

با مرور تاریخ حزب جمهوری اسلامی نقش سرنوشت ساز تشکیلات روشن می‌شود.

می‌شد مخصوصاً با توجه به اینکه در آنروز روزنامه‌های کشور همه در اختیار چیپها یا گروههای منحرف بود رادیو و تلویزیون در اختیار دیگران بود و اصلاً نیروهای اسلام راستین و صاحبان اصلی این انقلاب هیچ پایگاه تبلیغاتی نداشتند تنها روزنامه

جمهوری اسلامی بود آنهم با آن مشکلاتی که در چاپ و انتشارش درست می‌کردند و کمی تجربه و نیروئی که مناسب با انقلاب برای تهیه این روزنامه داشتیم با آن جمعیت و حمایت مردم و روحانیت خیلی می‌توانست به

ما کمک بکند در اینکه در دولت موقت و شورای انقلاب ما بتوانیم نقش خودمان را ایفا کنیم. بسیاری از آن لواعج مترقی و طرفدار مستضعفین و انقلابی که آن موقع از تشکیلات

انجام دهد، باید عرض کنم که در آنروزها حزب در مراسم مهم انقلاب یا در جاهائی که لازم بود که نیروهای مردم بنمایش گذاشته شود، پشتاز بود، راهپیمائیهای عظیم ترتیب می‌داد و برگزاری روز کارگر در اولین سال پیروزی انقلاب اسلامی که گروهکهای چپ می‌خواستند برای خودشان امتیازی کسب کنند آن راهپیمائی عظیم سراسری را براه انداخت و آن مواضعی که همان روز اعلام کردیم و شعارهای صحیحی را ارائه کردیم با این کار شعارهای انحرافی آنها از آب و رنگ افتاد ایستگاهها نشان

اهمیت حضور یک تشکیلات در آن زمان بود.

در آن زمان شورای مرکزی خیلی فعال بود هر شب جلساتی تشکیل می‌شد مسائل روز و پیش آمدها را

شورای انقلاب گذشت آن قسمتهای خویش با همکاری دوستان ما در حزب و خود اعضای شورای انقلاب بوجود آمد. حزب جمهوری اسلامی و روزنامه جمهوری اسلامی برای مقابله با دخالت

خارجیها در کشور یک مرکز بود، کاملاً مواظب بوداگر کوچکترین اثری از خارجیا دیده می‌شد افشا می‌کرد وقتی که سفارت آمریکا را دانشجویان ما اشغال کردند نقشی که روزنامه جمهوری اسلامی و حزب جمهوری اسلامی در تأیید این

دانشجویان بکار گرفت و کمک‌هایی که انجام داد خیلی مهم بود در آن موقع اگر حزب جمهوری و روزنامه، حمایت نمی‌کرد ممکن بود برادران دانشجوی احساس غربت کنند حتی طوری شده

حزب در سراسر کشور تشکیل شده است و آمار سخنرانی‌هایی که انجام گرفته و نوارهایی که در آن زمان تکثیر شد و کارهایی که روزنامه انجام داد و

پوسترهایی بسیار افشاگرانه چاپ و پخش می‌کردیم کارهایی که حزب در یکسال اول که هجوم تبلیغاتی در کشور از طرف همه گروهها و احزاب خیلی وسیع بود انجام داد در سطح بسیار گسترده بود و آمارش

دقیقاً خاطریم نیست اینها برای روشن شدن ذهنان مردم آن هم در موقعی که ملت اصلاً محتوا و مسیر معارضان و مخالفان انقلاب را نمی‌دانستند و هر روز لازم داشتند که هدایت بشوند، تاریخ انقلاب آنچنان سرعت



ورق می‌خورد که یک نیروی کامپیوتری لازم بود تا برای هر ورقش توضیح لازم بدهد در آن موقع نه وزارت ارشاد فعال بود و نه صدا و سیما در جهت انقلاب و نه روزنامه‌های دیگر، نه مجلس شورای

اسلامی بود که تریبونش موثر باشد گاهی شورای انقلاب گرفتار کارهای روزمره بود و اصلاً جلسات مخفی انجام می‌گرفت مردم از کارهای ما فقط از نتایج آن مطلع می‌شدند و بلندگوهای مخالف

هم همه مشغول کار بودند شورای عالی تبلیغات و سیاسی ایدئولوژیک در قوای مسلح نبود و حرکات بسیار مفید فرهنگی جهاد در سراسر کشور نبود، سپاه پاسداران تشکیلی نیافته بود اصلاً مرکز تبلیغاتی نداشتیم این کار فرهنگی بزرگ را بقیه در صفحه ۱۴

بود که بنی‌صدر و دیگران می‌گفتند که این توطئه حزب جمهوری اسلامی بود چون تأیید را از طرف حزب می‌دیدند و پیش خودشان فکر می‌کردند ما بودیم که این برنامه را بوجود آوریم در صورتیکه واقعا این طور نبود که ما پشت پرده باشیم.

نقش حزب در زمینه تبلیغات

بمنظر شما نقش حزب در زمینه تبلیغات و همچنین بالا بردن افکار عمومی چگونه بوده است؟

نقش حزب بسیار موثر بود از همان روزهای اول تاسیس به اعزام مبلغ اقدام کردیم شاید بزرگترین رقم اعزام مبلغ در یکی دو سال اول انقلاب را حزب انجام داده است. جلساتی که توسط

بقیه از صفحه ۱۱

حزب جمهوری اسلامی مسئول بود و در حد امکانش بخوبی انجام می‌داد ما کادر دوره دیده مجرب نداشتیم ولی نیروهای خام و مخلص حزب جمهوری در همه جا نظیر مساجد، اجتماعات، جشنها، حضور موثر داشتند و کار تبلیغاتی را انجام می‌دادند. افکار عمومی هم طبعاً در اثر این کارها خیلی بالا می‌رفت و رشد می‌کرد و خطوط را برای یافتن راه صحیح تشخیص می‌داد، اینها بخشی از خدمات فرهنگی حزب جمهوری اسلامی بود.

در آن موقع برای خودشان کاندیدا داشتند. چهره‌هایی که حزب جمهوری اسلامی معرفی کرده بود همه رای آوردند و این مسئله طبیعی بود چون چهره‌هایی را حزب کاندیدا کرده بود که خودشان در میان مردم رای داشتند نمی‌خواهیم بگوئیم که همه از ما بود ولی آن هدایت و مذاکره با آنها و خلاصه پادوئی و گوردانندی انتخابات را حزب جمهوری اسلامی به خوبی انجام داد که مجلس خبرگان تشکیل شد و بعد هم این حزب در میدان جامعه همیشه حامی و مواظب مجلس خبرگان بود.

دشمنان انقلاب و دشمنان خط اسلام راستین شناخته بودند که این حزب نقش عظیمی در اداره جامعه دارد حملات شدیدی علیه حزب جمهوری اسلامی شد. ناجوانمردانه با امکاناتی که دست آنها بود تا آنجائی که خیلی از دوستان صمیمی ما را هم در مورد حزب مردود یا مخالف کرد که موضع‌گیری‌های بدی کردند مخصوصاً با شهید بهشتی که محور حزب بود و بیشتر از همه ما موثر بود اینها باعث شد که در انتخابات ریاست جمهوری

را هم بگیرند و آن گنگره گذاشتی را دفتر بنی‌صدر راه انداخت که برای همه ایران کاندیدای مجلس معرفی کند مالهین طور احساس کردیم که اگر مجلس در دست لیبرالها بیفتد تحقیقاً دولت را هم خواهد برد و مجلس، ریاست جمهوری و دولت هم اگر دست لیبرالها باشد فاتحه اسلام به آن معنی که ما می‌شناختیم خوانده بود لذا ما به نیروهای حزبی در سراسر ایران هشدار دادیم و خودمان یک مقدار وقتان را از شورای انقلاب برای کارهای حزبی آزاد کردیم و

لیبرالها کردند مردم را قدری هوشیارتر کرد و اهمیت حزب جمهوری اسلامی را دوباره مورد توجه مردم قرار داد حزب هم انصافاً خوب فعالیت کرد، گروههای زیادی در اطراف ایران از اشخاص واجد شرایط و صالح را پیدا کردیم و آنها را نوعاً با همکاری روحانیت محل در خیلی از موارد با همکاری روحانیت مبارز تهران و مخصوصاً جامعه مدرسین قم و طلبه‌های قم هماهنگ کردیم در انتخابات

و انتخابات میان دورهای را با همان روال شاید بهتر توانست حفظ کند. **تشکیل دولت** بنابراین حرکت بجای حزب جمهوری اسلامی برای نجات انقلاب و محدود کردن قدرت لیبرالها و کم‌کم حذف آنها بسیار کار شایسته و به جا بود. در تشکیل دولت باید عرض کنم که وقتی مجلس شورای اسلامی دست مسلمانان خط امام بود دولت بدون نظر مجلس معلوم است که نمی‌توانست تشکیل بشود.

حزب جمهوری اسلامی با تأیید امام از همان

روزهای اول بهترین نقطه اتکاء و

اعتماد مردم شد

- * دشمنان انقلاب تلاش می‌کنند تا روح تشکیلاتی را در مردم خفه کنند
- * در تشکیل اولین دولت جمهوری اسلامی (دولت موقت)، حزب جمهوری اسلامی هیچ نقشی نداشت زیرا در آن موقع حزب تشکیل نشده بود.
- * حزب جمهوری اسلامی در میدان جامعه همیشه حامی مجلس خبرگان بود.
- * در آن زمان روزنامه جمهوری اسلامی برخلاف سایر روزنامه‌ها خط صحیح مجلس خبرگان را بخوبی شناخته و معارضین و مخالفین و توطئه‌هایی که علیه این مجلس انجام می‌شد را افشاء میکرد.
- * ما احساس کردیم اگر ریاست جمهوری، مجلس و دولت هم بدست لیبرالها بیافتد فاتحه اسلام خوانده خواهد شد.



نقش حزب جمهوری اسلامی در انتخابات
تشکیل مجلس خبرگان و تشکیل مجلس شورای اسلامی و دولت چه نقشی داشت؟

در تشکیل اولین دولت یعنی دولت موقت حزب جمهوری اسلامی هیچ نقشی نداشت چون در آن موقع حزب تشکیل نشده بود. اما نقش حزب در تشکیل مجلس خبرگان که قانون اساسی را نوشت تقریباً بغیر از چند مورد کوچک، اکثریت نزدیک به تمام نمایندگان مجلس خبرگان همان کاندیدای حزب بودند.

البته در آن روز چندین میلیون افراد مملکت در حزب ثبت نام کرده بودند که خودشان را عضو حزب حساب می‌کردند طبعاً رای آنها رای حزب جمهوری اسلامی بود و همه گروهکها

و روزنامه حزب جمهوری اسلامی بر خلاف سایر روزنامه‌ها که تضعیف می‌کردند، آن روزها خط صحیح مجلس خبرگان را به خوبی شناخته بود و معارضین و مخالفین توطئه‌هایی که علیه این مجلس می‌شد را افشاء میکرد. این طور نقشها برای تأیید نمایندگان مردم که بتوانند با خیال راحت فکر کنند و تصمیم بگیرند بسیار موثر بود.

حملات دشمنان

در مورد انتخاب بعدی که انتخاب ریاست جمهوری بود حزب جمهوری اسلامی به خاطر تبلیغات فراوانی که در آن مقطع علیه او شده بود موفق نبود البته به خاطر یک اشتباه که کاندید حزب آقای فارسی فاقد یکی از شرایط بود و بعد هم به خاطر اینکه

موفق نبودیم ولی همان شکست مقطعی هم ما را بیدار کرد و به ما این هشدار را داد که در برنامه باید خیلی جدی باشیم با توجه به این برنامه‌ها برای مجلس شورای اسلامی و انتخابات مجلس شورای

به کارهای حزبی بیشتر پرداختیم فعالیتها در آن روز روی انتخابات مجلس شورای اسلامی متمرکز شده بود و این بار موفق شدیم. همان مقدار که بنی‌صدر بعد از انتخابش به ریاست

- * تشکیلاتی که مخصوص مسلمانهای مخلص باشد قابل اعتماد و آسیب ناپذیر و بالنده است.
- * در طول سه، چهار سال آخر حزب جمهوری اسلامی امتحان خودش را داده است.
- * با همه تلاشی که برای بدنام کردن حزب شده است یک نقطه زستی نداریم که برای دشمنان ما قابل اتکاء باشد.

جمهوری، خیال کرده بود که موفق شده چهارم را نشان داد و حرفهایی زد که مردم او را تا حدودی شناختند و کارهایی که بعد از انتخابات،

موفق شدیم، و بعضی از اکثریت مجلس شورای اسلامی را کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی تشکیل دادند که این بسیار

خوب بود امام هم به موقع توجه کردند و برخلاف برنامه‌هایی که لیبرالها داشتند و می‌خواستند بعد از انتخابات، مجلس را تضعیف کنند. به خاطر اینکه مانع

کارشان نباشد، امام مجلس را تقویت کردند و مجلس به تأییدهای امام متکی شد.

و البته قانون اساسی برای مجلس نقش مهمی قائل شده بود و مجلس تا حدودی

انظوری که طرفداران راستین انقلاب می‌خواستند به وجود آمد. با اینکه بیش از ۳۰ نفر از افراد موثر ما در آن فاجعه

انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و در تروهای بعدی شهید شدند و هنوز هم حزب همزمان، انتخابات اول

در زمان اولین دولت یعنی دولت موقت حزبی نبود که در آنجا موثر باشد وقتی که شورای انقلاب بناستعفاي دولت موقت ترمیم شد آن موقع حزب جمهوری اسلامی تا حدودی موثر بود البته به ط

کامل موثر نبود اما در دولت بعد از تشکیل مجلس شورای اسلامی کاملاً حزب موثر بود چون هر روزی می‌بایست از مجلس رای می‌گرفت. دولت

آقای رجائی با حمایت مجلس آمد که ایشان خودشان را فرزند مجلس اعلام کرد بعد هم دولت شهید باهنر و دولت

آقای مهدوی و سپس دولت آقای موسوی اینها همه از دولتهایی است که مجلس رای داد و حزب جمهوری اسلامی در این رای نقش مهمی داشت و میتوانیم بگوئیم

که در این دولتهای بعدی حزب همیشه مؤثر بوده است البته کارهای حزب منحصر به این چیزها نیست.

● میدانیم شهید مظلوم بهشتی علاقه خاصی به حزب داشتند آیا پس از شهادت ایشان مسئولان حزب آن خلاء وجودی ایشان را پر نمودند یا خیر؟

اینکه خلاء وجودی شهید مظلوم را پر کرده باشیم باید بگوئیم نه، ما واقعا احساس میکنیم که جای ایشان خالی است ایشان در آن زمان بیش از همه ما به امور حزب میپرداختند البته به این دلیل

نبود که علاقه ما به حزب کمتر از ایشان بود بلکه بدلیل اینکه توافق کرده بودیم ایشان بیشتر از ما به حزب بپردازند و برای ایشان

هم کار تشکیلاتی جاذبه زیادی داشت و ایشان دبیر کل حزب بودند و نبوغ تشکیلاتی ایشان خیلی کارها را حل میکرد با شهادت ایشان جایشان واقعا خالی

است ما هم همان نقش گذشته را داریم متأسفانه بیش از آنچه قبلاً به حزب

و علاقهای که مردم به ایشان داشتند آثاری دارد که اینها مقداری از خلاء وجودی ایشان را پر میکند و حضور و همدایت هم لازم است متأسفانه الان کمبود داریم.

● تصمیم دبیر کل کنونی حزب

آقای خامنه‌ای که اکنون دبیر کل هستند ایشان وقت بیشتری صرف میکنند و موقعی که مورد سوء قصد قرار گرفتند و به بیمارستان رفته بودند چند روز نمیشد با ایشان صحبت بکنیم. بعد از اینکه وضعیتشان بهتر شده بود موقعی بود که آقای بهشتی شهید شده بودند چون ایشان روز جمعه مورد سوء قصد قرار گرفتند و رفقای حزبی و نمایندگان، مجلس در شب

یکشنبه همان هفته که جریان حزب اتفاق افتاد و حال ایشان هنوز مساعد نبود که بتوانیم جریان واقعه دفتر حزب را برایشان بازگو کنیم بعد از چند روزی که به ایشان خبر دادیم در همانجا گفتند که من عهد میکنم و تصمیم را گرفتم اگر خداوند توفیق داد زیاد کار بکنم یکی از مواردی

که یاد آور شده بودند همین کار حزبی بود که الان دارند

میکند فقط کسانی که با تشکیلات آن آشنا هستند جذب میشوند بهمن خاطر قید کرده بودیم که اعضاء به سبب نفر که رسید کنگره را تشکیل بدهیم همان ساعت اول منتظر بودیم که یکی دو نفر جهت ثبت نام پیدا بشوند دیدیم موج جمعیت آنچنان

ریاد بود که صف طولانی تا میدان رسیده بود و هر چه کاغذ از چاپخانه چاپ میشد میآوردند فوراً تمام میشد برای ما روزهای پر کاری بود و آن برخورد اولی مردم برای ما خیلی جالب و تکان دهنده بود.

حاطره در برخوردها، جلسات حزب و دوستانمان که بعضی شهید شدند خیلی

● برگزاری راهپیمائی عظیم روز کارگر در اولین سال پیروزی انقلاب اسلامی توسط حزب جمهوری اسلامی و اعلام مواضع و شعارهای صحیح در آن روز، شعارهای انحرافی گروهکهای چپ را که میخواستند برای خودشان امتیازی کسب کنند از آب و رنگ انداخت و حزب توانست نشان دهد در جاهائیکه لازم است نیروهای مردمی بنمایش گذاشته شوند پیشتاز است و این مسأله نشان اهمیت حضور یک تشکیلات در آن زمان بود.

حساب می‌شد.

● چه پیشنهادهای برای مردم و اعضای حزب دارید؟

پیشنهاد من این است که مردم قدرت تشکیلات را بدانند و با مرور به تاریخ حزب ببینند که تشکیلات خیلی مهم و سر نوشت ساز است و بدانند که دشمنان انقلاب تلاش می‌کنند تا روح تشکیلاتی را در مردم خفه کنند اینسروها گاهی رزمهائی از افرادی شنیده میشود که می‌خواهند تشکیلات را محکوم کنند.

● لزوم وجود تشکیلات

افراد زیادی هستند که اینسروها تلاش می‌کنند آگاهانه یا ناآگاهانه حزب و تشکیلات مخصوصاً تشکیلات اسلامی را صد

اندر کار بود منجمه خود این تشکیلات حزب، چه بسا اگر تشکیلات نبود ما الان دچار تفرقه‌های زیادی بودیم که اول مصاحبه به آن اشاره کردم البته ما در سایه رهبری امام و کارهای روحانیت تا حدود زیادی مطمئن هستیم اما این اطمینان را باید با تشکیلات بیمه کرد و در تاریخ این اطمینان را تثبیت کرد.

تشکیلات قائم به شخص یا شاخصی نیست تشکیلاتی که توده‌های مردمی باشد مخصوصاً مسلمانهای مخلص خیلی قابل اعتماد است و می‌توان روی آن حساب کرد و آسیب پذیر نیست و همیشه می‌تواند بالنده و رو به رشد باشد بهر حال من یکی از توصیه‌هایم به اعضای حزب این است که برای توسعه حزب تلاش کنند به مردم هم توصیه‌ام این است همانطور که روزهای اول دنبال حزب آمدند و تاکنون هم وقادار ماندند وفاداریشان را بیشتر بکنند در طول سه چهار سال حزب جمهوری اسلامی امتحان خودش را داده است و همه دید خوبی نسبت به آن پیدا کرده‌اند.

با همه تلاشی که برای بدنام کردن حزب شده است یک نقطه زشتی نداریم که

اجرایی را تهیه کرده‌ایم و بصورت مواضع اعلام کرده‌ایم و در روزنامهها منتشر کردیم و بصورت جرعه در آورده‌ایم و حتی درس می‌دهیم و وضع افکار، عقاید، روشن هستند و افرادمان شناخته شده‌اند، همه چیز ما علنی است و مخفی نیست دیگر حزب جا افتاده است منتهی افراد باید دوره بسپارند و افکارشان منسجم و قوی باشد و بتوانند مردم را هدایت کنند باید وقت برای حزب بگذارند منتظر نباشند دیگران کار بکنند ویژگی حزب این است که با نیروهای فرد فرد که بتنهائی چیزی نیست ولی در مجموعه جان می‌گیرند و هر کس فکر نکند که تنها هر فرد چه

تأثیری دارد همین فرد جمع می‌شود و میلیونها می‌شود و میلیونها به نیروئی که قابل شکست نیست تبدیل می‌شود بنابر این مقداری بیشتر صرف حزب بکنند و مقداری کمک مالی بکنند که از نظر مالی وضع

حزب خوب نیست در تمام این چند سال ما با کمکهای غیر حزبی این تشکیلات را اداره کردیم و سهم امام مصرف می‌کنیم و امکانات متفرقه جمع می‌کنیم البته درست نیست که حزب به این صورت باشد، حزب باید متکی بخودش باشد باید

● حرکت بجای حزب جمهوری اسلامی برای نجات انقلاب و محدود کردن قدرت لیبرالها و حذف آنها کاری بسیار شایسته و بموقع بود.

● نفس حضور آن همه جمعیت در تشکیلات حزب جمهوری اسلامی بصورتی بود که مردم برایشان خود جمهوری اسلامی با حزب جمهوری اسلامی تقریباً یکی شده

بود و این دو را از هم جدا نمیدیدند و این را راه انقلاب تشخیص داده بودند و حضور یک چنین تشکیلاتی حتی اسم آن وحشتی در دل منحرفین و مخالفین ایجاد کرد و پشتوانهای شد برای دلگرمی مردم.

● اولین نقشی که حزب جمهوری اسلامی ایفاء کرد در جهت توقف انحرافات بود. ● حزب جمهوری اسلامی با تایید امام از همان روزهای اول بهترین نقطه اتکاء و اعتماد مردم شد.



● در همان موقع حزب دیگری شبیه حزب جمهوری اسلامی بنام حزب جمهوری خلق مسلمان بوجود آمد که در آذربایجان فتنهای

درست کرد و نزدیک بود آذربایجان را به شورش عظیم وادار کند و تنها حزب جمهوری اسلامی بود که توانست وضع آنها را در روزهای اول روشن کند و بحمدالله مسائل حل شد

● در آن روزها سرمقاله‌های روزنامه جمهوری اسلامی در افشای گروهکها و حرکتهای سیاسی منحرف بزرگترین نقش را برعهده داشت

● ما بخاطر سوابقی که در مبارزه داشتیم اکثر گروهکها و شخصیتهایشان و افکار و جهاتشان را می‌شناختیم و خوب می‌توانستیم مردم را هوشیار کنیم.

● در آنروزها نیروهای راستین اسلام و صاحبان اصلی انقلاب بجز روزنامه جمهوری اسلامی هیچ پایگاه تبلیغاتی دیگری نداشتند.

دارای اقتصاد مستقل باشد حتی پشهرهای که اعضا می‌پردازند و درآمدهائی که از درون خودش دارد باید اداره بشود اگر متکی به جاهای دیگر باشد آسیبپذیر است لذا اعضای حزب باید وقت،

پول و امکانات در اختیار حزب بگذارند و عضو برای حزب پیدا بکنند و اهداف حزب را سعی کنند که پیاده کنند و با مردم دوست باشند ممکن است بعضی اختلاف نظرها باشد اما در حد برخورد اندیشه خوب است در درون حزب تعارض و درگیری نباید ایجاد شود انشاءالله بتوانیم جمعیت یکپارچه و مسلمان و متعهد و پشتوانهای باشیم برای انقلاب اسلامی.

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته.

برای دشمنان ما قابل اتکا باشد، البته نواقص خیلی داریم و هنوز بخاطر آن هجوم مردم و نداشتن کادر کافی تشکیلات کامل نیست من از اعضای حزب در هر کجا که هستند می‌خواهم مقداری بیشتر تشکیلاتی ببندند اختلافات بین آنها نباشد و اختلافات محلی را به حزب منتقل نکنند سعی کنند متن افکار حزب را داشته باشند.

● مواضع حزب جمهوری اسلامی

یکی از کارهای مهمی که انجام دادیم این بود که مواضع حزب را مواضع سیاسی، اقتصادی، عقیدتی و

ارزش نشان بدهند بعضی از این افراد خودشان داعیه دارند می‌بینند تشکیلات نسبتاً جاافتاده‌ای مثل حزب جمهوری اسلامی مخالف هوا هایشان هست و بعضی‌ها بسالشتباه مخلصانه فکر می‌کنند که جامعه یک پارچه هست

و نیازی به حزب ندارد باید بگویم اینها اشتباه می‌کنند چون اولاً همیشه اوضاع به اینصورت نیست تشکیلات در یک مقطعی بدرد می‌خورد که اگر وجود نداشته باشد در آن مقطع نمی‌توان فوراً تشکیلات درست کرد و این یکپارچگی وانسجام بی‌دلیل بوجود نیامده بالاخره عواملی دست

زیاد است در هر حادثهای در هر مقطعی ما خاطراتی داریم. از بدترین خاطره‌های من انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی است که وقتی آتش خیر انفجار را بمن دادند مثل اینکه همه آسمانها را بسر من زده بودند و دنیا در نظرم سیاه شده بود و آن شب برای ما هر لحظه‌اش خاطره تلخی بود و خبری که راجع به یکی از دوستانمان میشنیدیم مخصوصاً صبح وقتی که به دفتر نخستوزیری رفته و شهید رجائی را دیدم و از آخرین اخبار مطلع شدم از بدترین لحظات عمر من

به عهدشان وفا میکنند مقداری آن خلاء را پر کردند اما فکر میکنم که بیشتر لازم باشد که در مورد حزب فعالیت کنیم. در آن موقع همه باهم کار میکردیم باضافه شهید بهشتی و دوستان دیگری که شهید شدند. چه خاطره‌های از حزب بیاد می‌آورید؟

در مورد حزب خاطره بسیار زیادی دارم آن ساعت اولی که موجودیت حزب را در کانون توحید اعلام کرده بودیم اول فکر میکردیم که تعداد کمی از مردم استقبال

میرسیدیم اکنون نمیتوانیم برسیم کارهای زیادی مخصوصاً جنگ بعثه ما است که بما بیشتر اجازه نمیدهد که به حزب برسیم ما کارهای حزب و انقلاب را با هم یکی

میدانیم اینطور نیست که بخودمان اجازه بدهیم کار انقلاب را رها بکنیم و بدنبال کار حزب برویم برای اینکه فرقی ندارند اما فرصتهائی است که میگذرد باید هر روز مسائل مملکت را درموقع خودش انجام دهیم با همه این تفاسیل جای شهید مظلوم بهشتی را نتوانستیم پر کنیم منتهی اسم ایشان، خون ایشان و شهادت ایشان

بایات الله ربانی املشی

درباره حزب جمهوری اسلامی

برای انجام مصاحبه‌های اختصاصی با آیت الله محمد مهدی ربانی املشی عضو شورای نگهبان و عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی به حضور ایشان رسیدیم و سئوالاتی پیرامون حزب مطرح نمودیم که اینک متن کامل این گفتگو از نظر آنان میگذرد:

س- چطور شد که شما و دوستانتان به این نتیجه رسیدید که باید حزبی با این عنوان تأسیس شود؟

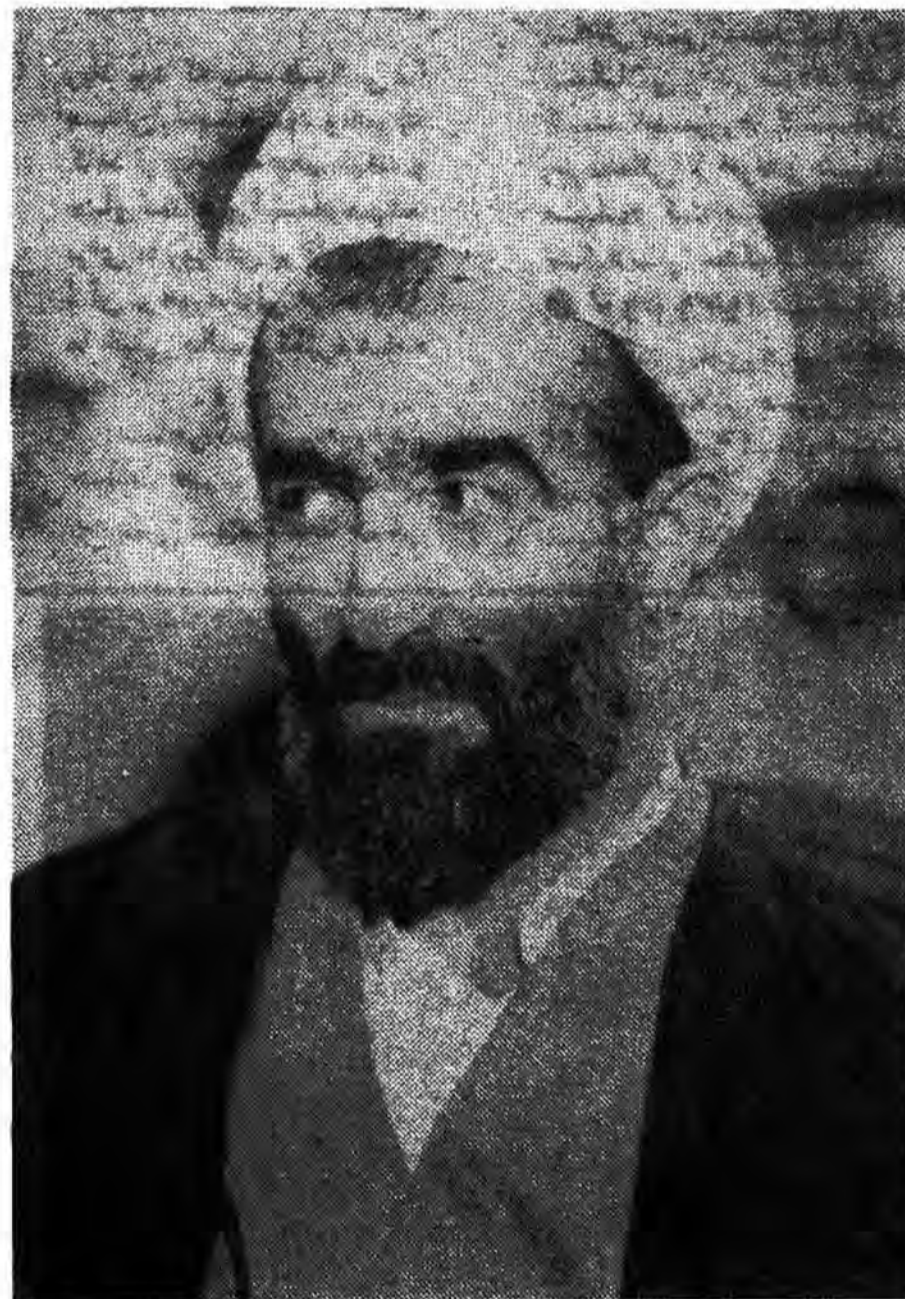
ج- چیزی که من و دوستان، از طلاب همفکر، هم دوق و هم سلیقه را همیشه رنج می‌داد و از آیسده آن نگران بودیم، عدم تشکل در جامعه روحانیت بود. شاید شما هم شنیده باشید که بعضی از بزرگان روحانیت این جمله را درباره روحانیت گفته بودند که نظم روحانیت در بی‌نظمی است و عده زیادی این تر را در جامعه روحانیت قبول کرده بودند و حتی آنهایی هم که از نظر فکری با این نظریه مخالف بودند در عمل دنباله رو این نظریه بودند ولی ما که از این جهت گرفتاریهای زیادی را متوجه روحانیت می‌دیدیم و عقیده داشتیم که اگر روحانیت متشکل باشد هیچ قدرتی در کشور نمی‌تواند با آن مبارزه کند و از نظرات آنها تخلف کند، از این وضع حاکم رنج می‌بردیم و ناراحت بودیم و همیشه به فکر این بودیم که یکپارچه مانظم و تشکیلاتی پیدا کنیم. تا مدتی که در سنین جوانی بودیم این موقعیت را در خود احساس نمی‌کردیم که بتوانیم با اجتماع یک مشت طلاب جوان در مقابل معمرین حوره و تثبیت این امر توسط ما مطلب به جایی برسد آخر طرفداران تر نظم در بی‌نظمی است افرادی بودند که نسبت به ما از نظر سنی و علمی و سابقه تحصیل در حوره علمیه قم و سایر حوزه‌ها قدمت داشتند و مشکل بود که سخن ما در آنها مؤثر واقع بشود و نظرات مامورد قبول آنها قرار بگیرد اما موقعی که سبسی از ما در حوره گ- ست و تاحدودی در خود موقعیتی احساس کردیم و فکر میکردیم که می‌توانیم این عده همفکر و هم نظر دور هم جمع بشویم و کاری صورت بدهیم رزمه این مطلب گاه و بیگاه در گوشه و کنار بین ما - بود. یکی از کسانی

که از نظم در جامعه روحانیت خیلی خوشش می‌آمد و از بی‌نظمی و بی‌تشکیلاتی رنج می‌برد من بودم. اتفاقاً در یک سفری که به مشهد مشرف شدم و در منزل برادرمان جناب آقای خامنه‌ای بودم به اتفاق ایشان به دیدن یکی از دوستان همفکرمان جناب آقای موحیدی کرمانی که امروز نماینده مردم کرمان و هم امام جمعه باختران هستند و برای زیارت حضرت رضا علیه السلام در ایام تابستان به مشهد مشرف شده بودند رفتیم. در آن جلسه بر حسب اتفاق البته روی آن انگیزه قوی که در امثال بنده وجود داشت صحبت از گرفتاریها و بی‌نظمی حوزه‌های علمیه به میان آمد به خاطر دارم که حتی این جمله در آن جلسه سه نفری گفته شد که اگر فکری نشود و روحانیت از این تفرق و تشتت خلاص نشود در آینده نزدیکی حکومت شاهی قدرت روحانیت را به کلی از بین خواهد برد و آنوقت است که دیگر قدرتی در برابر حکومت باقی نخواهند ماند در همان جلسه بود که در خود احساس کردیم که چرا نباید انتظار از دیگران داشته باشیم، بر خلاف آنچه که در سنین جوانی می‌گفتیم دیگران باید پیشقدم بشوند در آن روز گفتیم چرا انتظار می‌کشیم که دیگران پیشقدم بشوند بیایید خودمان پیشقدم بشویم. هر سه نفر روی این مسئله اتفاق نظر داشتیم و از همینجا به فکر افتادیم که بر تعدادمان بیفزاییم و با رفقای دیگری از همفکرها صحبت کنیم و متحداً کاری را شروع بکنیم صحبت شد که از همان مشهد این یارگیری را شروع بکنیم در بین صحبتها معلوم شد که شهید مظلوم آیتالله بهشتی و شهید بزرگوار دکتر باهنر هم برای زیارت به مشهد مشرف شده‌اند. تصمیم گرفتیم که با شهید بهشتی ملاقات کنیم. محل سکونت

شهید بهشتی را جستجو و پیدا کردیم و به سراغ ایشان رفتیم. در اولین مرحله‌ای که با ایشان این بحث را بطور اجمال و فشرده در میان گذاشتیم فوراً این همکاری و همفکری را قبول نمودند و بنامند که بعداً مفصل در این زمینه صحبت شود.

سراغ مرحوم باهنر را گرفتیم و جای ایشان را هم پیدا کردیم آخر ماها همه چند روزی برای زیارت در مشهد بودیم از جای یکدیگر درست اطلاع نداشتیم تنها جناب آقای خامنه‌ای بودند که در مشهد سکونت داشتند به اتفاق پیش مرحوم باهنر رفتیم و مطلب را با ایشان در میان گذاشتیم معلوم شد که ایشان هم با ما همفکری و هماهنگی دارند، در یک جلسه مشترکی که ظاهراً از ما پنج نفر

تشکیل میشد تفصیل قصیه را صحبت کردیم. این مذاکرات در منزل آقای حامه‌ای بود و حالات خاصی را که در آن روز مرحوم شهید بهشتی داشت بیاد دارم شهید بهشتی باشیدن این مطالب خیلی حوشحال بنظر می‌رسید و معلوم بود که گمشده‌های را پیدا کرده است آخر آن شهید ار جوانی از طرفداران سرسخت نظم در روحانیت بود و آقای بهشتی شروع به صحبت کرده و افکار و نظر ما کاملاً تقدر کردید و حمله‌ای را که هرگز فراموش نمی‌کسم و ایشان در آن روز روی آن تکیه داشتند فرمودند که ارمین الان باید توجه داشته باشیم که در یارگیری و دعوت افراد به همکاری روی صریحی را که ما دیدیم اراحیه سی‌نقویان و افسراد



● در همین مدت کوتاه حزب جمهوری اسلامی خدمات فراموش نشدنی و غیر قابل انکاری داشته است.
● خدمتی را که حزب جمهوری اسلامی در این مدت به کشور کرده هیچ گروه و جمعیتی این خدمت را به جمهوری اسلامی نکرده است.

بی‌توجه به اخلاق اسلامی بوده است. باید روی معیار تقوی خیلی تکیه کنیم. معیارها برای دعوت افراد ذکر شد و گفته شد که چه افرادی را برای همکاری دعوت کنیم. عرض کردم چون روی معیار تقوی خیلی تکیه داشتیم و از روز اول بنامداشتیم با اف

همکاری داشته باشیم که علاوه بر شرایط دیگر از جمله رازداری در آن روزگار خفقان صد درصد از نظر تقوی مورد قبول باشند و اشکال و ایرادی از این جهت در آنها وجود نداشته باشد یارگیری کار آسانی نبود خیلی از افراد پیشنهاد می‌شدند با اینکه معروفیتی داشتند ولی به خاطر فقدان یکی از شرایط، مورد قبول قرار نمی‌گرفتند. از بین افراد پیشنهادی عده بسیار کمی مورد توافق قرار گرفتند که بنا شد در این زمینه با آنها مذاکره شود باین طریق که عرض کردم معلوم شد که در ابتدای کار فکر ما بیشتر بدنبال نظم روحانیت بود و هسته مرکزی این حرکت در صدد تشکیل حزب نبود بلکه صرفاً می‌گفتیم باید روحانیت تشکیلات داشته باشد ولی بعدها این فکر منتهی به این شد که علاوه بر اینکه روحانیت باید تشکیلاتی داشته باشد قشر مذهبی و مبارزی که در مقابل حکومت

شاهشاهی قیام کرده و مبارزه میکنند نیز باید تشکیلات داشته باشد. وگرنه کاری از پیش نخواهد برد.
س- چه شد که تشکل روحانیت به تشکل حزب انجامید، جریان آنرا بیان کنید؟

ج- در این قسمت دقیقاً نمیتوانم اظهار نظر بکنم چون قسمت مهم مذاکرات در این زمینه موقعی بود که من از قم تبعید شده بودم و دیگر برای من امکان شرکت در جلسات برادران که معمولاً در تهران تشکیل میشد نبود و تا مدتی از طریق رفقای که در تبعیدگاه به محل اقامت می‌آمدند در جریان امر قرار میگرفتیم درست است که ابتدای کار ما صحبت از تشکیلات در روحانیت بود ولی این عده از روحانیت که باین فکر افتاده بودند معمولاً همانها بودند که در قم و تهران و مشهد معروف به مخالفین حکومت و از یاران وفادار امام بودند، پیداست این جمعیتی را که همه اهل مبارزه هستند در جریان امر به این مسئله برخورد کنند که

● اگر روحانیت متشکل، باشد هیچ قدرتی در کشور نمی‌تواند با آن مبارزه کند.

● شهید بهشتی در بدو ایجاد تشکیلات معتقد بودند که باید روی تقوی بیش از هر چیز دیگری توجه شود.

● اداره مملکت احتیاج به یک تشکیلات منظم و قوی دارد.

● باید مسلمانها متشکل باشند و برای اداره کشور نیروها شناسائی شوند.

● حزب جمهوری اسلامی از زمان تأسیس تاکنون با مخالفتها و کارشکنی‌های فراوان از سوی دشمنان و بعضی دوستان بی‌توجه روبرو بوده است.

شاید تشکیلات سیاسی و تشکل یک حزب مقدم بر تشکیلات

روحانیت است و یا لااقل از یکدیگر جدا نیست و تنها به تشکیلات در روحانیت برای رسیدن به مقصود نمیتوان اکتفا نمود آخر اگر بخواهیم به روحانیت هم تشکیلات بدهیم قبلاً باید کسب قدرت کنیم وگرنه اگر بخواهیم برخلاف تمایل قدرت حاکم در روحانیت هم تشکیلات بوجود آوریم و قدرت حاکم بسیند که با تشکیلات در روحانیت ممکن است قدرت او به مخاطره بیفتد یقیناً این تشکیلات را تحمل نمی‌کند و برهم می‌زند و اینجا بود که دوستان بیشتر به فکر افتادند که قبل از همه چیز این عده همفکر که با حکومت مبارزه می‌کنند تشکیلاتی سیاسی، اجتماعی و دینی داشته باشند تا مبارزه‌شان به نتیجه برسد و وقتی که مبارزاتشان به نتیجه رسید و قدرت دشمن را درهم کوبیدند و قدرت را بدست آوردند بهتر می‌توانند

اشکالات در روحانیت و با هر نهاد و گروه دیگری را از بین ببرند. بیشتر فکر تشکیلات در این جمعیت از این ناحیه بود و خوب احساس می‌کردیم که اگر تشکیلات نداشته باشیم با کارهای متفرق و جدا از هم دیگر مبارزات ما مهم آنچنان که باید و شاید به نتیجه نخواهد رسید و لذا این جهت را بر تشکیلات در روحانیت مقدم داشتند.

س- اهدافی را که این جمعیت بعد از بوجود آمدن حزب دنبال کرد بیان کنید؟

ج- هدف از تشکیل حزب کاملاً مشخص و آشکار است یک حزب سیاسی، اجتماعی و دینی که تشکل می‌شود بخاطر اینست که نیروهای مفید شناخته و بجا و به موقع به کارگیرد و از هدر رفتن نیروها در نتیجه عدم تشکل جلوگیری کنند. این غرض از تشکیل حزب جمهوری اسلامی بود. ما می‌دیدیم که قشر مذهبی همیشه پیکار و تلاش می‌کند و زحمت می‌کشد اما پس از اینکه نیروهای مذهبی و دینی با قدرت اسلام و مذهب دشمن را از پا در آوردند گروهها و جمعیت‌هایی متشکل می‌آیند و وارث زحمات و گرفتاریهای آنها می‌شوند و زمام امر را بدست

می گیرند، ما خوب تشخیص می دادیم که پیروزی انقلاب و پس از آن اداره مملکت احتیاج بیک تشکیلات منسجم دارد و اگر مسلمانان و مستدینین و گروهی که فداکاری و مبارزه می کنند تشکیلات نداشته باشند فرضاً که دشمن را از پای در آورند برای اداره کشور باید به نیروها و گروههایی متوسل بشوند که متشکل هستند این مسئله در ایران بارها تکرار شده و حتی در همین انقلاب هم که عامل موفقیت تنها نیروهای مردمی و مذهبی به رهبری روحانیت بودند

این امر به وضوح مشاهده شد. نظام شاهنشاهی توسط مردم متلاشی شد ولی بخاطر آنکه مردم از تشکیلات منسجم و شناخته شده و قابل اطمینانی برخوردار نبود ناگزیر دست نیاز به گروههای متشکلی دراز نمود تا دولت تشکیل دهند اگر چه گروهی که مأمور تشکیل اولین دولت جمهوری اسلامی شد بنا بود که گروه گزینی را کنار بگذارد ولی در عمل دیدیم که در دولت موقت اغلب وزراء از افراد حزب خودشان انتخاب شدند من نمیخواهم بگویم این گروه خدای ناکرده غیرمذهبی بود و با در مبارزات ملت ایران همراهی و همفکری نداشت بلکه میخواهم بگویم که روحانیت و امت حزب الله بخاطر نداشتن تشکیلات مجبور شد که برای تشکیل دولت دست نیاز به گروههای متشکلی که با آنها اختلاف نظرهایی داشت دراز نماید و تا مدتها ناز آنها را بکشد در هر صورت این مسئله برای ما روشن بود که اگر بخواهیم بعد از پیروزی و رسیدن به قدرت و از بین بردن دشمن ادامه کار هم بدست مسلمانان باشد باید مسلمانان متشکل باشند و نیروی شناخته شده برای اداره کشور داشته باشیم. از اینجا بود که برادران به فکر افتادند که این تشکیلات سیاسی، اجتماعی و دینی را به خاطر این هدف اساسی یعنی اداره کشور در اختیار خود داشته باشند. ولی همانطور که همه میدانیم قبل از اینکه این تشکیلات بجائی برسد و حتی موجودیت آن اعلام شود انقلاب پیروز شد و تا مدتی از آنچه که می ترسیدیم گرفتار شدیم

س- نقش حزب جمهوری اسلامی در تحکیم نظام جمهوری اسلامی چگونه بوده است؟

ج- حزب جمهوری اسلامی یک حزب نوپا است و از زمانی که تشکیل شده است با گرفتاریها، مخالفتها و کارشکنیهای فراوان از طرف دشمنان و بعضی از دوستان بی توجه مواجه شده است و این امر شاید اختصاص به حزب جمهوری اسلامی نداشته باشد هر حزبی که در جامعه ای وجود آمده شاید با این اشکالات و کارشکنیها و مخالفتها کموبیش

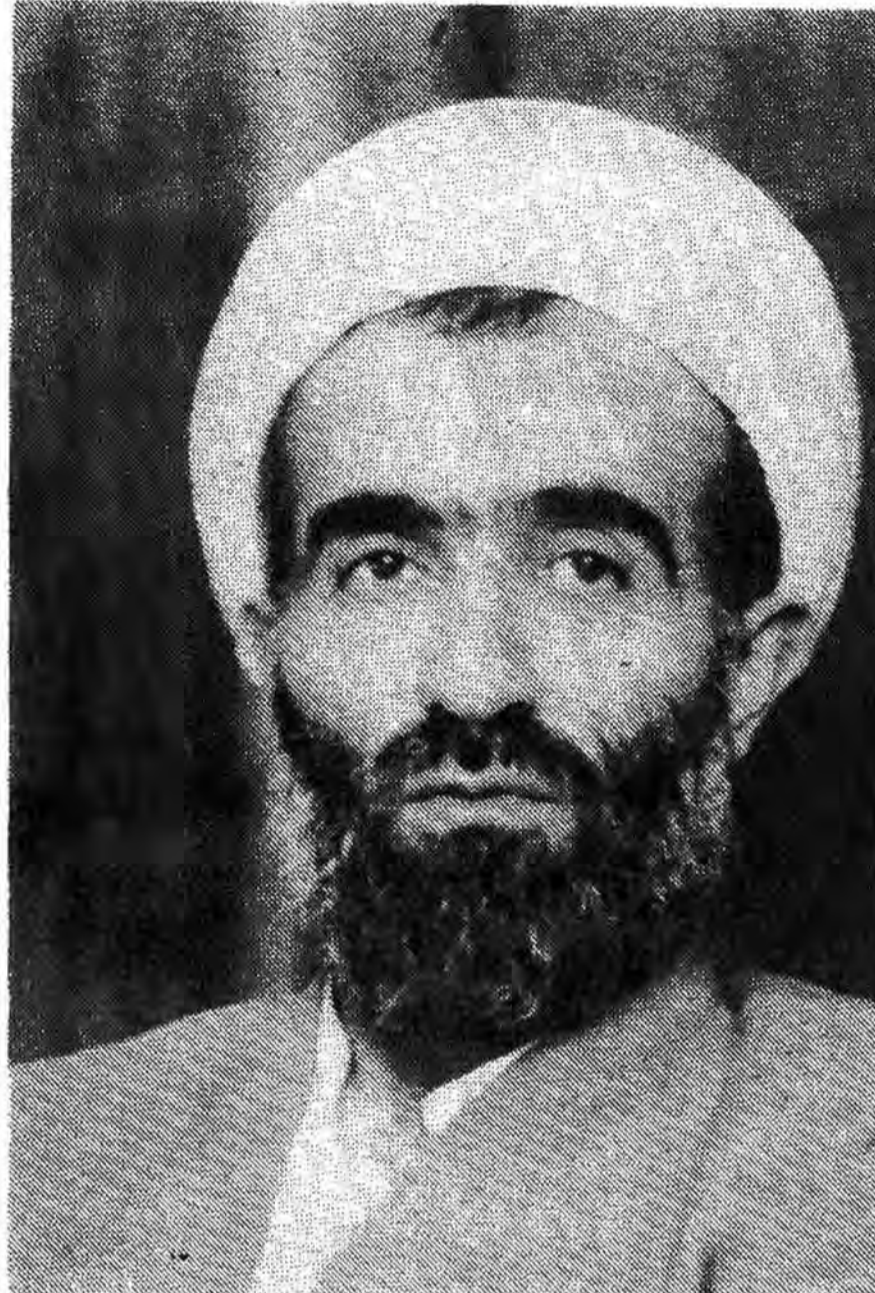
مواجه شده است. پیداست وقتی جمعیتی بخواهند متشکل بشوند و در نهایت قدرت را بدست بگیرند یقیناً افرادی که با این فکر توافق ندارند در مقابل این جمعیت خواهند ایستاد ولی در عین حال در همین مدت کوتاه حزب جمهوری اسلامی به نظر من خدمات غیرقابل انکاری داشته است افراد زیادی از گردانندگان این کشور از اعضا و یوااداران این حزب هستند که با کمال اخلاص انجام وظیفه میکنند و کاملاً در خط اسلام قفاهتی هستند و در کمتر کسی از آنها انحراف و تجاوز از خط مستقیم الهی مشاهده شده است ما همه میدانیم که شهید بهشتی اولین دبیر کل حزب جمهوری اسلامی چه خدمات شایان توجهی به این جمهوری نوپا نمود و آخر هم قربانی انقلاب شد و پس از آن دبیر کل دوم مرحوم باهنر هم راه او را ادامه داد تا شهید شد برادران دیگر از جمله آقای خامنه ای و آقای هاشمی که از بنیانگذاران این حزب هستند خدمتشان بر همه روشن و نیاز به ذکر نیست به علاوه حزب در این عمر کوتاهش روی جوانهای با استعداد از نظر دینی و سیاسی خیلی کار کرد و افراد خوبی برای اداره کشور تحویل اجتماع داد و امروز هر کدام در هر سنگری که انجام وظیفه میکنند کاملاً قابل تقدیر است و تازه برای ارزیابی یک حزب نوپا نباید تنها به وضع فعلی آن نگاه کرد انتظار می رود که تلاشهای برادران در حزب جمهوری اسلامی در آینده ثمرات خوبی بدهد که برای همه امیدوار کننده باشد.

س- بفرمائید نقش حزب در غنشی کردن توطئه های

استکبار جهانی و ایادی داخلی آن چگونه بوده است؟

ج- بزرگترین توطئه های را که بیگانگان نسبت به یک کشور مخصوصاً کشور جمهوری اسلامی می توانند داشته باشند این است که وقتی ملت انقلابی ایران آنها را از در بیرون کردند از دریچه وارد شوند کما اینکه تا بحال همیشه اینکار را در کشور ما و همه کشورهای انقلابی دیگر کردند. شاید اگر تشکیلات حزب جمهوری اسلامی نبود و نیروهای وابسته و متشکل حزب جمهوری اسلامی برای اداره کشور نبودند اینبار هم در کشور ما خاطرهای که بارها تکرار شده است تحقق پیدا می کرد. همینطور که قبلاً عرض کردم کشور باید به دست افرادی اداره شود و اگر این افراد متشکل نباشند اگر چه تعدادشان زیاد باشد نیروهای متشکل آنها را بدنال خود می کشند و مردم ناگزیرند در محور وجود آنها کار کنند، و اگر آن نیروهای متشکل به نحوی وابسته به بیگانه باشند و

یا به فرض عدم وابستگی اگر مانند مردم فکر نکنند و این خط وسط و میانه را که ما انتخاب کردیم قبول نداشته باشند خواهی نخواهی استکبار جهانی بر ما غلبه می کند در ایران عده فراوانی هستند که مستدین هستند اما نمی توانند باور بکنند که میشود یک ملت ضعیف مستقل بماند و مستقل کار بکند. اشکالی هم که ابتدا در جمهوری اسلامی بوجود آمد همین بود نمی توانیم بگوئیم افرادی را که تصور مریگی کردند



باید آمریکا را راضی نگاه داشت بخاطر این بود که حدای ناکرده غیرمتدین بودند، حیر مندی بودند و یا لاقول عده

● اگر ما تشکیلات نداشتیم خواهی نخواهی به سوی غرب یا شرق کشیده می شدیم.

● حزب جمهوری اسلامی توانست خلاءها را پر کند و از انحرافات جلوگیری نماید.

● باید ایمان و اعتقاد مردم را نسبت به حزب تقویت کرد.

● با اینکه حزب جمهوری اسلامی یک حزب نوپاست ولی به خوبی توانسته انجام وظیفه کند و یقیناً در آینده بهتر و عمیق تر انجام وظیفه خواهد کرد.

● آنگاه که همه سیاست اسلام پیاده شد همه سیاست حزب جمهوری اسلامی هم جامه عمل پوشیده است.

زیادی از آنها متدین بودند اما فکرمی کردند که یک ملت ضعیف بدون وابستگی نمی تواند روی پای خود بایستد یا باید وابسته به شرق و یا وابسته به غرب باشد. شرق را لا مذهب و بی دین و بی خدا می دانستند تصور می کردند پس بهتر است با غرب که حداقل خدا را قبول دارد وابسته باشند. بنابراین اگر ما اختیار کار را بدست آنها می دادیم و خودمان تشکیلاتی نداشتیم و مسئولیت اداره کشور را شخصاً بعهده نمی گرفتیم خواهی نخواهی به آن طرف که به نظر ما در آینده وابستگی به بیگانه بود کشیده میشدیم این حزب جمهوری اسلامی بود که با تبعیت کامل از مقام رهبری تا حدود زیادی توانست این خلاء را پر کند. این بزرگترین خدمتی است که حزب جمهوری اسلامی به این جمهوری کرده است و امیدواریم که خدماتش در آینده شکوفاتر و بهتر عرضه شود.

س- حزب جمهوری اسلامی باتوجه به نیروهای روحانی که در خود داشته و دارد تا چه حد توانسته است مسئولیتهایی را که برعهده روحانیت است مانند مسئله تبلیغات به عهده بگیرد؟

ج- تبلیغات اسلامی ازوظائف بزرگ روحانیت و حورهای علمیه است که بحمدالله در کارش تا حدود زیادی موفق است و در انجام این وظیفه معمولاً مستقل اقدام می کرده است و حتی از نظر مردم تبلیغات از وظایف اختصاصی روحانیت شمرده می شود ولی از نظر اسلامی همه مسلمانان و گروهها و جمعیتها موظفاند در این کار سهمی باشند و انجام وظیفه کنند ومانباید فکر کنیم که تبلیغات جمهوری اسلامی آیامی تواند در کنار تبلیغات جامعه روحانیت چیزی به حساب بیاید یا نه. حزب جمهوری اسلامی که یک حزب مذهبی نوپا است یکی از وظایفی را که بر خود لازم می داند تبلیغ دینی است و در این کار هم پیشقدم بوده و از روحانیون زیادی که احتمالاً عدهای از آنها وابستگی به حزب هم ندارند و تنها روی حساب وظیفه شرعی کاری که به آنها محول می شود انجام می دهند استفاده کرده والجنه هنوز مراحل ابتدائی را می گذرانند و امیدواریم که در آینده بهتر و جالبتر این وظیفه را انجام دهد.

س- موقعیت کنونی حزب را در زمینه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی چگونه ارزیابی می کنید؟

ج- همانطور که عرض کردم حزب جمهوری اسلامی حزبی نوپا است و از یک حزب و تشکیلات نوپا انتظار یک

کار کشته با سابقه نباید داشته باشیم. به مقدار سابقه حزب جمهوری اسلامی می بینیم که حزب پیشرفت داشته و خوب انجام وظیفه کرده و خوب کار می کند، اما باید روی حزب بیشتر کار بشود و تبلیغات روی حزب باید بیشتر باشد تبلیغات مسموم روی حزب باید حتی شود و ایمان و اعتقاد مردم را نسبت به حزب و لزوم تشکیلات سیاسی مذهبی باید تقویت کرد و باید حزب بیش از پیش محتوای حویش را نشان دهد و در جلب و جذب نیروهای ارزنده با دقت بیشتر کوشش کند تا در آینده بهتر بتواند انجام وظیفه کند

ولی تا همین حد هم خوب انجام وظیفه کرده و افرادی که در حزب دور بگذر جمع شده اند و معمولاً افراد مخلص، پاک، مندی و معتقد و دارای اهداف دینی هستند و از یک مشت افراد پاک و مندی پیداست که جر نیکویی و حیر و خدمت جیر دیگری سر خواهد زد

س- چه خاطراتی در رابطه با حزب دارید؟

ج- چیزی که بعنوان خاطره بتوانم ذکر کنم بیاد

نمی آورم ولی گاه و بیگاه که به ابتدای پیدایش حزب فکر می کنم به آینده آن امیدوار می شوم آخر عده معدودی از برادران که در زمان طاعوت ابتدا به فکر نظم و تشکیلات در جامعه روحانیت و بعدها بفکر حزب افتادند هیچگونه چشم داشتی از این کار جز خدمت به اسلام و مسلمین نداشتند معمولاً احزابی که تشکیل می شود از اینجا شروع می شود که عدهای قدرت طلب و طالب دنیا برای تأمین زندگی بهتر باین فکر می افتند که حزبی تشکیل دهد ولی بانیان حزب جمهوری موقعی بفکر این کار افتادند که هر آن خطر لو رفتن این جمعیت را احتمال می دادند معلوم بود که اگر ساواک می فهمید عدهای بفکر تشکیلات سیاسی مذهبی هستند با آنها چه می کرد ولی ایس گروه ایس مخاطرات را بجان خریدند و در راه تحقق این هدف اقدام جدی داشتند و این حاکی از اخلاص این گروه بود هر وقت

من باین سابقه فکر می کنم و این اخلاص را بیاد می آورم و آن جلسات بی شائبه و افراد مخلص به دهم حضور می کشد باین نتیجه می رسم که انشاء الله حزب جمهوری حزب موقعی باشد و بتواند خدمتگذار مخلص و بی شائبه ای برای اسلام و مسلمین باشد.

● هدف از تشکیل حزب جمهوری اسلامی شناسائی نیروهای مفید و به کار گرفتن آنها و جلوگیری از هدر رفتن نیروهاست.

س- فکر میکنید اهداف سیاسی و فرهنگی حزب تا چه اندازه در جامعه ما اجرا شده است؟

ج- سیاست و فرهنگ ما سیاست و فرهنگ اسلام است و فرهنگ و سیاستی است که از مذهب ما به هیچ وجه جدا نیست و عین مذهب ما است. هرگاه احکام و قوانین و اهداف اسلامی در جمهوری اسلامی پیاده بشود فرهنگ و سیاست حزب جمهوری اسلامی هم پیاده شده است و خودتان می بینید که تا چه اندازه کشور ما اسلامی شده. البته اگر ما بخواهیم بگوئیم الان یک کشوری صد درصد اسلامی هستیم و حکومت ما صد درصد اسلامی است سخنی به گزاف گفتیم حتی شاید بیاد داشته باشید که امام هم گاهی این مسئله را گفته اند که ما در راه رسیدن به حکومت اسلامی هستیم و در این راه هر روز داریم یک گوشه ای از اهداف اسلام را که همان سیاست اسلام و اداره کشور اسلامی طبق دستورات اسلام است پیاده میکنیم. البته تا اینجا که پیشرفت کردیم اعجاب انگیز و غرور آفرین

نشستی با نخست وزیر پیرامون حزب جمهوری اسلامی

مهندس موسوی: تاریخ چهار ساله انقلاب ما آمیخته با تاریخ حزب است

- انقلاب ما یک حرکت طبقاتی نیست، متعلق به همه ملت است.
- یکسال پیش از انقلاب شهید بهشتی افرادی را برای عضویت در یک تشکیلات فراگیر دعوت می‌کردند.
- انگیزه پیوستن من به حزب جمهوری اسلامی همانند میلیونها نفری بود که به حزب پیوستند.
- مؤسسين حزب جزء یساران نزدیک امام بوده و هستند که این خود باعث می‌شد حزب از رهنمودهای امام بطور مستمر استفاده کند.



در آستانه پنجمین سال تاسیس حزب جمهوری اسلامی مهندس میر حسین موسوی نخست وزیر و عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی طی یک مصاحبه اختصاصی با خبرنگار ما به سئوالات وی پیرامون انگیزه و اهداف تشکیل حزب و نقش آن در مقابله با توطئه‌ها، موقعیت کنونی حزب، تشکیل کنگره و خاطرات خود از حزب جمهوری اسلامی پاسخ گفت که مشروح آن از نظر تان می‌گذرد:

س- انگیزه تشکیل حزب جمهوری اسلامی چه بوده و اهداف آن چیست؟
ج- بسم الله الرحمن الرحیم- بعد از آنکه پیروزی انقلاب مسلح شد بحث راجع به تشکیلات در بین گروههای اسلامی اوج گرفت. البته بحث راجع به تشکیلات مدتها بود که وجود داشت. مخصوصاً از سال ۵۵ که دمکراسی مطرح شد گروههایی مانند جنبه ملی و بهشت آزادی و سایر گروهها در فکر تشکیلات جدیدی بودند ولی از موقعی توجه به تشکیلات اسلامی اوج گرفت که حرکتهای انقلابی گسترده‌تر شد و در چنین موقعیتی است که ما شاهد هستیم که بحث در این مورد جدی‌تر میشود. در آن موقعیت تصور می‌شد که احزاب باقی مانده از سابق می‌توانند با اصلاح و یا گسترش بعنوان راه علاجی باشند ولی عسماً جریان انقلاب نشان داد که این احزاب نمی‌توانند به

حرکت بوده مردم پیوند بخورند از همان موقع مادر معصی
حریانات مذهبی می‌بینیم که سعی می‌کند نقش ولایت فقیه را در رهبری مردم ندیده بگیرد ولی بر عکس در میان توده‌های میلیونی و روحانیت و دانشجویان و روشنفکرانی که با توده‌ها رابطه پیدا کردند و در آنها هم شدند و در داخل صف مردم حرکت می‌کنند هم نقش رهبری احساس میشود و هم نقش روحانیت و مساجد هم برای آنها کاملاً محسوس است که این حرکت یک حرکت طبقاتی نیست و متعلق به همه ملت است. درست در همین لحظات است که لزوم یک تشکیلات فراگیر بیش از هر زمان دیگر احساس میشود و در این زمینه روحانیونی چون شهید بهشتی، آقای موسوی اردبیلی، شهید باهنر، آقای خامنه‌ای و آقای هاشمی رفسنجانی پیشقدم می‌شوند. این تشکیلات در حقیقت به یکسال پیش از اسلام موجودیتش بر میگردد. از یکسال پیش از انقلاب می‌دیدیم که شهید بهشتی دارند افرادی را برای عضویت در چنین تشکیلاتی دعوت می‌کنند و چند ماه قبل از انقلاب بحث جدی برای اساسنامه صورت می‌گیرد بنده هم از کسانی بودم که در همان موقع که مراسمامه مورد بحث و تدوین بود توسط شهید بهشتی دعوت شدم تا اساسنامه را مطالعه کنم. من مساله را تعقیب

نکردم تا موقعی که انقلاب پیروز شد و یادم هست که شهید باهنر تلخ کردند و بعد از مقداری صحبت در تشکیلات حزب وارد شدم. آن موقع انگیزه پیوستن من به حزب همانند میلیونها نفری بود که به حزب پیوستند و هدف این بود که یک تشکل سالم بر محور روحانیتی که صداقت

که در آنجا بحث دو نوع حرب را مطرح کرده بودم. حربی بر اساس منافع طبقاتی حواه صورت مدافع طبقه کارگر و یا احزاب اشرافی و متعلق به نجیبان سیاسی و نظایر اینها و بعداً اشاره‌ای داشتم به یک نوع تشکلی که از نوع تشکل مسجدي است. تشکل مسجدي تشکلی است که بر پایه اعتقاد شکل می‌گیرد و

● تشکل حزب جمهوری اسلامی یک تشکل مسجدي است. ● شما در داخل مسجد وجه امتیازی نمی‌یابید، ملاکها برمی‌گردد به تقوا هست، بچه‌های محل هستند، بازاری هست، روحانی هست، کارگر هست و حزب برای بافت داخلی اش چنین زمینه‌ای را انتخاب کرد.

ان اعتقاد است که امتیازات افراد را معین می‌کند و آنها را در مقابل یک هدف و آرمان و یک حد قرار میدهد و در داخل آن مسجد و این نوع تشکل شما وجه امتیازی نمی‌یابید و ملاکها بر میگردد به تقوا و در خود ترکیب ظاهری مسجد هم می‌باید که دشمنو هست، بچه‌های محل هستند، بازاری هست روحانی هست، کارگر هست و از همه تیپ در مسجد جفجف میشوند. حزب جمهوری اسلامی همچنین حالتی را دارد.

انقلاب ما نیز چنین حرکتی را داشت یعنی گل جامعه حرکت کرد نه یک فشر

خاصی و نه هیچ‌وجه رنگ و سوی طبقاتی نداشت. این انقلاب، اسلام، عدالت اجتماعی و میل به اینکه ظلم ریشه‌کن شود را طلب می‌کرد. و اسلام را همه مردم و بصورت همه‌جانبه فریاد می‌کردند. حزب برای بافت داخلی خودش یک چنین زمینه‌ای را انتخاب کرد. در یک طرف روحانیتی هستند متصل به امام امت که این خودش یک اطمینانی در دل مردم ایجاد می‌کند. روحانیونی هستند که امتحان خودشان را در کوره حوادث دادند و از طرفی دیگر بافت داخل حزب، بافتی است از همه اقشار مردم و بافت حزب یک بافت مسجدي است. و همانطور که در مردم یک احساس اطمینان نسبت به مساجد است نسبت به حزب همین احساس وجود دارد. و این تصادفی نبود که دفاتر حزب یکمتره بطور خود جوش برای اسم بویسی وجود آمد. گرچه بخاطر نبود کار آبی و تحریر حزب نتوانست به این استقلال عمومی پاسخ دهد ولی منظور کل مجموعه است که مورد بحث می‌باشد. این مساله باعث می‌شود که حزب پایگاهی برای عموم مردم و آرماتهای اصیل انقلاب اسلامی که مورد هجوم گروهکهای ضد انقلاب قرار گرفته بود بشود. دشمن حس میکند تنها تشکل نیرومند و متعالی و گسترده‌ای که برای جمع کردن مردم و روحانیت وجود دارد، حزب جمهوری اسلامی

است و سعی می‌کند حزب را بعنوان دشمن اصلی قلمداد کند. چنانکه دیدیم در عید سال ۶۰ که گروهکها برای خود شعار انتخاب می‌کردند، شعاری که گروه منافقین انتخاب کرد نابودی حزب بود. یعنی حزب در تیر رس حمله آنها قرار گرفت. و حمله‌ای که به شهید بهشتی و سایر رهبران حزب می‌شد بخاطر همین دیدگاه آنها بود و بالاخره ضربه سختی را نیز به حزب وارد کردند ولی بواسطه پیوستگی حزب به رهبری و مردم توانست روی پای خودش استوار و مقاوم بایستد.

بهر حال اینها انگیزه کلی بوجود آمدن حزب جمهوری اسلامی بود. یعنی زمانیکه خلاص سیاسی وجود داشت نیازی برای تشکیل روحانیت و مردم احساس شد عده‌ای از روحانیون مسازر و مجتهد و شناخته شده جامعه ما دست به چنین کار بزرگی یعنی ایجاد حزب جمهوری اسلامی زدند.

س- نقش حزب جمهوری اسلامی در تحکیم نظام جمهوری اسلامی چگونه بوده است؟
ج- حزب بصورت یک سپر برای انقلاب بوده است. اولاً اینکه سعی کرده است تمام حملات ضد انقلاب را به جان بخرد و بصورت یک تشکلی برای مقابله با حملات باشد. نقش عظیم تشکیلاتی حزب در اینکه مردم را دائماً حاضر در صحنه نگاهدارد بسیار چشمگیر بوده است. اگر به انتخابات چند ساله

گذشته، راهبیمائیاها و مراسمی که برای انقلاب ما سر و شوش سار بوده می‌بینیم که حزب نقش عظیمی داشته است حتی در سرقراری و استقرار نهادهایی که جزء ارکان نظام جمهوری اسلامی هستند می‌بینیم که در تک تک آنها حزب نقش فعالی را بازی کرده است.

و حزب تمام نیروهای متعهد و علاقمند به انقلاب را در سراسر کشور گشود و پیوند داده و بصورت یک تن واحد در می‌آورد و تمام این نیروها را در مقابل توطئه‌ها بسیج می‌کند و خود بصورت حلقه‌ای سرگرد رهبری در آمده و نه این ترتیب نقش عظیم خود را در زمینه‌های سیاسی و تبلیغاتی بازی می‌کند و تاریخ ۷ ساله انقلاب ما آمیخته با تاریخ حزب است. و تاریخ حزب جدای از تاریخ انقلاب نیست. و باید اضافه کنم که سر و شوش حزب آمیخته با مردانی چون شهید

استکبار جهانی و ابیادی داخلی آن تا چه حد بوده و هست؟

ج- اولاً حزب نقش افشاگری در مقاله سا حریانات انحرافی داشته است. هر جا توطئه‌ای شکل می‌گرفت حزب برای مقابله با آن حضور داشت چه از طریق روزنامه و چه از طریق تشکیلات و عملاً اصیل‌ترین شعارهای

انقلاب را مد نظر داشته است که خود دادن این شعارها و پاسداری از آن اثر گذاری خوبی بر نیروهای حزب‌اله و خط امام داشته است.

نیروهایی بودند که در حزب فعالیت نمی‌کردند ولی حزب اثر گذاری وسیعی در بین آنها داشت.

س- موقعیت کنونی حزب را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج- حزب اکنون بهره می‌برد از آن همه تلاش عظیمی که در گذشته کرده است، اما آیا از همه امکانات

احساس نمی‌کنیم که بی مسجد دانشجویان است یا مسجد کارگرا و سکنه احساس می‌کنیم مسکن مقدسی است که تمام نیروها حول محور خدا مجتمع هستند.

حزب در زمینه تشکیلات موفقیت‌هایی بدست آورده ولی نباید تحرک بیشتری برای تشکل دادن به نیروهایی که به حزب علاقمندند انجام دهد.

حزب بصورت یک نیروی

بر ر خاطرات است و ما هم مواج هستیم با خاطرات زیاد.

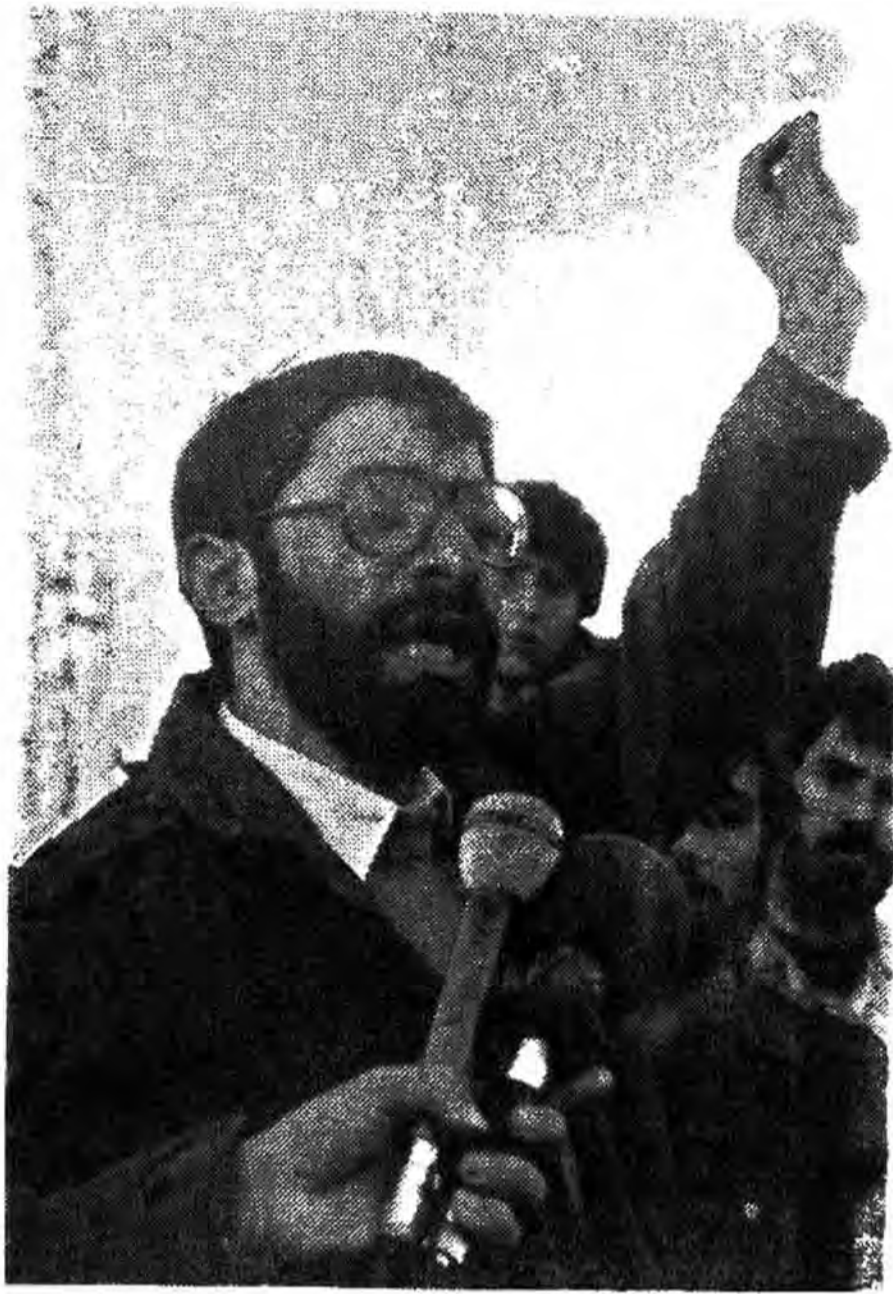
اما انسان به فکر بر حسته‌ترین خاطره است و من آن شب انحراف حزب زیاد می‌آورم. آن شب من در روزنامه بودم و زمانیکه خبر انحراف حزب را آوردند بچه‌ها گریه می‌کردند و همیطور خبر شهادت افراد را یکی پس از دیگری می‌آوردند شهید منتظری، کلانتری و ... تا اینکه ساعت ۲/۵ نیمه شد

● حزب پایگاهی شد برای عموم مردم و آرمانهای اصیل انقلاب اسلامی که مورد هجوم گروهکهای ضد انقلاب قرار گرفته بود.

● همانطور که در مردم یک احساس اطمینان نسبت به مساجد است در رابطه با حزب همین احساس در مردم وجود دارد.

شهید رحائی نفس کرد گفت که بدن بهشتی دیدم. قبل از اینکه ایشان خبر شهادت آقای بهشتی را

تعیین کرده در عرصه سیاسی جامعه ما حضور دارد. و اگر از طریق ارکان



«سپاه پاسداران بحالت پیدا کرده و ایشان گفتند در شورای انقلاب بحث بر سر این بود که سپاه پاسداران زیر نظر دولت موقت باشد یا شورای انقلاب که سلا حره زیر نظر شورای انقلاب آمد.

و خاطره دیگر اینکه فردای شب حمله عراق به کشورمان بود که طبیعتاً آشفتگی وجود داشت شورای مرکزی حزب تشکیل جلسه داد یک چراغ ریسوری هم روشن کردیم و گذاشتیم زیر میز که نور آن از بیرون پیدا می‌باشد. در این جلسه بحث حمله شد و این نتیجه در شورای مرکزی گرفته شد که اگر عراق آنقدر پیشروی نکند که حتی تهران را تصرف کند ما تسلیم خواهیم شد.

که مره آن تصمیم هنوز برقرار است. خیلی تصمیم محکمی بود.

وقتی آن شب از جلسه بیرون می‌آمدم احساس عجیبی داشتم. و این روحیه در تمام ملت ما بود و علت پیروزی ما هم همین روحیه بود و از آنجا که در جلسه آن شب عناصر تعیین کننده و عدای از مسئولین مملکت شرکت داشتند پی می‌بریم که تصمیم آن شب چه تأثیر مهم و سر نوشت ساری در آینده جنگ داشت. در آن شب شهید بهشتی حضور داشت و خود ایشان مطالب را جمع‌بندی می‌کردند و در پایان با آن صدای رسای خود گفتند: «پس تصمیم بر آن شد که اگر عراق تهران را هم تصرف کرد ما تسلیم نمی‌شویم».

سپس همه صلوات فرستادند.

س- آیا گنگره حزب تشکیل خواهد شد؟

ج- انشاءالله گنگره تشکیل خواهد شد. آئین‌نامه و برنامه‌های در دست بررسی و تهیه است و در این زمینه پیشرفت‌های خیلی خوبی هم داشته است.

● در سال ۶۰ شعاری که گروهک منافقین انتخاب کرد، نابودی حزب بود.

● بعد از ضربه سختی که به حزب وارد شد بواسطه پیوستگی حزب به رهبری و مردم توانست روی پای خودش استوار و مقاوم بایستد.

● حزب جمهوری اسلامی سعی کرده است تمام حملات ضد انقلاب را به جان بخورد و بصورت یک تشکلی برای مقابله با حملات باشد.

● تاریخ ۷ ساله انقلاب ما آمیخته با تاریخ حزب است و تاریخ حزب جدای از تاریخ انقلاب نیست.

مهندس موسوی: تاریخ چهار ساله انقلاب ما آمیخته با تاریخ حزب است

● سر نوشت حزب آمیخته با مردانی چون شهید بهشتی‌ها، شهید باهنرها و هاشمی‌ها و خامنه‌ای‌ها است.

● تصور نکنیم بدون وجود روحانیتی متعهد و نا این اندازه فداکار و ایثارگر، حزب می‌توانست تشکل پیدا کند و نقش عظیم خود را ایفا کند.

● هر جا توطئه‌ای شکل گرفته است حزب برای مقابله با آن حضور داشته است.

● حزب باید تحرک بیشتری داشته باشد و باید تلاش کند آن ملت مسجده را حفظ کند.

که چه کسانی در شورای انقلاب هستند و خود من هم یکی دو ماه بعد از تشکل شورای انقلاب وارد آن شدم و ...

آخر که از شورای انقلاب بیرون آمدم کسی از اعضای شورای مرکزی حزب مطلع شد یک شب که آقای بهشتی و آقای رفسحانی که در شورای مرکزی جلسه داشتند آمدند و آقای بهشتی گفتند

بدهد باور نمی‌کردم. اما بالاخره حزب به‌عنوان حرکت عظیم نیروهای حزب‌اله در سطح جامعه این صریح را تحمل کرد ولی این ضرب‌های بود بر همه ملت ایران. و در حقیقت این ملت بود که این حادثه را تحمل کرد و روی پای خودش ایستاد.

البته خاطرات حوشی هم با برادران حزبی داریم. یادم هست زمانی در شورای مرکزی حزب مشخص نبود



خودش تحرک لازم را کسب کند مخصوصاً در زمینه تشکیلات و مسائل را کسب کند. ایدئولوژیک می‌تواند آن نقش چهار سال گذشته داشته، حفظ کند.

س- خاطرات شما از حزب چیست؟

ج- از آنجائیکه انقلاب ما انقلاب پرتلاطمی بوده و هر کس که به زندگی ۷ ساله خودش بنگرد خواهد دید که

بالقوه خودش استفاده می‌کند برای این‌گونه رشد خودش را عمیقتر کند در این زمینه شک دارم.

بظن من حزب باید تحرک بیشتری داشته باشد. باید تلاش بیشتری صورت گیرد تا آن بافت مسجده که وجود داشت در داخل حزب حفظ شود و حزب بصورت تشکل افشار خاص و متمایزی در بیاید و بلکه همانطور که وقتی وارد مسجدی می‌شویم

بهشتی‌ها و شهید باهنرها و هاشمی‌ها و خامنه‌ای‌هاست. اگر ما نقش روحانیوسی را که در رأس حزب بودند و هستند از یاد ببریم دچار خیال پردازی خواهیم شد. تصور نکنیم بدون وجود روحانیتی متعهد و نا این اندازه فداکار و ایثارگر، حزب می‌توانست تشکل پیدا کند و نقش عظیم خود را ایفا کند.

س- نقش حزب در غنشی کردن توطئه‌های

آقای اکبر پرورش عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی:

شهید مظلوم بهشتی فکری منسجم داشت و سالهای سال برای انقلاب اسلامی

ایران اطلاعات و فکر خود را دسته بندی کرده بود

آقای سید اکبر پرورش وزیر آموزش و پرورش و عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی در مصاحبه‌های اختصاصی با خبرنگار «جمهوری اسلامی» نقطه نظرهای خود را پیرامون حزب جمهوری اسلامی بیان نمود.

آقای پرورش ابتدا در مورد ریشمیایی هدف از تشکیل حزب جمهوری اسلامی اظهار داشت:

بسمالله الرحمن الرحیم - سلام بر همه پیامبران بزرگوار و طلابداران نور و سلام بر همه شهیدان راه فضیلت و سلام بر آخرین ذخیره خداوندی و نایب از جمدش. باید عرض کنم که من در روزهای اول تشکیل حزب نبودم، اما آنطور که در جریان امر قرار گرفتم، هدف از تشکیل حزب خیلی روشن است میدانید که ما دستوری در اسلام داریم که امر به معروف و نهی از منکر یک امر واجب است با توجه به اینکه امر به معروف و نهی از منکر شاید بالاترین عبادت باشد و نظام و قوام هر جامعه‌ای به آن بستگی دارد از این جهت اگر این عبادت عظیم به صورت انفرادی انجام بگیرد کارایی آن کم و طبیعی است که اگر افرادی دور هم جمع شوند و یک اجتماع معقول و منطقی و اسلامی داشته باشند میتوانند این مفهوم را عالی‌تر و والاتر در سطح جامعه تحقق بخشند.

ریشه یابی هدف از تشکیل حزب

قاعدتاً وقتی هدف از تشکیل حزب را ریشمیایی کنیم در کلیتش همین است که امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه به وسیله یک گروه و یا یک جمعیتی که دور هم جمع شده‌اند بهتر تحقق پیدا می‌کند. طبیعی است که در این زمینه باید ارتباطاتی وجود داشته باشد یکی ارتباط هم فرد با خودش زیرا که در اسلام اجازه ندادند فرد در گروه ذوب شود و در حقیقت تبدیل به مهره گردد.

در عین حال که یک فعالیت گروهی و حزبی و تشکیلاتی اسلامی دارد بایستی به فکر ارتباط خودش هم باشد و کاملاً به مسائل روحی و سازندگی خودش نیز توجه عمیق داشته باشد.

مسئله دوم ارتباط افراد گروه یا حزب با خودشان است که باید این ارتباطها را بشناسند، کشف کنند و بدانند که چگونه بایستی بر روی یکدیگر اثر بگذارند و در جهت رشد و تعالی یکدیگر که همان رشد و تعالی حرکت گروهیست مؤثر باشد.

مسئله سوم ارتباط این افراد با جامعه است و با سایر کسانی که در این تشکیلات وارد نشده‌اند بایستی یک ارتباط بسیار منطقی و اصولی و الهی برقرار باشد و ارتباط چهارم هم ارتباط این مجموعه با ایدئولوژی و عقیده و در حقیقت با مفهوم اسلامی قضیه است که باید این مفاهیم را بشناسند. بنابراین اگر ماریش‌یابی کنیم می‌بینیم که در مجموع مواضع یا اساسنامه یا آئین‌نامه‌های داخلی حزب در حقیقت همین کلیت را به صورتهای مختلفی بیان کرده و هدف هم همین بوده است.

اهداف حزب جمهوری اسلامی

اهدافی که حزب جمهوری اسلامی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی داشته است، مجموع آن اهداف پیاده نشده ولی چیزی را که باید باصراحت ادعا کرد این بوده که حزب تمام امکانات و مقدراتش را بسج کرده تا اهدافی که مورد نظرش بوده که همان اهداف اسلامی است تعقیب کند و تا آنجا که من اطلاع دارم از این اهداف عدول نکرده است و امیدواریم که عدول هم نکند زیرا اگر قرار باشد از اهداف کلی خود که همان اهداف اسلامی است خارج شود دیگر حزب جمهوری اسلامی نیست.

در حقیقت حزب از یک سری عناصر بسیار جالبی در راس برخوردار بود که ما یادمان هست در راس حزب عنصر بسیار عظیمی همچون شهید مظلوم آیت الله بهشتی وجود داشت که در حقیقت یک امت بود یعنی از نظر تشکیلاتی آگاهی کامل داشت، سالها در این زمینه کار کرده بود و اطلاعات و فکر منسجمی داشت و در حقیقت یک مجموعه‌ای بود که خداوند در وجود ایشان جمع کرده بود. دشمن با توجه به شناختی که از این مرد الهی پیدا کرد و مخصوصاً در رابطه با مجلس خبرگان سعی کرد تا همه حملات را متوجه ایشان و دوستان و پارانشان بکند که هر کدام از آنها هم خورشیدهای درخشانی بودند و هستند مثل برادرمان آقای خامنه‌ای رئیس جمهور محترم، مثل ... درمان آقای رفسنجانی و مثل شخصیت‌های دیگری که

در این حزب وجود داشتند و دارند. دشمن سعی کرد که تمام برنامه‌های خودش را به صورت منافقانه پیاده کند و حرکت کند و در حقیقت حرکت انقلاب اسلامی را از درون بیسوساند اینجا بود که متوجه یک سری شخصیت‌های عظیمی شد که کاملاً دستش را خوانده بودند.

مقابله ایمان و کفر

حرکت انقلاب اسلامی ایران درست مثل حرکت اسلام در آغاز با کفر مقابله داشت یعنی مقابله ایمان در برابر کفر بود.

اینجا مسلمانان از کفر نگران بودند، نور نبوت تابید و چهره کفر مشخص شد و مسلمانهایی که تا دیروز از کفر و نظام کفر نگران بودند و هم خود را شناخته بودند و هم کفر را، از این جهت بر کفر پیروز شدند.

کسانی که در حزب جمهوری اسلامی کار کرده‌اند بدلیل دیدن فراز و نشیب‌ها از افراد صیقل یافته بسیار والایی هستند.

عده‌ای از مردم تحت تاثیر نیرنگها و فریب‌هایی که منافقین ایجاد کرده بودند، نسبت به حزب بدبین بودند ولی وقتی که متوجه شدند اینطرف افرادی که مدت‌ها مورد حمله و هجمه بودند و دشنام شنیدند و جان بر سر راهشان باختند توانستند بفهمند دوست کیست و دشمن کیست و این مساله بهترین معرف بود.

حزب جمهوری اسلامی با این سرمایه‌ای که برای تحقق آرمانهای اسلامی تقدیم انقلاب کرد خیلی سنگین شد. چهره منافق چهره خطرناکی است برای اینکه بزودی شناخته نمیشود.



مرحله دوم مقابله ایمان با نفاق بود که نفاق اینجا به صورت کفر عمل نمی‌کرد چون کفر بیرون دایره اسلام است و نفاق در داخل راه پیدا کرده بود. قرآن کریم این نوع دشمنی با اسلام را سحت‌تر می‌شناسد در عین حال به مسلمانان فرمود «هم العدو» دشمن اینها هستند «فاحذرهم» پیغمبر حواست را جمع اینها بکن. چهره منافق

چهره خطرناکی است زیرا بزودی شناخته نمی‌شود. از این جهت مسلمانهایی که بر کفر پیروز شده بودند نگران بودند که در برخورد با نفاق چه باید بکنند، باز نور نبوت تابید و در سیزده سوره از قرآن از منافق سخن گفته شد ترفندها، شگردها، مکرها و خدعه‌های منافق برشمرده شد تا اینکه مسلمانان در جنگ و مقابله ایمان و نفاق هم پیروز شدند.

تیرهای نامرئی

با توجه به این نکته ما میدانیم که حرکت‌های منافقانه همیشه خطرناک‌تر است، از این جهت وقتی حرکت‌های منافقانه بعد از کفر جهانی شروع شد منافق با حرکت منافقانه برخورد می‌کرد به یک دسته از افراد و شخصیت‌هایی که دستش را میتوانستند بخوانند. چون حرکت منافقانه تیرهای نامرئی است که از تاریکی به روشنائی می‌زند که انسانهای بسیار کار کرده و مجرب می‌خواهد که این تیرهای نامرئی را بشناسند که از کجا می‌آید.

برادر شهیدمان حضرت آیت‌الله بهشتی اینها را می‌شناخت و همچنین سایر برادران دیگرمان به خوبی اینها را می‌شناختند در نتیجه دشمن متوجه می‌شد که اگر ماسکی به صورتش می‌زند این ممکن است چندصباحی توده مردم را فریب دهد اما این گروه و جمعیتی را که متحد شده بودند و از قبل هم این اتحاد آنها ریشه‌دار بود فریب نمی‌خوردند.

لذا منافقین با حرکت تشکیلاتشان سعی می‌کردند که تمام این ترفندها را به صورتهای مختلف بیان کنند، در نتیجه دشمن سعی می‌کرد تمام مقابله خودش را با حزب جمهوری اسلامی و مخصوصاً شخصیت‌های عظیم و به ویژه حرکت آیت‌الله بهشتی به آن سمت کانون بدهد. من یادم هست که یک روز خدمت آیت‌الله بهشتی رسیدم دیدم که صورت این مرد زرد شده بود با اینکه کسی این مرد را هیچگاه نیافت که خسته باشد.

تعبیر شهید مظلوم بهشتی

آن روز صورت این مرد را دیدم که حالت گرفتاری داشت. ایشان یک مسئله‌ای را از من خواستند سؤال بکنند، به جای اینکه من توضیح بدهم گفتم که آقا این حزب جمهوری اسلامی هم کیسه بکس همه گروهها شده است و ایشان از این تعبیر من خیلی خوشش آمد و فرمودند بله تعبیری بود که در ذهنم بود ولی بیان نکرده بودم که شما بیان کردید.

اصولاً بعد از یک حرکت عظیم مردمی و یک انقلاب امثال این گروهکها با یکدیگر هم‌بیمان می‌شوند. و واقعا معلوم بود که در آن راستا همه اینها باهم هم‌بیمان شده بودند برای از بین بردن این تشکیلات و به ویژه برای از بین بردن این شخصیتها چون آنان را مانع راه خودشان می‌شناختند. از این جهت معتقدم که حزب جمهوری اسلامی بیخ و خها و فراز و نشیبهای زیادی دید و در حقیقت خیلی مشت خورد خیلی دشنام شنید و به همین دلیل هم بدون گرایش غیر منطقی با اینکه نمی‌خواهم گروههای دیگر را خدای نکرده تخطئه بکنم ولی کسانی که در حزب جمهوری اسلامی کار کرده‌اند و به آن نیت آمده‌اند و ایستاده‌اند چون زیر و بم و فراز و نشیب را زیاد دیدند معتقدم که غالباً از افراد صیقل یافته بسیار والایی هستند. به این جهت حزب جمهوری اسلامی در این رابطه حرکت بسیار دقیقی داشت و در عین حالی که سعی می‌کرد توضیحات کافی برای مردم بدهد و تثبیت شدن نظام را به مخاطره نیفتد لذا گاهی حرکت خودش را در سکوت می‌دید.

دوست و دشمن

آقای پرورش در پاسخ به این سؤال که اعتبار حزب در بین مردم و همچنین دید مردم نسبت به حزب چگونه است اظهار داشت:

اصولاً مردم طرفدار این حزب هستند و عده‌ای هم تحت تاثیر نیرنگها و فریب‌هایی که عناصر منافقین ایجاد کرده بودند نسبت به حزب بدبینی داشتند ولی بعداً وقتی که حرکت منافقین را دریافتند متوجه شدند که تمام تبلیغاتی که انجام شده بود این تبلیغات نقش خودش را از دست داد و مخصوصاً دریافتند که این طرف افرادی که مدت‌ها مورد حمله و هجمه بودند و دشنام می‌شنیدید جان بر سر راهشان باختند. این در حقیقت بهترین معرف بود مردمیکه هوشیار بودند بفهمند دوست کیست و دشمن

کیست. وقتی که مردم این را فهمیدند طبیعی است که حرب با این سرمایه‌های که تقدیم کرد برای تحقق آرمانهای اسلامی خیلی سنگین شد و خیلی از مردم گرایششان بیشتر شد و طبیعی است که مردم منطبق با فطرتشان عمل می‌کنند و هر وقت دیدند که حرب صادقانه راهش را می‌برد و علاقه‌مند هستند و هر وقت هم که متوجه شدند که افراد و عناصرش از آن خط اصیل الهی عدول کردند باز طبیعی است که مردم برمی‌گردند. مردم تابع اسلام هستند و علاقه‌مند به مبانی دین هستند و هر قطره‌ای که به اقیانوس اسلام پیوسته او را دوست می‌دارند و هر کسی که آمده است «اشفته بازاری ایجاد کند و خودی نشان دهد هم دستش رو در می‌شود و همه مردم او را رد می‌شناسند. از این جهت من فکر می‌کنم در حال حاضر حرب از اعتبار خوبی در بین مردم برخوردار است اما شرطش این است که عناصر حرب بر سر این سفره ننشینند و فقط کارشان مصرف باشد. اگر تولید نکنند و بر سرمایه اصلی بیفزایند طبیعی است یک روز ممکن است این سرمایه هر چقدر هم عظیم باشد از بین برود.

شهید مظلوم بهشتی فکری منسجم داشت و سالهای سال برای انقلاب اسلامی ایران اطلاعات و فکر خود را دسته‌بندی کرده بود

برادر پرورش در خصوص این سؤال که چه شد شما به حزب پیوستید افزود:
من سالهای سال افتخار داشتم که در خدمت شهید آیتالله بهشتی باشم چون در اصفهان با ایشان هم محله‌ای بودم و یادم هست که ایشان عصرهای جمعه در مسجد چهارسو تفسیر می‌گفتند و سخنرانی می‌کردند، ایشان از همان روزها برنامه‌ریزی می‌کردند.
من در جلسات ایشان شرکت می‌کردم و ایشان اگر احياناً می‌دیدند کسی ممکن است یک زمینه‌ای برای رشد داشته باشد سعی می‌کردند آن زمینه را تقویت کنند.

● خصوصیات شهید مظلوم
از خصوصیات دیگر شهید آیتالله بهشتی این بود که به افراد زیادی علاقه‌مند می‌شدند و آنها را به خود جذب می‌کردند ایشان از هر طبقه دوستان فراوانی داشتند من معتقدم که اگر از همه کسانی که به نوعی نامرحوم شهید بهشتی ارتباط داشتند شما اکنون سؤال کنید که آقای بهشتی از همه بیشتر چه کسی را دوست می‌داشت بی شک هر کس می‌گوید مرا و این آرزوی هر کسی است که ایشان بود برای اینکه برخورداری ایشان آنقدر جادو داشت که هر فرد فکری می‌کرد که تنها اوست که مورد لطف و محبت قرار گرفته است در حالیکه دیگران هم از محبت ایشان برخوردار می‌شدند.
شهید آیتالله بهشتی مرا به برادر شهیدمان آقای باهنر معرفی کردند و از من خواسته بودند کار تشکیلاتی و گروهی را با حزب شروع کنم. یک شب هم در منزل خود شهید آیتالله بهشتی که سه یا چهار نفر بودیم که توضیحاتی در این زمینه دادند و ما آماده شدیم که در خدمت برادران کار تشکیلاتی و گروهی را داشته باشیم چون من علاقه‌مند به کار تشکیلاتی بوده و هستم و میدانم که بایستی با کمک دیگران جلو رفت و معتقدم که در یک تشکیلات سالم رشد فرد به خوبی تامین میشود، از این جهت پذیرفتم که در خدمت برادران در حزب جمهوری اسلامی باشم.
سپس آقای پرورش خاطراتش را از حزب و همچنین شهید آیتالله بهشتی این چنین بازگو کرد:

من در جمع شهید مظلوم را ایس طور یافته‌ام که ایشان واقعاً یک مراد، یک پیرو بود و غلش این بود که شهید بهشتی هر کس را می‌دید و می‌یافت بیشتر به قسمت رشد او توجه داشت و ایشان آن قسمت‌های مثبت در افراد را رشد می‌داد و فرد را به ویژگیهای خویش آگاهی می‌داد و در رهبریهای می‌گوشید که صفات منفی افراد را تحت

تأثیر صفات رشد یافته مثبت او قرار دهد.
آرزوی‌های ایشان این بود که فکر منسجمی داشت گویا سالهای سال برای انقلاب اسلامی ایران اطلاعات و فکر خودش را دسته‌بندی کرده بود که الان غیر از افراد معدودی، کم می‌بینیم کسانی را که منسجم فکر کنند.
از خصوصیات دیگر ایشان این بود که ذهنشان بایگانی عجیبی داشت یعنی اگر می‌رفتند در یک شهری دور افتاده یا افرادی مانوس می‌شدند و خصوصیاتش را می‌پرسیدند و این را صبط می‌کردند بعد از شش ماه افراد می‌گفتند برای این کار کسی گیر نمی‌آید، ایشان می‌گفتند که در فلان شهر آقای فلان کس هست و برای این کار خوب است و همه تعجب می‌کردند.

● حلم و شکیبائی

دیگر از خصوصیات ایشان حلمی بود که مرحوم شهید آیتالله بهشتی رضوان الله علیه داشت می‌دانید که حلم و صبر گاهی بر اساس سعادت به افراد داده می‌شود و گاهی بر اساس فضیلت، مثلاً یک کسی هست که طبیعتاً خونسرد

- نظام و قوام هر جامعه بسته به امر معروف و نهی از منکر است
- امر به معروف و نهی از منکر بوسیله یک جمعیت متشکل بهتر تحقق پیدا می‌کند
- در راس حزب جمهوری اسلامی عنصر بسیار عظیمی همچون شهید مظلوم آیت الله بهشتی وجود داشت که در حقیقت یک امت بود.
- انقلاب اسلامی ایران درست مثل حرکت اسلام در آغاز با کفر مقابله داشت
- کفر بیرون از دایره اسلام و نفاق در داخل است.
- حرکت‌های منافقانه تیره‌های نامرئی است که از تاریکی به روشنائی زده می‌شود و انسانهای مجربی می‌خواهد که این تیره‌های نامرئی را بشناسند و شهید مظلوم حضرت آیتالله بهشتی این حرکت‌های منافقانه بخوبی می‌شناخت.

وصابر است و من این را فضیلت نمی‌دانم سعادت می‌دانم اما آن چیزی که اسلام توجه دارد مسئله فضیلت آن صفات است یعنی اگر این سعادت را آرام آرام تبدیلش بکند به فضیلت یعنی یک امر انکسائی نکند و سر آن سیافراید این خیلی ارزشمند است، شهید مظلوم حمیر مایه‌شان ظاهراً این بوده که خداوند از یک صفات خوبی ایشان را بر خوردار کرده بود منتهی ایشان به آن داده‌ها اکتفا نکرده بودند و بر اساس همان خواستنی که انسان دارد و می‌تواند سرمایه‌هایش را افزون کند و یکی از سستیهای خداوند هم همین است، ایشان آن سرمایه اولی را خیلی افزون کرده بود و انصافاً یک انسانی بود که به همه جهات می‌شد لفظ صبور و شکیبا را در مورد ایشان به کار برد و تعبیر دیگری که من دارم این است که یک انسان صامد و تو پری بود؛ اصولاً انسانهایی که تو پری هستند در مقابل حوادث که قرار

- مردم منطبق با فطرتشان عمل می‌کنند و هر وقت دیدند که حزب صادقانه راهش را می‌برد علاقه‌مند هستند و هر وقت هم که متوجه شدند که افراد و عناصرش از آن خط اصیل الهی عدول کرده‌اند طبیعی است که بر می‌گردند.
- من معتقدم در یک تشکیلات سالم رشد فرد بخوبی تامین میشود و از این جهت پذیرفتم که در خدمت حزب جمهوری اسلامی باشم.
- در حال حاضر حزب جمهوری اسلامی از اعتبار خوبی در بین مردم برخوردار است.

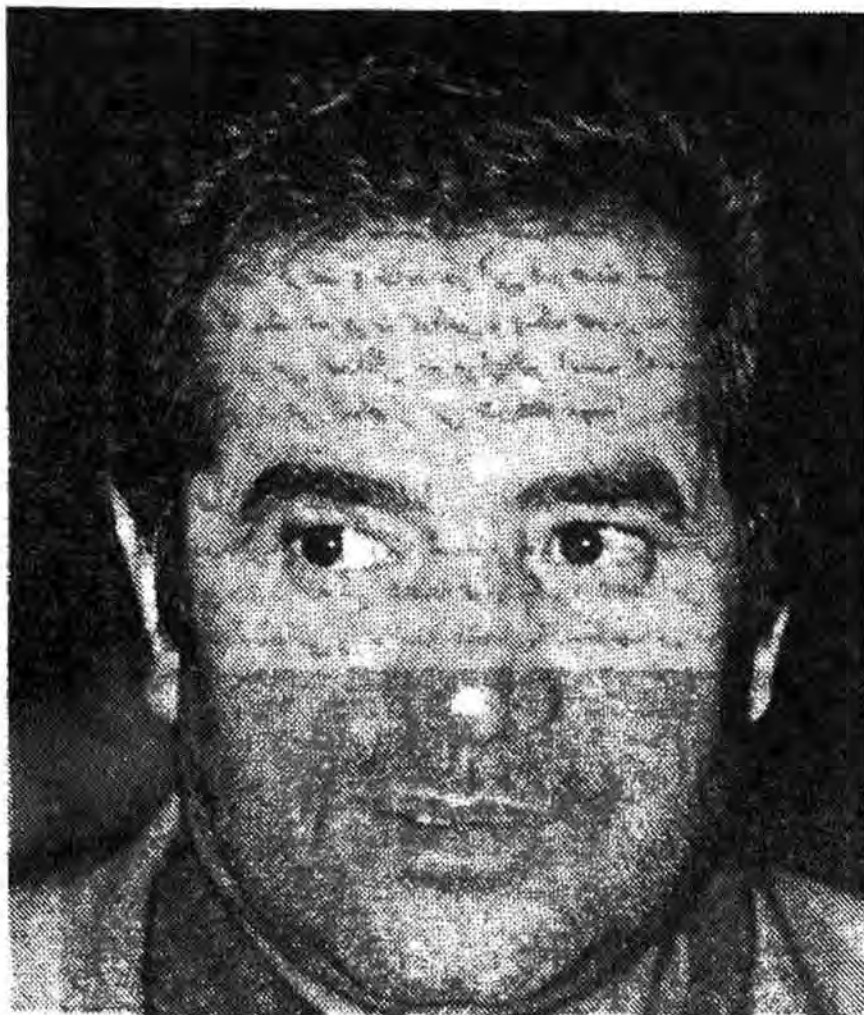
می‌گیرند حوادث آنها را نمی‌بلعد بلکه آنها حوادث را می‌بلعد یعنی حادثه نمی‌آید او را بیچاره و درمانده کند و این کاملاً مشهود بود در این مرد خدا که رویدادها و رخدادها او را از پای نمی‌انداخت و مجموعاً گردآنها و گردبادها او را نمی‌تاباند بلکه او بود که در جریان‌ها که قرار می‌گرفت به راحتی می‌توانست بر اساس همان تو پری بودن خودش تصمیم بگیرد.

● خاطراتی از شهید بهشتی

من بعد از شهادت آیت الله بهشتی باز از ایشان خاطره

دارم چندین بار ایشان را خواب دیدم شاید این را به اعتبار علاقه‌ای است که به ایشان داشتم. از مجموعه خوابهایی که هر کدامش برای من خیلی جالب و ارزنده بود یکی از آنها را نقل می‌کنم که بر سر سفرهای بود و من در کنار ایشان نشسته بودم و من یک مسئله‌ای را مطرح کردم، ایشان به جای آنکه آن مسئله را جواب دهند، به من گفتند که هیچ می‌دانی که جالب نیست که انسان هر گاه‌ای را خودش گردن بگیرد. بعد ایشان توضیح دادند و گفتند که گاهی فرد گناهی نکرده و به خیالش تقصیر کار خودش است و این در حقیقت خود کم بینی ایجاد می‌کند، انسان نباید خودش را بزرگ تر از همه ببیند و نه باید کوچکتر از همه بداند، انسان باید بداند که مانند دیگران است حق گردن کسی ندارد حق این را هم که بگوید نه من به درد نمی‌خورم و من بیچاره‌ام و درمانده‌ام ندارم.

بایستی خودش را گشفت کند و بر اساس استعدادش حرکت کند و ایمن درسی نبود که ایشان به من دادند.



به هر جهت از راهمائی‌های این بررگوار بعد از شهادتش هم برخوردار بودیم که خداوند به عرامیر المومنین همه ما را از راهمائی‌های این شهیدان برخوردار کند و در حقیقت از بشارت آنها سرشار کند که البته رهمود را این افراد باید بدهد ریرا ایسها راه را رفتانند.

وزیر آموزش و پرورش سپس با اشاره به عملکرد منافقین و شایعه پراکنی در سطح جامعه و جنگونگی انتقال شایعه توسط قشرهای ناآگاه افزود: من معتقدم که در حرکت‌های منافقانه هسته‌های مرکزی که در کاخ ریاست جمهوری در رابطه با بی‌صدر تشکیل می‌شد اینها هسته‌های مرکزی بودند و میرگرد داشتند و شایعه‌ها را می‌پختند و این را می‌دادند به بیمار دلالان جامعه و به افراد سستی‌محتوا و آنها را تحت تأثیر قرار می‌دادند و این مساله در سطح جامعه نشر پیدا می‌کرد.

● درسی از امام حسین (ع)

حالا حرکت نفاق را چگونه می‌شود از بین برد خوب معتقد هستم که گاهی حرکت نفاق را می‌شود با سخنرانی حلایش را گرفت اما این مال وقتی است که زیاد قدرت نداشته باشند. اما گاهی انسان در یک مقطعی قرار می‌گیرد که می‌باید یک خون بزرگ می‌خواهد که این حرکت را شستشو بدهد لذا شما می‌باید که خود امام حسین (ع) وقتی می‌خواستند بیابند این ماسکها را پاره کنند فرمودند که من می‌خواهم بروم یک مبارزای این چنین را آغاز کنم طرف من هم یک کسی است که سالهاست که ادعای اسلامیت داشته است.

این ماسکها باید دریده شود فرمودند من کان باذلا فینا فیه حجه هر کس حاضر است خون بدهد بیاید. پیدا است که در یک مقطعی خون است که شستشو می‌دهد و من معتقدم که خون شهید آیتالله بهشتی رضوان الله علیه خون شهید رجائی و خون شهید باهنر و خونهای عزیزان دیگری که در حزب جمهوری اسلامی ریخته شد سهم بسیار بسیار عظیمی در شستشو دادن فرهنگ سنی‌صدری و فرهنگ نفاق داشت و خلاصه کار هزاران سخنران را که باید در دهها سال انجام بدهند تا برای مردم روشن شود، این مساله یک شبه ره صدساله را طی کرد و به حول و قوه خداوند این فرهنگ را شستشو داد و الحمدلله ملت را بر این مسئله آگاه کرد. این هم تأثیراتی که تا به حال توانستام بفهمم، البته اینکه چه اثری داشت کل این اثرات در دست با کفایت و قدرت حکیمانه خلاق صدر خدولوند متعال است که می‌دانند که چه می‌کنند.

حزب جمهوری اسلامی؛ کانون نگهداری اندیشه‌ها، انگیزه‌ها و حرکتهای امت در خط اصیل امامت

مصاحبه‌ای اختصاصی با آقای عسکراولادی عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی

آقای حبیب‌الله عسکر اولادی عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی وزیر محترم وزارت بازرگانی صنایع شرکت در یک مصاحبه اختصاصی به سئوالات گوناگون خبرنگار ما پیرامون لزوم ضرورت تشکیلات، نقش حزب جمهوری اسلامی در خنثی سازی توطئه‌ها، مخالفین تشکل نقش حزب در جامعه و... پاسخ گفت و اینک متن کامل این مصاحبه از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد.

بنظر شما در یک جامعه اسلامی ضرورت تشکیلات تا چه حدی احساس می‌شود و مخالفین این تشکل چه کسانی هستند؟
بسم الله الرحمن الرحیم
با سلام به رزمندگان خداجویان در میدان‌های نبرد و سلام به همه پاسداران انقلابان در پشت جبهه در خطوط ترسیم شده در هر لباس توسط ولی فقیه. باید عرض کنم که برای اثبات ضرورت تشکیلات جبهه‌های مختلفی را می‌توان در نظر گرفت و شاید در این فرصت کوتاه بتوان عنوان کرد که یک ضرورت عقلی و یک ضرورت تجربی و یک ضرورت شرعی حداقل ضرورت‌هایی است که میتوان بر شمرد و در مورد هر کدام از این جنبه‌ها میتوان به تفصیل سخن گفت:

از نظر ضرورت عقلی قطعاً انسان اجتماعی آفریده شده و اجتماعی باید ریست کند و کمال هر انسان وقتی امکان تحقق دارد که در جامعه قرار بگیرد قطعاً این جامعه باید یک وحدت‌هایی را داشته باشد تا انسان‌های عضو آن

یکی از اصیل‌ترین نقش‌های حزب جمهوری اسلامی در جامعه، نگهداری خط امام، خط ولی فقیه بوده است.
وقتی لیبرال‌ها، چپ‌زده‌ها، راست‌زده‌ها، ملیت‌زده‌ها می‌دیدند یک نگهبان اصیلی بنام حزب جمهوری اسلامی در کنار خط امام ایستاده و از آن مراقبت می‌کند با آن بی‌شکست مبارزه می‌کردند.
یکی از کانون‌هایی که اندیشه‌ها، انگیزه‌ها و حرکتهای امت را توانست در خط اصیل امامت نگهدارد غیر از خود امام، حزب جمهوری اسلامی بود.
هدف اصلی تمام نیروهای ضدالسلطه آسیب‌زدن به حزب جمهوری اسلامی این کانون نگهبان خط امامت و به یکی از تجسم‌های حزب جمهوری اسلامی شهید بهشتی بود.
یکی از کانون‌های «چهره در» بسفیر از موضع‌گیری‌های امام، حزب جمهوری اسلامی بود.

جامعه به طرف کمال بروند و حداقل چیریکه عقلا برای یک حزب و تشکیلات فرض می‌شود وحدت در هدف وحدت در مسیر وحدت در رهبریست.

و عقل سلیم حکم می‌کند انسان اگر به جانب کمال می‌خواهد طی مسیر کند باید در جامعه‌ای که به وحدت را حداقل دارد شرکت داشته باشد تا بتواند کمال خودش را بیابد. یعنی بجانب هدفی مشخص از طریق مشخص، با رهبری حساب شده و واحد.

از نظر جنبه تجربی باید گذرا عرض کنم که هر ملتی در تجربه بشری اگر چنین مجتمعی را داشته باشد توفیق‌هایی را به دست آورده و تا زمانیکه چنین تشکیلات و چنین شکلی را نداشته باشد حفظ کند مثبتات و کمالات خودش را نیز توانسته است حفظ کند.

تجربه بشر این مطلب را اثبات می‌کند که اگر ملتی وحدت هدف نداشت، اگر ملتی وحدت‌تراه نداشت، اگر ملتی وحدت رهبری نداشت نتوانسته است به کمال خودش برسد.

قرآن عظیم و مساله حزب
اما از جنبه شرعی دستوراتی که قرآن عظیم به ما می‌دهد در مورد حزب به خصوص در این آیه شریفه و من يتول الله ورسوله والذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون. که ترجمه کوتاه و در حد توان حقیر هر کس ولایت خدا را پذیرفت و ولایت رسول را گردن نهاد و ولایت مؤمنان راستین را تعهد کرد به یقین حزب‌الله‌ها خواهند بود. باز در اینجا میتوانیم به میزان ظرفیت خودمان درک کنیم که آیه این سه وحدت را به عنوان سه ولایت معرفی

فرموده است. ولایت خدا، ولایت رسول، ولایت امام معصوم و در زمان غیبت ولایت فقیه.

از کجا به ولایت امام معصوم پی می‌بریم؟ ان‌الذین آمنوا که در میان آیه آمده است از ائمه معصومین نقل شده بحی‌الذین آمنوا که این الذین آمنوا ما هستیم.

بنابراین هدف انسان در مسیر کمال الهی است. يتول الله، مسیر رسیدن به الله رسول‌الله است و رسوله، ولایت امام معصوم و ولی فقیه در زمان غیبت رهبر و رهبریست و می‌بینیم که قرآن در این آیه اشاره می‌فرماید انسانها اگر میخواهند غالب شوند باید حزب بشوند، اگر میخواهند حزب شما غالب شود باید حزب‌الله باشد. حزب‌الله غالب دارد بر دیگر احزاب که سه ولایت و سه وحدت را دارا

مخالفین تشکل

سده فکر می‌کنم که از همین جا معلوم است کسانی که با تشکل شدن امت در حزب‌الله مخالفند یا در هدف با ما مخالفت دارند یعنی الله را قبول ندارند یا در مسیر مخالفت دارند رسول‌الله را قبول ندارند یا در رهبری مخالفند یعنی ائمه معصومین و ولی فقیه را قبول ندارند یا در نتیجه مخالفند و میخواهند که ما حزب‌الله و در نتیجه غالب شویم. با توجه به آنچه گفته شد کسانی بودند که رسماً با تشکل حزب جمهوری اسلامی و با اعلام موجودیتش از جانب روحانیت مورد تأیید امام مخالفت می‌کردند، یک دسته آنها کسانی بودند ضد خدا، بی‌خدا و اینها مخالفت می‌کردند که حزب خدا شکل بگیرد؟

یک دسته کسانی بودند که میخواهند اسم اسلام بی‌محتوا بماند و به جای خط رسولی که لاف‌چهر لاف‌چهر علی‌المحم فرموده هیچ افتخار جاهلی مورد قبول نیست که یک دسته اسان بر یک دسته دیگری فصیلت داشته باشند و خط رسول گرامی وحدت انسانها بود و این خط رسول از طرف ملی گراها قابل قبول نبود و می‌خواستند ملی‌گراهای

مسلمان باشند وقتی حزب جمهوری اسلامی وحدت در مسیر را میسر رسول‌الله اعلام می‌کند، عده‌ای از ملی‌گراها با چنین حربی که ملی‌گرایی را قبول ندارد وحدت‌گرایی را قبول دارد مخالفت می‌کردند. دسته دیگری از کسانی که مخالفت می‌کردند کسانی بودند که رهبری را قبول نداشتند که در مرکز امامت معصوم و در غیبت در مرکز فقه شکل بگیرد. خودشان داعیه‌های رهبری داشتند در هر لباسی که بودند وعده دیگری در اینجا بودند و مخالفت‌هایی داشتند و این مخالفت‌ها واقعاً روی این سه مبنا نبوده بلکه روی بداندستن، شناختن، اعتماد نداشتن و امثال اینها بوده که تعدادشان خیلی کم بود و بتدریج هرچه جلوتر آمدیم وقتی اصالت و درستی خط را شناختند از مخالفت‌ها صرف نظر کرده و یا در حال صرف نظر کردن هستند و یا در کنار حزب اگر به صورت خاصی نیستند به صورت عام قرار دارند.

شما از چه زمانی به حزب جمهوری اسلامی پیوستید و هدفتان چه بود؟

باید در اینجا عرض کنم افتخار من ایست که با تعداد زیادی از برادرانی که در جمعیت‌های مؤتلفه اسلامی در خدمت نهضت اسلامی و انقلاب اسلامی بودیم در روز اول برای اسم نویسی شرکت کردیم و به انگیزه چیریکه سالیان دراز دنبال آن بودیم در حال تحقق یافتن است. هدفمان از شرکت در نام‌نویسی و تقاضای عضویت و تقاضای این افتخار این بود که وظایفمان را در جمعی مورد رضای خدا بیابیم و همراه هم عمل کنیم که بحمدالله برادران روحانی مؤسس، عضویت ما را پذیرفتند و به این افتخار نائل شدیم.

نقش حزب در جامعه

بنظر شما حزب جمهوری اسلامی در خنثی سازی توطئه‌های لیبرالها و منافقین و بنی‌صدر چه نقشی را برعهده داشت؟

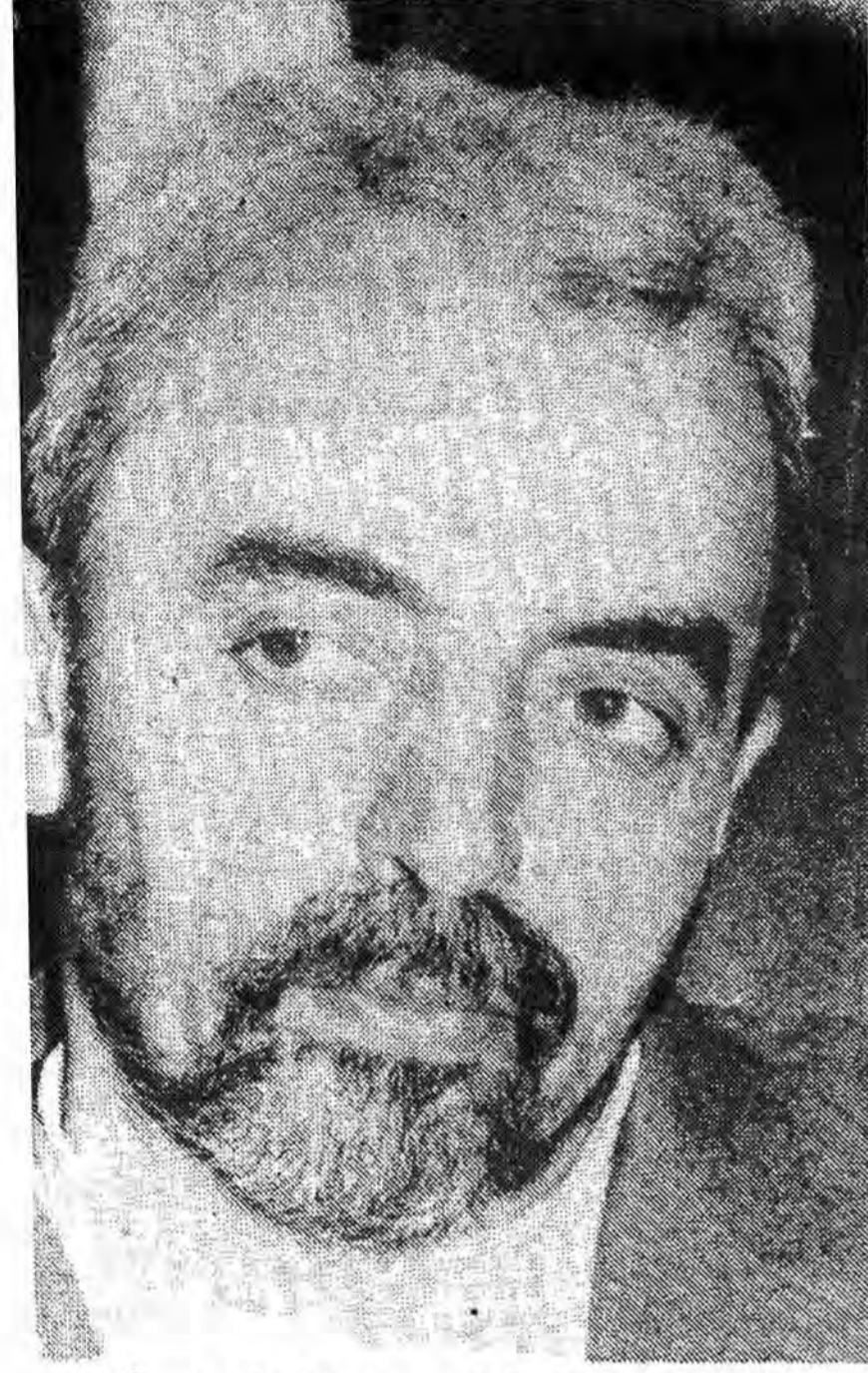
واقعاً یکی از کانون‌هایی که انگیزه‌ها، اندیشه‌ها و حرکتهای امت را توانست در خط اصیل امامت نگهدارد غیر از خود امام من میتوانم بگویم حزب جمهوری اسلامی بود. هدف اصلی تمام نیروهای ضداالله آسیب‌زدن به حزب جمهوری اسلامی، به این کانون نگهبان خط امامت و به یکی از تجسم‌های حزب جمهوری اسلامی شهید بهشتی بود.

و واقعاً مقاومت‌های حزب جمهوری اسلامی بنا تمام ترورهای شخصیتی که از حزب شد و با تمام ترورهای اشخاص برجسته تشکیل دهنده حزب یا نگهبان حزب انجام شد باز آنجائی که پرده‌ها را از چهره‌های کزیه کنار زد غیر از موضع‌گیری‌های خود امام یکی از کانون‌های «چهره» در حزب جمهوری اسلامی بود.
و اما نقش حزب در جامعه من تصورم این است که یکی

از اصیل‌ترین نقش‌های حزب در جامعه نگهداری خط امام. خط ولی فقیه بوده است یعنی یک نگهبانی بی‌چون و چرای این خط به همین جهت وقتی که لیبرال‌ها، چپ‌زده‌ها، راست‌زده‌ها، ملیت‌زده‌ها و امثال اینها می‌دیدند یک نگهبان اصیلی در کنار خط ایستاده و خط را مراقبت می‌کند آنها به شدت مبارزه می‌کردند و حزب هم با پایمردی در خط امام و هر روز دقیق‌تر در خط امام کار کردن سبب خنثی کردن تمام حرکتهای لیبرال‌ها، چپ‌زده‌ها، راست‌زده‌ها و ملیت‌زده را بوجود آورده بود.

چه خاطراتی از شهید مظلوم بهشتی بیاد دارید؟
من وقتی که از شهید مظلوم بهشتی، شهید بزرگوار مطهری، شهید عزیزمان باهنر و دو شهید زنده حجت الاسلام والمسلمین خامنه‌ای عزیز رئیس جمهورمان و حجت الاسلام والمسلمین هاشمی عزیز رئیس مجلسان اسمی به میان آورده میشود ذهنم یک تلالو دیگری را دارد.

در سال ۱۳۴۲ همراه دو نفر از برادران بنامهای شفیق و حاج حیدری به منزل اجارهای شهید مظلوم بهشتی در



خیابان وحدت اسلامی (شاهپور سابق) رفتیم و بر اثر مبارزاتی که در قم وجود داشت ایشان برای چند ماه از قم به تهران تبعید شده بودند که در اولین برخوردی که با ایشان داشتیم اشاره فرمودند که ما قبل از اینکه ایرانی باشیم مسلمانیم.

قبل از اینکه به عاداتها و سنتها بیندیشیم به اسلام می‌اندیشیم.

اسلام تا هر کجا هر سنتی را در مبارزه و تحزب و تشکل پذیرفت ما همانقدر متحزب و متشکل میشویم و بعد فرمودند من از روز اول به شما برادرانیکه میخواهید کار را شروع کنید بگویم ما هیچ نوع تشکل، هیچ نوع سنتی را که اسلام عزیز پایش را امضاء نکند نخواهیم پذیرفت و واقعاً از همان روز در سال ۱۳۴۲ تا بهمن ۱۳۵۷ که میخواهیم چندمین سالگرد حزب را جشن بگیریم تا بهمن ۵۷ همان روز اعلام کنه توسط بزرگانمان اعلام شد خطی که بهشتی داشت منتهی به اعلام رسمیت حزب شد.

و خلش را همچنان که از روز اول با ما به تعبیر خودمان طی کرده بود که ما هیچگونه سنتی را از غیر اسلام در تحزب و تشکل نمیبپذیریم واقعاً همه آن چیزها را در آن اساسی که برای تحزب و تشکل در حزب جمهوری اسلامی منعکس نمود تجسم پیدا کرد و از خود بیادگار گذاشت که خداوند جزای شایسته و مناسب تلاشهایی که در این راه داشت به ایشان ارزانی دارد خداوند بما توفیق بدهد که هر روز بیشتر تلاش کنیم که خط اصیل امامت را بهتر بشناسیم و بهتر عمل کنیم و بهتر مبلّغش باشیم.

حجت الاسلام ناطق نوری در مصاحبه اختصاصی با جمهوری اسلامی:

کسانی که برای رد تشکیلات مصاحبه می کنند، خودشان تحت پوشش دیگری تشکیلاتی کار می کنند



* علت شکست حرکت های ضد استعماری صد سال اخیر با وجود حضور روحانیت در رأس این حرکتها، عدم تشکیلات در جامعه بوده است.

* عامل مهم بوجود آمدن حزب جمهوری اسلامی، توصیه امام به تشکیلاتی کار کردن بود.

* کسانی که حزب را مورد حمله قرار میدهند به این علت است که خودشان تحت پوشش دیگری مشغول کار هستند و برای تشکیلات خود احساس خطر می کنند.

* هیچ دستگاه، سازمان و حزبی به اندازه حزب جمهوری اسلامی به خط اصیل انقلاب خدمت نکرده است.

* حزب جمهوری اسلامی و روزنامه ارگان حزب جمهوری اسلامی در افشای خط لیبرالها نقش عمده ای را بر عهده داشته است.

* سخنرانی شهید مظلوم بهشتی در روز تاسوعا مهمترین سخنرانی بود که توانست ریشه خط بنی صدر و طرفدارانش را بزند.

* الحمد لله تاکنون حزب جمهوری اسلامی در بین مردم از اعتبار و کیفیت خوبی برخوردار بوده است.

* بهترین دلیل اعتبار حزب بین مردم، استقبال آنان از پیشنهادات حزب است.

حجت الاسلام علی اکبر ناطق نوری وزیر کشور و عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی بمناسبت چهارمین سالگرد تاسیس حزب جمهوری اسلامی در یک مصاحبه اختصاصی با خبرنگار ما شرکت کرد و به سئوالات وی در زمینه ضرورت وجود تشکیلات مکتبی در انقلاب، نقش حزب جمهوری اسلامی در رابطه با خنثی ساختن توطئه ها، و مسائلی دیگر پیرامون حزب جمهوری اسلامی جواب گفت. متن مصاحبه باین شرح است:

س- نقش حزب جمهوری اسلامی را در تثبیت خط اصیل انقلاب از روزهای پس از پیروزی تاکنون بیان کنید.

ب- با درود به امام امت و درود به همه شهداء خصوصاً شهدای هفتم تیر بویژه شهید مظلوم آیت الله بهشتی رحمة الله علیه به اعتقاد بنده خدمتی را که حزب جمهوری اسلامی در انقلاب و پس از پیروزی انقلاب به انقلاب و خط اصیل انقلاب کرده هیچ دستگاه و سازمان و حزبی نکرده است. و حتی را که این حزب به گردن انقلابیون و ملت ما دارد حق بسیار بزرگی است زیرا ما اکنون از یک قانون اساسی بسیار پرمحتوی و جامع و جالب برخوردار هستیم که این قانون اساسی محصول کار مجلس خبرگانی است که برای قانون اساسی تدوین شده و برای قانون اساسی انتخاب و بوجود آمده است. در بوجود آمدن شکل جالب مجلس خبرگان که مجموعه ای از مجتهدین و حقوقدانها بوده که در آن مرحوم شهید بزرگوار مدنی و شهید بزرگوار صدوقی و شهید مظلوم بهشتی بودند وعده ای از فقها و بزرگان از این قبیل، ترکیب مجلس خبرگان با این کیفیت بالا بیشتر معلول و مرسوم خدماتی است که حزب ارائه داده است یعنی نوعاً کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی بودند که طبیعی است عده ای از مستجیدین و مجتهدین وقتی جمع بشوند ثمره کار آنها هم یک قانون اساسی زنده و جامع میشود به علاوه اینکه نایب رئیس آن مجلس شهید مظلوم بهشتی بود و فکر می کنم بر کسی هم پوشیده نباشد که نقش شهید مظلوم بهشتی در تدوین قانون اساسی چه اندازه موثر بود. این یک گوشه ای از خدمات حزب بود، بعد در مجلس شورای اسلامی می بینید که باز اگر رنده ترین عناصر در مجلس شورای اسلامی بودند و هم اکنون نیز هستند و اگر در اولین دوره از مجلس شورای اسلامی مجلسی بوجود آمد که به عنوان بهترین و مقدس ترین نهاد در مقابل خطهای انحرافی قرار گرفت عمده ترین عامل در بوجود آمدن چنین مجلس خوش خط و ربطی که افشا کننده خطوط انحرافی و سازشکاری بود باز این معلول زحمات و مرسوم فعالیت حزب جمهوری اسلامی است و نوعاً کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی بودند که جمع شدند و جا دارد که همینجا هم یادای از شهدای ۷ تیر مجلسی بکنیم که ۲۷ نماینده در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند که اینها نخبه ترین نمایندگان مجلس بودند، خصوصاً در مقابل آن خط لیبرالیسم و خطوطی که در آن زمان بود اینها مردانه ایستادند و تا سرحد جان پیش آمدند و باز همین مجلس نقش مهمی را در تدوین قوانین زنده داشت و دارد، که نهایتاً نتیجه و اثر حزب و کاندیداهای

رنده حزب است که در رأس این مجلس بر شما می بیند که یکی از موسسین حزب جمهوری اسلامی حضرت حجت الاسلام والمسلمین حیات هاشمی رفسنجانی رئیس محترم مجلس شورای اسلامی هستند که در هدایت مجلس و در همود دادن به مجلس اداره و عظم مجلس نقش بسزایی داشتند و دارند همچنین در امحانات تعدی که پیش آمد میدانید که حزب جمهوری اسلامی چه نقش رنده ای را ایفا کرده است اینها ثمرات حزب از بعد از پیروزی انقلاب و خدمتی است که حزب جمهوری اسلامی به انقلاب و به ملت کرده است.

● نقش حزب در خنثی کردن هرکات ضدانقلاب س- نقش حزب جمهوری اسلامی را در مقابل هرکت لیبرالها و هرکت منافقانه بنی صدر و همچنین خطراتی که از جانب آنها منوجه حزب شده است بفرمائید؟

ج- حزب و نماینده های حزبی اساساً و خود حزب جمهوری اسلامی و روزنامه حزب جمهوری اسلامی در افشای خط لیبرالها نقش خوب و عمده ای را بر عهده داشته و ایفا کرده است یعنی اگر شما روزنامه های آن زمان را کنار هم دیگر قرار بدهید روزنامه انقلاب اسلامی بنی صدر، روزنامه میران بهمت آزادی و روزنامه های دیگر و در کنار آنها روزنامه جمهوری اسلامی را که ارگان حزب جمهوری اسلامی است قرار بدهید نقش حزب و روزنامه ای که ارگان

● شهادت مرحوم آیت الله بهشتی تاثیر زیادی روی انقلاب و مردم گذاشت و هنوز هم شخصیت ایشان به خوبی شناخته نشده است. ● با همه برکاتی که حیات شهید مظلوم بهشتی برای انقلاب داشت برکات شهادت ایشان بیشتر بود. ● از برکات شهادت آیت الله مظلوم بهشتی رسوا کردن خطهای انحرافی، تثبیت انقلاب و حاکمیت حزب الله بود.

● شهید باهنر چهره ای بود که بیشترین خدمت را می کرد ولی کمتر نشان می داد و برکاری عجیبی داشت.

حزب است و همچنین نقش نماینده های حزبی در مجلس در افشای این خطوط عربی و ملی گرایی و لیبرالی به خوبی می بینید و اعصاب حزب و روحانیونی که به نوعی ارتباط با حزب داشتند نقش آنها در سخنرانیها علیه خط بنی صدر و رسوا کردن بنی صدر چیزی نبود که فراموش شود و در کنارش آن سخنرانیهای پرمحتوی و در عین حال متین و سنگین مرحوم شهید مظلوم بهشتی اعلی الله مقامه را باید اضافه کرد که قبل از عاشورای معروفی که بنی صدر در میدان آزادی صحبت کرد و طرفدارانش را وادار به سوت زدن و کف زدن در روز عاشورا کرد که قبل از آن روز یعنی روز تاسوعا در دانشگاه مرحوم شهید بهشتی سخنرانی

حامی کرد که به نظر من ریشه ای ترین سخرانی بوده است که توانست شنه خط بنی صدر و طرفداران او را برسد و همچنین سخرانی مرحوم شهید مظلوم بهشتی در روز یازدهم همان محرم در مسجد امام که وقتی از ایشان سؤال کردید که با این سخرانی روز عاشورای بنی صدر چه باید کرد و موضع شما چیست به نظر میرسد که علی وار حرکت کرد چنانکه امیرالمومنین فرموده بود: (صبرت و فی العین قذی و فی الحق شجی...) صبر می کنید، مثل کسی که استخوان در گلویش باشد و صبر می کند و پا خوار در چشمش باشد صبر می کند. وقتی از مرحوم شهید مظلوم بهشتی آروز پرسیدند که شما چه حرکتی را خواهید داشت، من آنجا بودم که او فریاد زد سکوت! سکوت! سکوت! که با این سکوتش ریشه ایها را رد و رسوایشان کرد درست مثل عبارتی که امیرالمومنین علی (ع) در جریان حکومتش بیان می کند. به هر حال هم حزب و هم روزنامه و اعضا و نمایندگان هر کدام به بویه خودشان سهم بسزایی در رسوا کردن خطوط لیبرالی داشتند و حالا هم دارند.

● آینده حزب جمهوری اسلامی س (آینده این تشکیلات اسلامی را چگونه می بینید و چه پیشنهادهائی دارید؟

ج) آینده حزب را خوب می بینیم، چون ما امیدوار به خداوند هستیم و یک حزبی هم که برای خدا تشکیل شده و برای خدا بی کار کار کرده است و انشاء الله برای خدا کارش را ادامه می دهد خدا هم انشاء الله همانطور که تاکنون تائیداتش را به ما لطف کرده از این به بعد هم امیدواریم مشمول الطاف و تائیداتش قرار بگیریم. روی این حساب است که به خدا امیدوار هستیم و کارهای خدائی و حزب را هم مسک از این حرکت نمی بینیم و انشاء الله خدائی است و باید گفت که آینده اش را خوب می بینیم و امیدواریم که ملت ما رشد لازمی را که الحمد لله پیدا کرده هر چه جامع تر رشد بیشتری پیدا بکند و ایمانش به تشکیلاتی کار کردن و تشکیلاتی تر شدن بیشتر بشود، و امیدواریم توجه بیشتری بکند و همچنین مسئولین ما و خود ما هم انشاء الله امیدواریم که رسالتمان را در معرفی اهداف عالی اسلام در رابطه با حزب به خوبی انجام بدهیم تا نقش خود را خوب ایفا کنیم و انشاء الله بتوانیم حزب را آنگونه ای که مرضی خدا و مرضی امام زمان سلام الله علیه هست در همه جا معرفی کنیم و بتوانیم با عمل خود نشان بدهیم. پیشنهادی هم که هست این است که حزب بیش از پیش و با انجام بیشتری کار بکند و از عناصر خوب در استانها و شهرستانها استفاده بیشتری بکند و افراد خوش سابقه و فعال و خلاق را به کار گیرد و کاری بکند که بتواند این عناصر خلاق و فعال و خوش خط و ربط را جذب بکند و از کسانی که سابقه خوشی در جامعه ندارند و در شهر و استانها سابقه خوب و بین مردم وجهه ای ندارند، باید خودش را دور بکند.

س) اعتبار حزب در بین مردم و دید مردم نسبت به حزب چگونه است؟

ج) اعتبار حزب در بین مردم را از استقبال آنان در رابطه با درخواستهای حزب باید بررسی کرد. به نظر می رسد که بقیه از صفحه ۲

تاکنون الحمدلله حرب بین مردم از اعتبار خوب و با کیفیت برخوردار بوده و همانطور که قبلاً اشاره کردم بهترین دلیلش هم این است که هر موقع حرب پیشنهادهای به مردم داده است مردم از آن استقبال کردند و معلوم می‌شود که معتبر است که استقبال می‌کنند و به آن توجه و اعتماد دارند. اگر گروه‌های دیگر کاندیداهایی را معرفی می‌کردند و حرب کاندیداهای دیگری را معرفی می‌کردند معمولاً می‌دیدیم که حزب در پیشنهادهای موفق‌تر از دیگران بوده است. این دقیقاً برای این است که مردم به حرب اعتماد دارند و چون می‌بینند که در راس حزب روحانیونی خدمتگزار و با سابقه هستند، حضور رئیس جمهور محترم به عنوان دبیر کل حزب و به عنوان عضوی از مؤسسی مهم است، مردم اعتماد می‌کنند. حضور رئیس محترم مجلس در راس حرب و در شورای مرکزی حزب اعتباری به حرب می‌دهد و مردم اطمینان پیدا می‌کنند و مخصوصاً با وجود خطراتی که تاکنون انقلاب را تهدید کرده و مردم را گاهی گول زده است به هر حال به دنبال تشکیلاتی می‌روند که مطمئن باشند آنها را به شرق و غرب تحویل نمیدهند.

حزب جمهوری اسلامی تنها تشکیلات مورد اطمینان

می‌بینند در این سازمانها، تشکیلات احزاب، گروهها، دستها و خطها تنها تشکیلاتی که این اطمینان را به مردم میدهد تشکیلات حزب جمهوری اسلامی است با اینکه اینها کسانی هستند که از سال ۴۱ و ۴۲ خودشان را نشان دادند و حطشان معلوم است و در فرار و نشیبه‌های انقلاب، حزب و موضع‌گیریهای حزب تاکنون خوب نشان داده و این است که مردم اطمینان کردند و اطمینان دارند و امیدواریم که این اعتبار و اطمینان حرب برای همیشه در بین ملت و مردمان باقی بماند.

س) چطور شد که شما به حزب جمهوری اسلامی پیوستید؟

ج) سده قبل از اینکه حرب جمهوری بوجود بیاید و تشکیل شود حربی بودم زیرا از قبل در خدمت آقایان و شخصیت‌هایی که از مؤسسی حرب هستند و در جامعه روحانیون مبارز قبل از تشکیل حرب و قبل از پیروزی انقلاب بودم و الان هم در همانجا صحنه‌ای که در حرب و جامعه هستیم با هم هستیم و قبل از پیروزی انقلاب در جامعه که بودیم از همان موقع ضرورت یک تشکیلات لمس میشد و همواره شهید مظلوم بهشتی این ضرورت را مطرح می‌کرد و همانطور که اشاره کردم وقتی ایشان به پاریس رفتند و خدمت امام شرفیاب شدند این احساس و این ضرورت بیشتر لمس شد و از همان روزهای قبل از پیروزی انقلاب که بحث تشکیلات و تحریر بود ما بدستال تشکیلات و منتظر تشکیلات بودیم و لذا اولین روزی هم که حرب اعلام موجودیت کرد و در کانون توحید برای ثبت‌نام دهاتری را آماده کردند من از همان روز و قبل از رسیده داشتنم و منتظر بودم به عنوان یک عضو عادی آمدیم در یک صف ایستادم و در حرب ثبت‌نام کردیم که از آن موقع عضو حرب بشویم و ضرورت تشکیلاتی کار کردن و اعتماد و اطمینان به مؤسسی و مسئولیت حرب و همچنین شرایط انقلاب ما و خطراتی را که از گروه‌ها، حربها و دستهای دیگر لمس می‌کردم همه مرا بر این داشت که عضویت حرب را به عنوان وظیفه‌ای شرعی بپذیرم و الان هم به عنوان یک وظیفه شرعی در حرب و عضو حزب هستم و امیدوار هستم که خداوند توفیق دهد تا بتوانیم آنچه که در رابطه با این وظیفه از دستمان برمیآید انجام بدهیم.

موفقیت حزب در زمینه‌های مختلف

س) اهداف حزب جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تا چه حد در جامعه ما پیاده شده است.

ما در تشکیلات حزب هدف‌هایی را تعقیب می‌کردیم که بتوانیم تشکیلاتی راه بیندازیم تا خط‌اصیل انقلاب که خط نه شرقی نه غربی است و دستاوردهای انقلاب را حفظ کنیم و خط ولایت فقیه محفوظ بماند و خدای ناکرده انقلاب ما دستخوش طوفانهای شرقی و غربی نشود. تا امروز بنظر من حزب در این هدفها از موفقیت‌های خیلی زیادی برخوردار بوده و توانسته است این کار را بکند و امیدواریم بعداً هم انشاءالله بتواند این راه را ادامه بدهد و نوعاً هدفهای حرب تاکنون باید گفت که پیاده شده و هدف کور کردن خطوط انحرافی، حفظ انقلاب و دستاوردهای انقلاب و حرکت دادن ملت در خط امام بوده و در این اهداف نیز موفق بوده است.

س) لطفاً خاطراتتان را از دوران حملات سیاسی به حزب و همچنین شهید مظلوم بهشتی برای ثبت شدن در تاریخ یادآوری کنید؟

ج) من از آن دوران تلخ و در عین حال لازم خاطرات زیادی دارم. تلخ از این جهت که حرب در یک مظلومیت و هدف تهنمتها و افتراها قرار گرفته بود و لازم از این جهت که باید این حوادث پیش می‌آمد تا ماهیتها روشن بشود و شخصیتها و هویتها هویدا بشود؛ از آن دوره‌ها من خاطرات زیادی دارم. مجمله یادم هست که یک مسافرتی به دزفول کردم که...

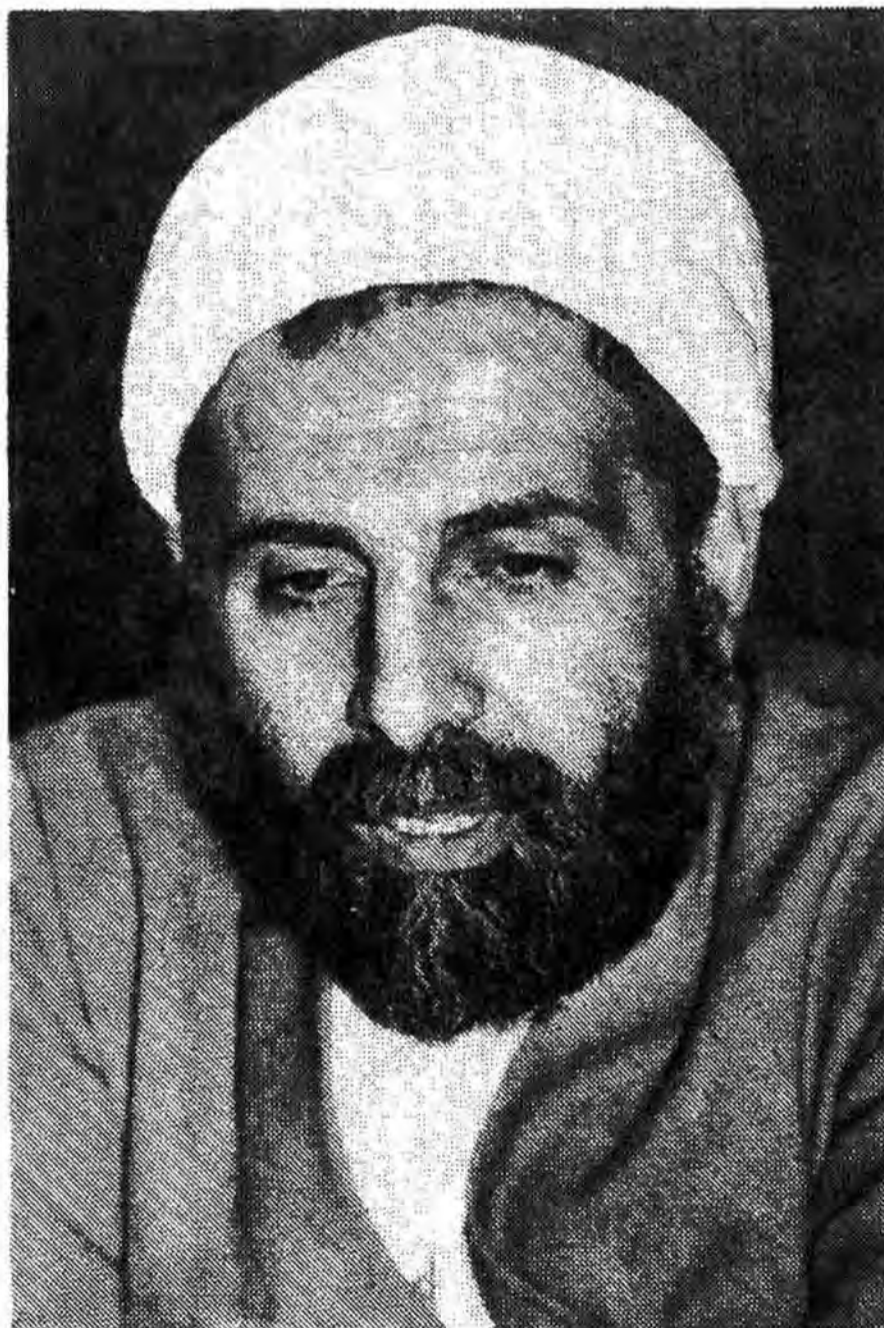
بی‌صدر خبیث و مظلومیت حزب بود و دوران اوج تهنمتها به مرحوم شهید مظلوم بهشتی و آقای هاشمی و آقای

خامنه‌ای و غیره بود.

● س) پاشی بنی‌صدر علیه حزب

و میدانید که مرکز بنی‌صدر دزفول بود و به بهانه جنگ به آنجا میرفت و در کاخ آن پایگاه قرار میگرفت و به مردم نیز گفته میشد که او در خط مقدم جبهه است، اما در آنجا مشغول سیم‌پاشی علیه شهید مظلوم بهشتی و حرب و شخصیت‌های حزب بود و تبلیغات هم به عنوان اینکه رئیس جمهور بود اثر میکرد و بی‌اثر نبود که یادم هست قبل از اینکه این خاطره را بگویم همانجا یک افسر خلبانی بود که مرا دید و گفت: سلام مرا به امام برسانید و به عنوان یک افسر خلبان بگوئید که آن افسر سلام رساند و گفت که برای رضای خدا این مردک را از اینجا ببرید زیرا این سیم‌پاشی میکند و اثر سوء روی پرسنل نیروی هوایی میگذارد و به حق هم اثر سوء گذاشته بود و خاطره‌ای که از آنجا دارم و برایم ناگوار بود این بود که یک نشستی با جمعی از پرسنل داشتیم بمنظور اینکه اگر سؤال و مستلهای دارند مطرح کنند و بنده به عنوان نماینده مجلس بودم، به محض اینکه نشستیم اولین جمله‌ای که گفتند این بود که به آقای بهشتی بگوئید که این پولها و ارزی را که از کشور خارج کرده به ما بدهد تا ما که خانه و زندگی نداریم تهیه کنیم و یک اینطور تهنمتی بود و همچنین در باره آقای هاشمی بار به عنوان مؤسس حرب و یکی از سران حزب حمله میکردند که بگوئید که آن باغهای پسته‌شان را بفرشند و به ما بدهند یکی از آنها از یک گوشه‌ای جمله دیگری را شروع به گفتن کرده بود و اینکه شماها و حرب صد تخصصید و به بهانه‌اشرف مکتب بر تخصص، ما را دارید کنار می‌برید و شما آخوندها چه جاسوس هستید

* تنها تشکیلاتی که در بین سازمانها، احزاب و گروهها به مردم اطمینان میدهد حزب جمهوری اسلامی است.
* حزب در زمینه پیاده کردن اهدافش از موفقیت‌های زیادی برخوردار بوده است.
* هدف حزب کور کردن خطوط انحرافی، حفظ دستاوردهای انقلاب و حرکت دادن ملت در خط امام است.



این یک خاطره تلخی از دوران حملات بی‌روها در اثر تبلیغات بی‌صدر حبیب که حرب هست و من بعداً مجبور بودم اینها را یکی یکی جواب بدهم. یکی از جمله‌هایی که گفتم این بود که نه‌ها مرحوم شهید مظلوم بهشتی نیست که از خارج کرده و بی‌آقای هاشمی نیست، لیست آخری که بین شما بحث کردند ما هم هستیم و من هم به عنوان یک فرد که رفقی حدود ۹۰ میلیون ارز از کشور خارج کرده هستم و خوب است که من الان اینجا بشویم شما تهران به خانه من بروید و وصیتنامه‌ای را که نوشتم ببینید که چقدر مقروض هستم با اینکه یک طلبه‌ای هستم که ۲۰ سال در سبز و سحرابی و غیره بودم و در عین حال این وضع بنده هست و همچنین وضع آقای بهشتی و خامنه‌ای و باهنر و غیره هم بر چنین است. این یکی از خاطرات من است.

● حملات علیه شهید مظلوم بهشتی

خاطره دیگری که داریم حملاتی بود که متأسفانه از

طرف بعضی از هم‌رزمانهای سابقمان و هم‌لباسهایمان در مجالسی که داشتیم به حزب می‌کردند و این حملات می‌شد و به مرحوم بهشتی نیز حمله می‌کردند و حتی یادم هست در نشستی که داشتیم بعضی از هم‌لباسهایمان در جلوی خود مرحوم شهید بهشتی حملات زننده و توهین‌آمیزی به او می‌کردند.

و ناچار بودیم آنجا موضع‌گیری کنیم و از مظلومیت ایشان واقفاً در دوران حیاتشان دفاع کنیم که هنوز هم بعضی از آنها هستند که به خاطر همان موضع‌گیری‌های غلط و ناجوانمردانه‌ای که داشتند با آنها روابط تیره‌ای داریم. خاطره دیگری را دارم که در همان محرمی که بنی‌صدر خبیث در روز عاشورا در میدان آزادی سخنرانی کرد و حملاتی داشت فرادای آن روز من در یکی از مساجد تهران در بازار منبر رفتم و بین منبر عده قلیلی از افراد به طرفداری از بنی‌صدر و علیه حزب و مرحوم شهید مظلوم بهشتی سروردا راه انداختند که بعداً نیز معلوم شد عده‌ای از طرفداران بنی‌صدر مسلح به گارد و غیره بودند که میخواستند به ما حمله کنند و مجلس به هم ریخت و متشنج شد. این گوشه‌هایی از خاطراتی است که از آن دوران حملاتی که به حزب می‌شد و تا دو روز قبل از شهادت مرحوم بهشتی یک روز جمعه در خارج از تهران خدمت ایشان بودیم و جلسه‌ای داشتیم. ایشان در رابطه با اولین فرمودند که خوب است خود شما یک سری به اوین بزنید و کارها و برنامه‌های آنجا را ببینید و من در مجلسی که یک شب در حزب بود و جلسه معروفی نیز بود و می‌بایست که من هم شرکت می‌کردم شب دوشنبه بود که آن شب به توصیه خود ایشان من به اوین رفتم متأسفانه در اوین خبر انفجار حزب را شنیدم و از آنجا بلافاصله به دفتر حزب آمدم که مشغول بیرون آوردن اجساد از زیر آوار بودند.

بعضی‌ها نیز فکر می‌کردند که این توفیق نصیب من هم شده و من هم آنجا بودم و شهید شدم ولی این توفیق نصیب ما نشد اخوی ما آنجا بود که او هم عضو حرب بود و به مرحوم شهید بهشتی علاقه‌مند بود و در کنار مرادشان که مرحوم شهید بهشتی بود جمعاً به لقاء خدا پیوستند. این گوشه‌هایی از جریانات است که الان حضور ذهن دارم.

س) تأثیر شهادت شهید بهشتی در حزب و کلاً در جامعه چگونه بوده است؟

ج- تأثیر شهادت مرحوم بهشتی در جامعه خیلی زیاد بود و روی مردم و انقلاب نقش زیادی داشت. البته مرحوم بهشتی شخصیتی بود که به نظر من شاید سال‌ها بگذرد و هنوز شخصیت بهشتی شناخته نشود و همچنان مجهول بماند که من معتقدم هنوز هم شخصیت مرحوم بهشتی ناشناخته و مجهول است.

● برکات حیات و شهادت شهید مظلوم بهشتی

مرحوم شهید بهشتی چهره‌ای همه‌جانبه و مدیر بود و نقشی داشت که با رفتنش خلائی به وجود آورد که آن خلاء هنوز پر نشده است اما با همه برکاتی که حیات شهید بهشتی داشت شهادتش برکات بیشتری را برای انقلاب داشت و آن رسوا کردن خطاهای انحرافی و تثبیت انقلاب و حاکمیت حزب‌الله بود که در حاکمیت حزب‌الله مرحوم بهشتی نقش بسیار بسزائی داشت و خون و شهادتش بیشتر از حیاتشان برای انقلاب کار کرد. و به همین نسبت در تشکیلات حزب که به حزب و تشکیلات حرب عشق می‌ورزید خللی به وجود آمد که آن خلل هنوز جبران نشده و امیدواریم که خدا به مسئولین توفیق و فراغت بدهد تا بتوانیم انشاءالله آن خللی را که با شهادت مرحوم بهشتی در حزب به وجود آمد این خلاء پر بشود.

س) در رابطه با دومین دبیر کل حزب جمهوری اسلامی و خاطراتی که از ایشان دارید بفرمائید؟

ج) با مرحوم شهید باهنر ما سابق زیادی از لحاظ انقلاب داریم. از سال ۴۲ و از دورانی که مرحوم شهید باهنر به عنوان سخنران انقلابی در مسجد جامع تهران علیه نظام سخنرانی می‌کرد من آشنا بودم و بعد هم در جامعه روحانیت مبارز در خدمت مرحوم شهید باهنر بودیم که ایشان هم عضو جامعه روحانیت مبارز بودند.

● خصوصیات شهید باهنر

در رابطه با خاطراتی که با شهید باهنر داشتیم الان حضور ذهن ندارم اما اجمالاً من او را به نوبه خودشان یک شخصیت بزرگوار و والا مقام می‌شناختم و میشناسم چهره‌ای که بیشترین خدمت را می‌کرد ولی کمترین آن را نشان می‌داد برعکس بعضی که کم کار می‌کنند و زیاد نشان می‌دهند و این طبع آنان است. مرحوم شهید باهنر از کسانی بود که فوق‌العاده کار می‌کرد ولی کم نشان می‌داد ایشان عضو شورای انقلاب بود بیشتر بار شورای انقلاب روی دوش شهید باهنر بود اما شاید کمتر کسی میدانست که ایشان این طور کار می‌کنند. در رابطه با انقلاب و با حزب نیز همچنین بار سنگینی بر دوش مرحوم باهنر بود و پرکاری عجیبی داشتند ولی نشان نمی‌دادند و یا کمتر نشان می‌دادند. همیشه متبسم و محجوب بود و دوران نخست وزیری‌شان گاهی مجلس می‌آمدند من به ایشان می‌گفتم که افراد خیلی پر حرفی می‌کنند و با شما از این طرف و آن طرف زیاد حرف

نقطه نظرهای دکتر ولایتی پیرامون حزب جمهوری اسلامی



آقای دکتر علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه کشورمان و عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی طی یک مصاحبه اختصاصی با جمهوری اسلامی، پیرامون مواضع، اهداف سیاسی و مسائل دیگر حزب جمهوری اسلامی نقطه نظرهای خود را بیان داشت.

وی ابتدا در پاسخ به این سؤال که نقش حزب جمهوری اسلامی در موازنه سیاسی و همچنین سیاست گذاری کشور تا چه حد مؤثر بوده است، اظهار داشت:

بسم الله الرحمن الرحيم
حزب جمهوری اسلامی در حقیقت تشکل سیاسی نیروهای حزب الله یا بخشی از نیروهای حزب الله در کشور ما است. با توجه به اینکه بنیانگذاران این حزب، چه آن کسانی که به شهادت رسیدند، چه آنهایی که زنده هستند و خدا سلامتشان بدارد اینها از مردمان دلسوخته‌ای بوده هستند که از سالها قبل از انقلاب همیای امام یعنی بنی‌الدین امام‌مودوش به دوش مردم مبارز و مسلمان و قهرمان ما گام برداشتند. شخصیت‌هایی نظیر شهید بهشتی و جناب آقای خامنه‌ای و جناب آقای موسوی اردبیلی و جناب آقای هاشمی و شهید باهر که این پنج نفر از بنیانگذاران حزب بودند اینها واقعا قبل از انقلاب خدمات ارزنده‌ای به این نهضت کردند و با این نهضت پیش آمدند و عمرشان را برای این نهضت و تبعیت از حرکت امام خمینی گذاشتند و یک چنین افرادی که مورد تأیید امام هم بوده هستند موقمی که در رأس و پیشرو یک چنین حرکتی سیاسی باشند طبیعی است که مورد اعتماد مردم ما قرار میگیرند و قرار گرفتند.

استقبالی که مردم از نام‌نویسی در این حزب کردند نشان دهنده اعتمادشان به بنیانگذاران

این حزب بوده و حالا هم همینطور است. بحمدالله خط اسلام فقهاتی در این حزب حفظ شده و رمز بقای این تشکل سیاسی هم همین بوده و مراحل بسیار سختی را این حزب پشت سر گذاشته و خوشبختانه از آزمایشهای متعدد روسفید بیرون آمده است. در زمان حاکمیت لیبرالها و بعد حاکمیت منافقانه بنی‌صدر این حزب در حقیقت بزرگترین سد و مانع حرکت آنها بوده است و پیش از همه هم تیرهای تهمت به سمتش روان بوده، ممکن است آن روزها را چون

پشت سر گذاشتیم حضور ذهن کافی نداشته باشیم که این حزب چه رورهای سختی را گذرانده و پشت سر گذاشته است.

ولی اگر همین روزنامه جمهوری اسلامی را یک تورقی بکنید از ابتدای بوجود آمدنش که اوایل سال ۵۸ بود و تا به حال متوجه می‌شوید که چه رورهای سختی را پشت سر گذاشتیم و این حزب چه خدمتی در زدودن خطوط انحرافی کرده است و همواره تلاش مسئولین حزب این بوده که در خط اسلام فقهاتی باشد.

● نقش حزب در انتخابات چند ماه بعد از انقلاب اسلامی و در تشکیل مجلس خبرگان و در تلاش برای راه پیدا کردن هر چه بیشتر نماینده‌های حزب‌اللهی به مجلس خبرگان و تدوین قانون اساسی حزب نقش عمده‌ای داشت و بعد هم در انتخابات دیگر در تشکیل مجلس در حمایت از کاندیداهای حزب‌اللهی و ورودشان به مجلس حزب نقش بسیار ارزنده‌ای را ایفا نمود صرف‌نظر از اینکه کاندیدها حزبی بودند یا نبودند فقط به صرف اعتقادشان به ولایت فقیه و خط حزب‌الله مورد حمایت

اسلامی افرادش تشکیلات زده نیستند یعنی آن چیزی که برایشان ملاک است، اسلام و منافع جمهوری اسلامی و اسلام فقهاتی است و تمهد آنها در

حقیقت تعهد اصلی احاد این حزب به اسلام است نه به یک تشکیلات، ممکن است افرادی تشکیلات را در جامعه اسلامی یا تحزب را در جامعه اسلامی نفی بکنند. با آن معیارهایی که در دنیا هست حق با آنهاست اما واقعا عمل کرد حزب جمهوری اسلامی نشان داده که معیارهای خاص خودش را دارد که تلاش هم برای است که این معیارها منطبق بر معیارهای اسلامی باشد. کاندیداهایی که حزب در مراحل مختلف داشته نشان دهنده پایبندی این حزب به اصول و معیارهای اسلامی است.

حزب از کاندیداتوری مرحوم شهید رجایی چه برای نخست وزیری و چه برای ریاست جمهوری حمایت کرد. در حالی که مرحوم شهید رجایی به هیچ وجه حزبی نبود و در طول مبارزاتش با بنی‌صدر، حزب دوش به دوش شهید بررگوار حرکت کرد در صورتی که ایشان اصلا حزبی نبودند

همانطوری که عرض کردم از عوارض عمده آن نوع تشکل، تشکیلات زدگی است ولی چنین حزبی تلاش این است که افرادش تشکیلات رده نشوند، تشکیلاتی هستند ولی تشکیلات رده نیستند. اگر ما بخواهیم یک اسم یا مسمی بر روی حزب جمهوری اسلامی بگذاریم باید یک تشکل سیاسی در جامعه اسلامی ایران بین نیروهای حزب‌الله یعنی تشکل سیاسی افراد حزب‌الله بگوئیم. این نه تنها ضرری ندارد بلکه لازم است اگر چنین تشکل سیاسی نبود و نباشد آن دشمنان متشکل میتوانند سرما را نظر سیاسی فائق بشوند.

● نقص مسلمانان در نهضت نفت

نقص بزرگ ما در مشروطه در نهضت نفت و نقص بزرگ نیروهای مسلمان و معتقد به اسلام فقهاتی نداشتن تشکیلات بوده است. مسلمانها قیام کردند اما برای سازندگی و استمرار انقلاب و قیام لازم بود که نیروهای مسلمان متشکل باشند اما چون تشکل نداشتند آنهایی که متشکل بودند و قبلا در بیرون گود بودند آمدند و زدند و ببردند و بهضت

برای نیروهای مسلمان است. اگر ما این را نفی کنیم چه میخواهیم جایش بگذاریم؟ بالاخره باید یک نظم و ترتیب و یک ارتباط منجمی بین نیروها باشد که این همان تشکل است، یعنی ما از تشکل و نظم و تشکل منظم در بین نیروهای معتقد به جمهوری اسلامی و اسلام فقهاتی حمایت می‌کنیم و عملکرد حزب جمهوری

ریادی به هدفهای خود رسیده است. البته این مرهون تلاش حزب بوده و بدان معنا نیست که فقط حزب تلاش کرده، بلکه آنچه که تعیین کننده در نظام ماست رهبری امام و اطاعت مردم در زیر پرچم اسلام است. منتهی حزب به عنوان یک تشکل سیاسی نقش بسیار مهمی داشته است. چه مطلوب‌تر از این که شما دیگر حاکمیت



- حزب جمهوری اسلامی در حقیقت تشکل سیاسی نیروهای حزب‌الله در کشور ما است.
- بنیانگذاران حزب جمهوری اسلامی قبل از انقلاب خدمات ارزنده‌ای به این نهضت کرده‌اند.
- استقبال مردم از نام‌نویسی در حزب جمهوری اسلامی، نشان دهنده اعتماد آنان به این حزب است.
- بحمدالله خط اسلام فقهاتی در حزب جمهوری اسلامی حفظ شده است.
- حزب جمهوری اسلامی مراحل سختی را گذرانده و خوشبختانه از آزمایشهای متعدد رو سفید بیرون آمده است.
- یکی از خطرات احزاب تشکیلات زدگی است، اما حزب جمهوری اسلامی افرادش تشکیلات زده نیستند.
- تلاش مسئولین حزب جمهوری اسلامی این بوده که حزب در خط اسلام فقهاتی حرکت کند.

لیبرالها را نداشته باشید و حاکمیت منافقین را نداشته باشید، مجلس، مجلس حزب‌اللهی و دولت منتخب مجلس حزب‌الله باشد، رئیس جمهور، رئیس مجلس، نخست وزیر، رئیس قوه قضائیه، کابینه و مجلس همه در جهت حاکمیت حزب‌الله و سر در خط فرمان اسلام و رهبری امام باشند.

اسلامی نشان داده که ایده‌آل است. س- اهداف سیاسی حزب تا چه اندازه‌ای در جامعه ما پیاده شده است؟ ج- اهداف سیاسی حزب در یک کلمه خلاصه می‌شود و آن حاکمیت حزب الله. شما میدانید در جامعه ما حزب‌الله حاکمیت دارد یا ندارد، اگر دارد حزب به هدفهای خودش رسیده و یا تا حدود

رامنحرف کردند. بنابراین عملکرد و کارنامه حزب جمهوری اسلامی در طی این سه سال و اندکی که از تشکیل آن میگذرد نشان میدهد که این حزب در رابطه با اهدافش موفق بوده و ضرورت آن را تأیید می‌کند و تمصبی هم روی حزب جمهوری اسلامی نداریم و چیزی که بنده تأکید میکنم ضرورت یک تشکل سیاسی

و هیچ جای دنیا چیزی رسمی اصلا نیست که حزب یک حزبی باشد که کاندیدها را نه بر مبنای تحزبشان بلکه بر مبنای اعتقادشان به یک ایدئولوژی مشترک حاکم بر یک ملتی انتخاب یا پیش نهاد بکنند و از طرف دیگر آن برادرانی که تحزب را نفی می‌کنند خوب آن شکل متعارف تحزب در دنیا باید هم نفی بشود چون

حزب قرار می‌گرفتند و حالا هم روش حزب همین است. در حقیقت حزب جمهوری اسلامی ویژگی‌های خاص خودش را دارد یعنی با استانداردهایی که در دنیا رایج به حزب هست به این یک حزب صدرصد بسالگویی غربی نمی‌شود گفت ولی می‌شود گفت یک تشکل سیاسی. یکی از خطرات احزاب و تحزب تشکیلات زدگی است و حزب جمهوری

نقطه نظرهای دکتر ولایتی پیرامون حزب جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۲۳

● وزیر امور خارجه و چگونگی پیوستن به حزب

س- چه شد که شما به حزب پیوستید؟

ج- بنده در قبل از انقلاب

کار سیاسی می‌کردم، و به

عنوان اینکه پرشک هستم یکی از کارهایی که می‌کردم این بود که عضو انجمن اسلامی اطباء بودم. انجمن اسلامی اطباء، تنها تشکل

مذهبی سیاسی موجود در قبل از انقلاب برای اطباء بود. منتهی گروه‌های مختلف

با تفکرات مختلف در آنجا بودند که وجه اشتراکشان اسلام بود. بعد از انقلاب که خطوط سیاسی مشخص‌تر شد با آن روشی که انجمن اسلامی اطباء داشت.

با برادرانی که آنجا بودند از نظر سلیقه اختلاف داشتیم والا همه برادران مسلمان و متعهد به اسلام بودند با چند نفر از اطبائی که قبلاً در آن انجمن بودیم در بدو تشکیل

حزب شاخه پرشکی حزب را تشکیل دادیم بالاخره بسا همان استدلالهایی که گفتم هر مسلمانی به نظر من باید در یک جامعه اسلامی تحت تشکل سیاسی باشد که

نیروها هرگز نرود، همین تشکل اطباء حزب باعث شد در آن زمانی که حکومت موقت استعفاء داد با همین

برادران پرشک عضو شاخه پرشکی یا درخواست شهید بهشتی و تشویق ایشان رفتم و وزارت بهداشتی را که آن

موقع خلاصه بی‌صاحب مانده بود، تحت مدیریت گرفتم و

اداره کردیم که همین برادرانی هم که الان در وزارت بهداشتی هستند آن زمان از همین گروه بودند و

کارهای مهمی در آنجا شد یعنی با عنایت به این موضوع که تعداد ما هم کم بود اما چون یک گروه متشکل بودیم توانستیم این کار را بکنیم. پس به طور خلاصه می‌گویم که من معتقدم به اینکه یک مسلمان در یک جامعه‌ای که اسلام حاکمیت دارد یا اگر هم در یک جامعه‌ای که ممکن است اسلام حاکمیت نداشته باشد، افراد مسلمان باید یک تشکلی داشته باشند که بتوانند از این نیروی متشکل خودشان در جهت اهداف اسلامی‌شان استفاده ببرند و چون به این معتقد هستم پس به کار سیاسی هم معتقد هستم.

من از شانزده سالگی تا به حال کار سیاسی کرده‌ام منتهی هر زمانی بر حسب اینکه چه امکانی وجود داشته همانطور عمل کردم بنابراین

انجام کار سیاسی من سابقه ۲۰ ساله دارد و این طور نیست که بعد از انقلاب کار سیاسی را شروع کرده باشم و در بین تشکلهای سیاسی موجود به حزب پیش از بقیه اعتقاد داشته و دارم.

● خصوصیات شهید

بهشتی.

س- خاطراتتان از حزب و همچنین از شهید بهشتی چیست؟

ج- مرحوم شهید بهشتی همواره مشوق ما در تشکیل و توسعه شاخه پرشکی حزب بودند و با ایشان هم جلسات مشترک داشتیم. مرحوم شهید بهشتی از مشخصاتش گستردگی بیششال بود و در برابر مسائل سیاسی و اجتماعی سعه صدر داشتند. اسوه مقاومت بودند. از خصوصیات ایشان این بود که با هر کسی که برخورد می‌کرد طوری جذبی بر خورد میکرد که آن شخص خیال می‌کرد که مرحوم بهشتی با او پیش از بقیه نزدیک است و این خصوصیات در کمتر کسی پیدا میشود.

ما همواره یا در اکثر اوقات روزه‌های یکشنبه در حزب جمع می‌شدیم جلسهای بین افراد حزب الله اعم از اینکه عضو حزب باشد یا ساشد در حزب جمهوری اسلامی از قوه مجریه و قضائیه و مفسه بود ما آن موقع در مجلس بودیم.

● حادثه هفتم تیر

در شب انفجار هفت تیر من به حزب آمدم که در آن جلسه هم شرکت کنم منتهی در آستانه تشکیل کنگره حزب بودیم. در شورای مرکزی یک کمیته را که

متشکل از چند نفر بود مامور کرده بودند که ایها اکیسامه انصباطی حزب را قبل از تشکیل کنگره بنویسند. آقای دکتر شیبانی، آقای روارهای، آقای سید آقائی، آقای شمسیان، و بنده مامور شده بودیم که این دو نفر اخیر از همکاران ما در وزارت خارجه هستند. ما پنج نفر جلسات متعددی در تنظیم این آئین‌نامه داشتیم. آن شب هم قرارمان بر این بود که رودتر به حزب بیائیم و جلسه آئین‌نامه را تشکیل بدهیم و حدود ۳۰ دقیقه‌ای اول آن جلسه هم چون به مقدمات می‌گذرد مهم نبود تا اینکه خودمان را به جلسه برسانیم.

در یک اتفاقی در طبقه دوم ساختمان اصلی حزب نشسته بودیم و مشغول تنظیم آئین‌نامه بودیم که در کنار دستمان یک مرتبه صدای انفجار آمد و این قدر موج انفجار عظیم بود که ما فکر کردیم انفجار در اطاق ما رخ داده شیشه‌های اطاق ما همه شکست و گردو خاک و تارپک شد و بعد فهمیدیم متأسفانه چه حادثهای رخ داده است.

با آیت‌الله ربانی املشی درباره حزب جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱۵

است ولی هنوز برای رسیدن به هدف و نهایت مقصود فاصله داریم و باید کوشش کنیم که انشاء الله کاملاً اسلام پیاده شود تا همه فرهنگ و سیاست اسلام پیاده شده باشد و آنگاه که همه اسلام پیاده شد همه فرهنگ و سیاست حزب



جمهوری اسلامی هم حامه عمل پوشیده است س- در اساسنامه حزب جمهوری اسلامی پیش بینی تشکیل یک شورای افتاء شده آیا این شورا تشکیل شده است؟

ج- شورای افتاء در حزب جمهوری اسلامی قبلاً پیش بینی شده بود اما آن موقعی که این مسئله

پیش‌بینی شده بود هنوز برادران فکر نمی‌کردند که حکومت ولی فقیه در کشورمان پیاده میشود، در زمان طاعت ماهرگر تصور نمی‌کردیم که به این زودیها میتوانیم حکومتی بارعامت ورهبری فقیه پیاده کنیم حتی بعد از پیروزی هم عده‌ای از مسئولین امور بارهم فکر نمی‌کردند که میشود ولایت فقیه را به این زودیها پیاده کرد. بد نیست که بدانید اندیشه پیاده کردن ولایت فقیه بیشتر از قم وار جامعه مدرسین حوزه علمیه قم شروع شد. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بودند که در موقع مطالعه پیش نویس قانون اساسی جهت اظهار نظر به این نتیجه رسیدند که باید ولایت فقیه در قانون اساسی گنجانده شود و حکومت رسماً حکومت ولی فقیه باشد.

همه مردم میدانستند که انقلابی که بوسیله روحانیت و بارهبری امام به ثمر رسیده است در زمان حیات امام منهای امام نمیتواند ادامه حیات دهد اما اگر به همان وضع باقی میماند و پیش نویس بعنوان قانون اساسی تصویب می‌شد این دخالت و رهبری یک امر رسمی نبود بلکه فوق برنامه و قانون بود ولی با گنجانیدن ولایت فقیه در قانون اساسی این مسئله هم در زمان امام به رسمیت رسید و هم بعد از امام نیز این امر منطبق با قانون اساسی انشاءالله با قدرت هر چه تمامتر باقی خواهد ماند. در هر صورت آن روزهایی را که

برادران به فکر شورای افتاء بودند و در اساسنامه گنجانند تصور نمی‌کردند که حاکمیت ولی فقیه به این زودیها پیاده خواهد شد و لذا در صدد شدند که برای انطباق کارهای

حزب جمهوری اسلامی باموازیین اسلام در داخل حزب شورای افتائی داشته باشند که کارهای حزب کلاً بانظر خواهی و موافقت شورای افتاء انجام

بگیرد اما پس از اینکه حکومت، حکومت ولی فقیه شد و پیداست حزب جمهوری اسلامی هم صددرصد از ولایت فقیه تبعیت میکند و ولی فقیه جنبه مرجعیت و افتاء هم دارد احتمالاً دیگر حزبی که خودش را از ولی فقیه جدا نمیداند و ولایت او را پذیرفته و مرجعیت او را هم قبول دارد و فتوای او را واجب الاتباع میداند احتیاجی به شورای افتاء ندارد ولی در هر صورت تصمیم‌گیری نسبت به این امر مربوط به کنگره است که در آینده نظر خواهد داد ولی تا بحال به این دلیل که عرض کردم این شورا تشکیل نشده است.

کسانی که برای رد تشکیلات مصاحبه می‌کنند، خودشان تحت پوشش دیگری تشکیلاتی کار می‌کنند

بقیه از صفحه ۲۲

می‌رسد ولی تعجب است که شما از میدان بیرون نمی‌روید و خیلی با نسیم و باطمینان حرفها را گوش می‌کردید و به آرامش و طمأنینه جواب می‌دادید و واقعا در تمام دورانی که مرحوم شهید باهنر را به یاد دارم از ایشان عصبانیت ندیدم و همیشه آن آرامش و طمأنینه و لبخند را داشت. س: اخیراً بار دیگر تلاشهایی برای مبارزه علیه اندیشه ضرورت تشکیلات بچشم می‌خورم. نظرتان را درباره اصل ضرورت تشکیلات و اهداف تلاشهای یاد شده بیان بفرمائید.

ج) باید عرض کنم که قبلاً هم یادم هست که سالهای گذشته در سالروز تشکیل حزب چنین سئوالی شده بود و من عرض کرده بودم که معمولاً در طول تاریخ صر بهایی را که ما مخصوصاً در صد سال اخیر در ایران خوردیم با توجه به اینکه مذهب ما و در آستان روحانیت، همیشه در حرکتها و در راههای ضد استعماری و ضد استبدادی حضور داشتند به این علت بود که ما تشکیلات نداشتیم، یعنی روحانیت حرکت میکرد و ملت هم بدنبال روحانیت حرکت میکردند تا یک حرکت و نهضتی به ثمر می‌رسید و به علت بی‌تشکیلاتی گروههای دیگر میآمدند و می‌زدیدند و می‌بردند. نمونه آن صدر مشروطه است که فریاد را روحانیت زد و کشته‌ها را هم مردم دادند اما دیدیم که تقی زاده‌ها، دوله‌ها و سلطنتها پیدا شدند و ضررش هم این شد که به نام مشروطه روی کار آمدند ولی همان استبداد را وارد کردند و استبدادی که از در بیرون رانده شده بود از دریچه آمد. باز همیشه اینطور بوده است که حرکتها بود اما بعد بی‌تشکیلاتی ما نتوانستیم از حرکتها ایمان به سود هدفایمان بهره برداری بکنیم و این امر شخصتهای ما را واداشت که از این تجربه‌ها حسن استفاده را بکنند و به وجود آوردن تشکیلات دست بزنند و حزب جمهوری اسلامی نیز بر اساس همین ضرورت عقلانی و ضرورت

سیاسی و اجتماعی بی‌ریزی و پایه گذاری شد. اما قسمت دوم این سئوال که دیده میشود عده‌ای با تشکیلات و تحزب می‌جنگند و علیه تشکیلات فعالیت و تبلیغاتی دارند، بلی عده‌ای علیه تشکیلات که عمدتاً هم هدفشان تشکیلات حزب جمهوری اسلامی است می‌جنگد و به نظر من یک حرکت غیر منتظره هم نیست و حرکت مستطرهاست یعنی این توقع را ما داشتیم و داریم زیرا عده‌ای می‌بینند که حزب با تشکیلاتی که بوجود آورد نقش مهمی تاکنون در تداوم انقلاب و حفظ دستاوردهای انقلاب داشته و هر تصمیمی را هم که به سود مردم و برای سعادت مردم گرفته هم از تصمیماتی که در رابطه با کاندیداهای مجلس شورای اسلامی، تصمیمات راجع به خیرگان اول و خیرگان اخیر ولو اینکه در خیرگان اخیر حزب مستقیماً نقشی نداشته و کاندیداهایی معرفی نکرده است ولی نوعاً در مسائل عمومی و اجتماعی که نیاز به نظر خواهی بوده است وقتی حزب رهنمودهای به حقی را داده و نقش داشته و مفید بوده و اثر نیز گذاشته است طبیعی است عده‌ای که در مجموعه قرار نگرفتند و یا قرار نمی‌گیرند اینها باید بدشان بیاید و بدشان هم آمده است و نتیجتاً برای خودشان و موقعیت خودشان احساس خطر می‌کنند. این است که سعی می‌کنند علیه تشکیلات که عمدتاً نیز مرادشان از تشکیلات و تشکل، تشکیلات حزب جمهوری اسلامی است نه غیر این حزب، هولاً آدم می‌بینند که همینهایی که برای رد تشکیلات مصاحبه می‌کنند و با حرف می‌زنند و اقدام می‌کنند خودشان تحت پوشش دیگری دارند تشکیلاتی کار می‌کنند و دارند تشکیلاتی نیرو جمع می‌کنند و نفوذ می‌کنند، معلوم میشود که از اصل تشکیلات بدشان نمی‌آید اما تشکیلاتی را مورد حمله قرار میدهند که خودشان در آن نیستند و جا هم ندارند که باشند و لذا حملاتی می‌کنند و می‌گویند زیرا برای خودشان و یا برای تشکیلات خودشان احساس خطر می‌کنند.